

سازمان فرهنگ و یادگارهای ملی
روز بدون درهبرگرد
معاونت وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی



Ketabton.com

LIBRARY OF CONGRESS
6
JUN 11 1980
COPY
ORDER DIVISION

15571/02717

کتابتون
دعای الله و اولاد و اولاد و اولاد



های سرگانهی خاص کتر، اسمار، چو کس، نورگل و نرنگ که در باغ ولایت کتر گرد آمده بودند رسانیده شد .

جلسه فوق العاده مشترک بخشی از سازمانهای ناحیه اول حزبی ساعت پنج بعد از ظهر ۲۹ ثور در قصر ستور وزارت امور خارجه تشکیل و در مورد نتایج دومین پلیتوم کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان بحث صورت گرفت .

در آغاز بعد از آنکه هیات رئیسه جلسه به اتفاق آراء تایید گردید سلطانعلی کشتمند عضو بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، معاون شورای انقلابی معاون صدر اعظم و وزیر پلان جمهوری دموکراتیک افغانستان بیانه منصل و جامع ایراد کرده و نتایج دومین پلیتوم کمیته مرکزی حزب و بیانه تاریخی بیک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شو رای انقلابی و صدراعظم را در

دومین پلیتوم کمیته مرکزی با ارزش ارزیابی نمود .

نمایشگاه عکاسی مربوط به 'المپیای ۱۹۸۰ مسکو تحت عنوان مسکو والمپیک عصر ۳۰ ثور از طرف سفارت کبرای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی به همکاری وزارت اطلاعات و کلتور در سالون بشاروالی کابل افتتاح شد .

در مراسم افتتاح این نمایشگاه دکترانهینا راتب زاد وزیر تعلیم و تربیه و رئیس انجمن دوستی افغان و شوروی شاه محمد دوست وزیر امور خارجه بعضی از اعضای شورای انقلابی ، کدر های برجسته حزبی و کارمندان عالی رتبه دولتی ، سفیر کبیر اتحاد شوروی و بعضی از سفرای کبار کشور های دوست مقیم کابل اشتراک نموده بودند .



بیک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان موقعیکه رام سانهی معین وزارت خارجه هند را برای ملاقات بحضور پذیرفتند

باساس پیشنهاد وزارت فواید عامه خریداری وسایط و پرزه جات طرف ضرورت ریاست میخانیک فواید عامه به قیمت اضافه از پنج

میلیون و نهصد و هشتاد و چهار هزار دالر از کمیته های اتحاد شوروی ، چکوسلواکیا ، رومانیای و جاپان منظور گردید .

نظر بدرخواست وزارت معادن و صنایع خریداری ششصد هزار خریطه بولی ایلین ضرورت فابریکه کود مزار شریف با افتتاح لیتراف کردیت آن از کمیته توزای جسابانی منظور شد .

درودها و شادباش های صمیمانه بیک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان روز ۲۹ ثور در مقر شورای انقلابی جلسه نمود . شورای وزیران در جلسه همان روز خود ضمن غور و صدور فیصله روی یک سلسله پیشنهادات وزارت ها، درباره مسایل آتی تصمیم اتخاذ نمود :

ولایت هرات بر گزار شد به مردم زحمتکش آن ولایت ابلاغ گردید .

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر میدهد بیک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان ساعت ده قبل از ظهر ۲۸ ثور ۴۱ سانهی معین وزارت امور خارجه هند را در مقر شورای انقلابی برای ملاقات پذیرفتند .

تحت ریاست بیک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان شورای وزیران روز ۲۹ ثور در مقر شورای انقلابی جلسه نمود . شورای وزیران در جلسه همان روز خود ضمن غور و صدور فیصله روی یک سلسله پیشنهادات وزارت ها، درباره مسایل آتی تصمیم اتخاذ نمود :

اختصار وقایع مهم

مدیریت اطلاعات وزارت امور خارجه خبر میدهد ، از طرف بیک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان تلگرام تبریکه به مناسبت انتخاب جیومن میانوویچ بهیث رئیس ریاست جمهوری جمهوریت فدرالی سوسیالیستی یوگوسلاویا عنوانی موصوف به بلگراد مخابره گردیده است .

سلام های گرم بیک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم روز ۲۶ ثور توسط عبدالمجید سر بلند عضو کمیته مرکزی حزب ، عضو شورای انقلابی و وزیر اطلاعات و کلتور طی گردیم آبی وسیعی که در باغ



سلطانعلی کشتمند عضو بوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، معاون شورای انقلابی، معاون صدر اعظم و وزیر امور پلانگذاری هنگام ایراد بیانه در جلسه فوق العاده مشترک بخشی از سازمانهای ناحیه اول الف حزبی

ولغا! حزب دموکراتیک خلق افغانستان ابرگنیزم زنده است که بشکل دائمی با

ارتباط نامستثنی به تغییرات انقلابی جا معه تکامل می نماید.

بیرک کارمل

شنبه ۳ جوزا ۱۳۵۹-۲۴ می ۱۹۸۰

دست نیرو و مند صلح و دوستی بسوی همسایگان

را برای خود ایجاد نمایند. خلق افغانستان مصمم است تا از آزادی و استقلال کشور و از حقوق خود برای تعیین نظام اقتصادی و اجتماعی شان دفاع نمایند.

بعد از پخش این اعلامیه یکبار دیگر برای جهانیان به اثبات رسید که مردم و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان واقعاً موضع صلح و ستانه در منطقه داشته و آنچه را اعلام مینماید صادقانه در جهت تلاش می ورزد. چنانچه مطبوعات جهان بصورت وسیع و گسترده از آن استقبال نمودند.

بگذار در مقابل هر عمل انقلابی دولت ما و در مقابل آرمان های والای مردم ما در جهت تامین صلح و آرامش در منطقه که همه به آن واقعا نیاز دارند عمل بالمثل صورت گیرد و این دست صلح و دوستی، صفا و صمیمیت راستی و صداقت که عملاً تراز گردیده خلق های کشور های منطقه را هر چه بیشتر باهم متحد سازد و مساعی مشترک نیرو های انقلابی صلح استوار و جاودان را به ارمغان آورد. ما یقین داریم که عمل ویر خورد انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان هر گز بی تأثیر بوده نمی تواند و اگر چه تخریبی در مقابل پیاده گردد باز هم شش انسانی ما را در باره دو سستی با مردم منطقه تغییر ندهد و این روابط بالاخره جوشش خورده و استحکام می یابد.

آنچه درین میان روشن است شکست ارتجاع و امپریالیزم می باشد که عاملین اصلی ایجاد و تشنج و نا آرامی، تشویش و دهشت افکنی در منطقه و جهان است.

به پیش در جهت انکشاف روابط دوستانه خلق های منطقه.

زنده باد مردم سر بلند افغانستان بر فراشته باد درفش صلح و دوستی میان ملل.

افغانستان راه اصولی را در پیش گرفته بودند. یکجا با مردم به یکبار ادامه دادند و قدرت جبار امین فاشیست و باند نپکارش را بتاريخ ۶ جدی ۱۳۵۸ سرنگون نمودند که بعد از آن نیز مداخلات ارتجاع و امپریالیزم باز هم بیشتر از پیش وسعت یافت و بد بختانه این دست درازی تاکنون نیز ادامه دارد.

دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان بعد از مرحله نوبین انقلاب ثور که با قیام ۶ جدی برهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان آغاز گردید، از همان روز اول با تشریفات انقلابی حسن نیت خود را در جهت دوستی با کشورهای منطقه و جهان اعلام داشت و درین مسیر باز هم لحظه ای آرام نه نشست چنانچه به ارتباط اسناد موثق مداخلات خارجی در امور داخلی افغانستان، یکبار دیگر دولت انقلابی افغانستان در روشنی شش صلح و ستانه و السالی خویش با نشر اعلامیه ای در زمینه انکشاف روابط افغانستان با ایران و عادی ساختن روابط میان افغانستان و پاکستان اعلامیه ای را به نشر سپرد که خود دست نیرو مند است که از طرف مردم و دولت افغانستان بسوی کشور های همسایه دراز گردیده و این عمل انقلابی از مناتت ربابداری و خصلت انسانی جمهوری دموکراتیک افغانستان سر چشمه میگردد که اهمیت و مقامش در تاریخ معاصر منطقه با ارزش بوده و نیت صادقانه دولت انقلابی افغانستان را در زمینه دوستی با کشور های منطقه و جهان می نمایاند.

چنانچه در همین اعلامیه می خوانیم «خلق افغانستان می خواهد در شرایط صلح، انکشاف مناسب دوستانه و همکاری با همسایگان کشور های مسلمان و تمام نول جهان حیات لوینی

نیازی به ایلات ندارد که دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان، دولت قانونی مردم این سر زمین کهنسال و تاریخی می باشد که اکنون با تمام های جدی و انقلابی برهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان و غیره همسایس توطئه ها شاناز و تهدید قدرت های ارتجاعی و عقبگرد او شبکه های تخریبی امپریالیستی به پیش می رود و این نیاز مبرم زمان است که باید افغانستان انقلابی به پیش رود و هر خس و خاشاک را که در مقابلش قرار گیرد از سر

راهش جاروب نموده و طبق پلان در جهت ترقی و تعالی مردم این وطن اهداف انقلابی را تطبیق نماید.

به این ارتباط، بعد از انقلاب شکوهمند ثور، آنگاه که دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان شش و پروگرام دگرگونی ها را

در حیات اجتماعی مردم اعلام داشت نول جهان افغانستان انقلابی را بر سمیت شناخت و روابط افغانستان آزاد و مستقل در گام اول بسادول

همسایه تامین گردید و افغانستان هر مانانه در چوکات پروگرام های سازمان ملل متحد

و دیگر سازمان های بین المللی در خشید. این بیروزی و کامکاری مردم مستعدیده و داغ دیده افغانستان آتش بجان دشمنان سوگند

خورده خلق افکنند و از داخل و خارج شبکه های تخریبی امپریالیستی بصورت مشخص در امور داخلی افغانستان مداخله نمودند تا آنجائی که

انقلاب از مسیر اصولی آن به بیراهه کشانده شد و حقیقت الله امین در رأس قدرت فرار گرفت و تا توانست در سر کوبی نیت و انقلاب

وزمندان واقعی و سر سپردگان راه آزادی و استقلال و سعادت مردم کوشید و چه چنانیات ناپسندونی و شرم آوری که باباند آدمکش

و چلاندش مر تکب نگردید؟ اما مبارزان، فرزندان آگاه و صدیق مردم آتپایی که در حزب دموکراتیک خلق

درین شماره

افغانستان خواهان صلح و دوستی با همه کشورهاست

تکرشی کوتاه و ستاینده به دو نشریه تازه کشور

زهور دموکراتیک جمهوری دولت اساسی اصول به دموکراتیکو....

سلسله گفت و شنود ها و نشست های اختصاصی ژوندون در میزگرد

زندگی نامه هوچی مین

اعلامیه حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان

دکور په لاری

تصویب اصول اساسی ج.ا.د، کام فراخی است در جهت بیروزی

زنان آزادهای ما این مشعل داران راه آزادی

در محکمه فامیلی چه خبر است؟

عشق به انسان

شرح پستی سوم:

هوطنان سلخسور زحمتکش و وطنپرست کوچی ما دوباره به آغوش گرم و پراز محبت در وطن برمی گردند و با حزب و نول ملی و دموکراتیک خود یکجا در کار و یکبار انقلابی در راه اعمار وطن همدست می شوند.

گورکھ

هوچي مين، دزيار کينانو دلاري ستو سو غندوي



کله چې په ۱۹۷۵ کال دويتنام د خلکو په ميرانه او دشوروي اتحاد په مادي او معنوي مرستې سره د امريکايي امپرياليزم د قهرمان ویتنام خه و شړل شو تر ټولو نه مخکې او زيات د آزادي خو بونکو خلکو له خولي نه دهو چې - مين نوم اوړيدل کيله داځکه چې دغه ستر شخصيت پدغه لاره کې يعنې د خپل هېواد د خلاصون او خپلواکي په لاره کې نه ستړي - کيدونکي مبارزي يې تر سره کړي و .

دقهرمان ویتنام خلک دخو ليزو په اوږدو کې دخو يرغلگرو او نيري کونکو امپريالستي او استعماري قوتونو په وړاندې په قهرمان سره جنگيدلي دي او ددغو زده وړو مبارزو په ترڅ کې يې نه يواځې دخپل هېواد ، يووالي ، ارضي تماميت او خپلواکي تر لاسه کړي ده بلکې دسيمې يعنې داسيا دجنسوپ ختيځې سيمې انقلابي غورځنگونه او لېشونه يې هم پياوړي او غوړولي دي . دامپريا ليزم او نوډو تيسري کونکو قوتونو پر ضد جگړو کې هوچي مين تر ټولو نه لويو ستره او ددرناوي لويه څيره بلل کيدوي داځکه چې دغه ستر شخصيت د ویتنام دخلکو عادلانه او قهرمانانه مبارزي رهبري کړې دي . هوچي مين ديو ستر ملي قهرمان په څير خپلو دخلکو قهرمانانه مبارزي قدم په قدم په وړاندې اوډيري تر ټولو پيروي رسولی دی . هوچي مين خپل ټول دخپل وطن او خپلو خلکو دليکترغې په لاره کې وقف کړ او له همدې امله دغه نوم دويتنام لسه نوم سره جوخت په تاريخ کې ثبت شوی دی او ددغه کار نامې دويتنام دخلکو په زهولو کې خاص ځای لري . هوچي مين دخپلو خلکو د مبارزو دټينگو ليکو په سر کې تر يوازي لسه دغه حقيقت په ډاگه کړه چې دخلکو داراني او قوت نه پورته هيڅ بل قوت نشته ، داځکه چې دخلود ولسيزو په اوږدو کې سره له دې چې ویتنام خو ځلي دتيري کونکو استعماري قوتونو له تيري سره مخامخ شو او ان دنسري ستر امپريالستي هېواد خپل ټول قوت او قدرت سره و نشو کړای چې دويتنام دخلکو تصميم او اراده دآزادي په لاره کې ماته کړي .

هوچي مين ۱۸۸۵ کال ددي په نو لسمه نيټه دترنگي نين په ولايت کې په يوه منوره کورنۍ کې زيږدلی و . دغه ولايت دفلوداليزم او استعمار داسې پوځي حکومتونو سره په مقاومت کې ټير لوهوئی و . هوچي مين کله چې دتکر کولو سن ته ورسيد تصميم يې ونيو چې دخپلو خلکو دزغورلي په لاره کې فعاليت وکړي .

د ۱۹۱۵ کال دجون په مياشت کې هوچي مين له خپل هېواد نه بهر لاړ هغه فرانسې ، اړد آسيا او امريکا نورو هېوادونو ته سفر وکړ او هلته يې هم دکارگرايو او استعمار خپلو خلکو سره يوځای ژوند او دخپل ژوند

د ۱۹۱۵ کال دجون په مياشت کې هوچي مين له خپل هېواد نه بهر لاړ هغه فرانسې ، اړد آسيا او امريکا نورو هېوادونو ته سفر وکړ او هلته يې هم دکارگرايو او استعمار خپلو خلکو سره يوځای ژوند او دخپل ژوند

کړه . دده هوچي مين زعامت وچسې دويتنام خلک يې نوروستې بري تر ټولو پورتې ورسول . دويتنام اهل خلک په ټيرمهينه سره چمتو کيدل چې د ۱۹۷۰ کال ددي په ۱۹ نيټه دستر هوچي مين دزيږيدنې د اتيايم کاليزې جشن وليسې خوله بله مرغه دغه لويې انقلابي ډله د ۱۹۶۹ کال دسپتامبر په مياشت کې مړشو . هوچي مين اوسې لامل ته پويام لسري : دانستلال او خپلواکي خته هيڅ شي گران او په زړه پوري لکي . . . اوس ، اوس دهوچي مين نوم ټولو خلکو ته ددې استلال ، دسوسياليزم او دخپلواکي دلاري دندوي په څير پريښي .

دافغانستان خلک ددغه نامتو مبارز او انقلابي شخصيت دزيږيدنې نويمه کاليزه دويتنام وروڼو خلکو ته مبارکي وايي او دغه ورځ په درنښت سره نمانځي دا ځکه چې اوس او س زهون خلک هم دخپل هېواد دسفسرولو او د خپل ملي خپلواکي او ارضي تماميت دټينگو په لاره کې لگياي مبارزه کوي او هماغه نري خوږونکي امپرياليزم چې پنځلس کاله يې دويتنام اهل خلک و خپل زهون دهيواد په پلور کې دلوړي غوښتونکي شوليزم او نوډو تيسري قوتونو په مرسته او گټون زهون هېواد تر گواښ لاندې نيولی خو مون هم په ډاگه سره وايو : هماغسې چې دويتنام اهل خلک په ميرانه خپل غليمان وټکسولي اوله خپل هېواد خته يې وشړل مون هم به ټير ټير بريالي شو چې ددغو دنري دخلکو قسم خوږونکي غليمان لاسونه دخپل خوازه او مقدس قانوړي خته لټو کړو او دسفسور او سيا افغانستان دجوړولو او دخپلو خلکو دنيکمرغې مزلو نه يوډبل پسي ووهر وياړدې وي په اهل هوچي مين نانانک دويتنام دانلوخلکو ستر لارښود .

وياړدې وي دافغانستان پراتلو خلکو . وياړدې ديو آباد ، خپلواک او مسرور افغانستان دجوړولو په لپاره کې .

دملې اسمبلې ته لومړي چلنه کې دويتنام دلومړي جمهور رئيس په توگه وټاکل شو او ۲۵۵ کلونو په اوږدو کې يعنې دستر روروسس شيبې پوري په دغه مقام کې پاته شو . دده عين حال کې هوچي مين دويتنام دکارگري گوند رئيس هم و . دغه گوند په ۱۹۱۵ کال کې دهوچي مين له خوا تاسيس شوی و . هوچي مين ټير اوږده کلونه دخپل هېواد دملې خپلواکي دتېست لارښوونه په شان په ټولنه او په عين وخت کې يې له تر يوازي انقلابي جنبشونو او غورځنگونو سره يې دخپل هېواد دخپلواکي او انقلابي غورځنگ اړيکي ټينگولي .

د ۱۹۴۵ کال دآگست انقلاب چې دفرانسوي يرغلگرو په وړاندې ددېو کلونو مقاومت نيجه وه بريالي شو ، ددغو سختو کلونو په اوږدو کې هوچي مين دسوسياليزم او دغواړتې جگړه له پاره خپل خلک رهبري کړه .

په ۱۹۶۶ کال کې کله چې دډاډوي پاسه دامريکايي الوتکو بونه دلومړي ځل لپاره ولويدل ، هوچي مين دخپل ملت ته عنوان يو پيام خپور کړ چې وروسته بيا همدغه پيام د ویتنام دخلکو دمبارزي دپروگرام په توگه ومنل شو . دهمدغه کال دجولاي په ۱۷ نيټه دويتنام غېر راډيو دويتنام ملي سرود خپور کړ او ورپسې هوچي مين خپلو عموانو ته په خطاب کې داسې وويل : « گداو او چنگلياو وطنوالو! مون غيښتلي يو ځکه چې زهون ترېخ دحق او عدالت پر ستونزو لاري ، زهون خلک په شمال او جنوب کې سره يو هوډي او متحد دي ، ځکه چې مون ټوله پسر مبارزي غنغات لرو ، ځکه چې مون دورو دسوسيالستي هېوادولو او دنړي دنترقي خلکو همدې دي او هنکري له خانه سره لرو ، مون به بريالي شو ، هو ، بريالي کيدو ! او هماغه وچې دامريکي دوخت جمهور رئيس په ۱۹۶۸ کال کې دشمالی ویتنام دپمباريو دبنډولو امر صادر کړ اوله ديوکراتيک ویتنام سره يې جگړه بنده

افغانستان خواهان صلح و

دوستی با همه کشورهاست

مردم افغانستان در طول تاریخ به دوستی و صلح بین همه مردمان و کشور های گیتی علاقمند بوده و است همانطوریکه می دانیم زمانی افغانستان محل عبور کاروان های طویل تجارنی که در تاریخ بنام راه ابریشم نامیده شده است، بود و مردمان سایر کشور ها این کشور را بچیت یک کشور دوست شناخته و بااطمینان کامل به این کشور رفت و آمد نموده و هنگامی که نتیجهی این رفت و آمد ها تعلق نزدیک و دوستانه بین مردمان افغانستان و سایر کشور ها بخصوص کشور های همجوار قایم می شد. ولی با تاسف باید اظهار داشت که در گذشته ها چون حکومت ارتجاعی و فتوادی نمایندگان واقعی مردم ما نبودند و تنها از طبقات حاکمهی ارتجاعی وقت نمایندگی می کردند نمی توانستند و نمی خواستند روحیهی صلح جویانه و حسن نیت مردم ما را در قبال مردمان و کشور های جهان انعکاس دهند از همینرو دولت های ارتجاعی سابق بیچ صورت سیاست صدافقانه و واقعی را پیش نمی بردند بلکه سیاست ترو-پروریا و تأمین کنندهی منافع خود و متحدین بین المللی خود را پیش می بردند .

مردم افغانستان در طول تاریخ برای اولین بار موفق شدند تا با به پیروزی رسیدن انقلاب زنجیر شکن شور حکومتی را بر میان بیاورند که واقعا از خود آنها ، نمایندگی خود شان و انعکاس دهندهی آرمان ها و احساسات خود شان باشد . آری دولت جمهوری دمو کراتیک افغانستان که با پیروزی انقلاب شور تشکیل گردید در تاریخ اولین دولت واقعا ملی و واقعا مردمی در افغانستان میباشد و اما با تاسف باید گفت که چون اتحادچنین سیاستی مخالف منافع امپری-الیازم و ارتجاع بود بعد از چندی نسبت به بوته هاو نسیمه های ارتجاعی و امپریالیستی این سیاست به بیراهه رفت و حفظ الله امین این جاسوس خائن و سفاک نه تنها نمی توانست و نمی خواست مطابق خواست مردم ما عمل نماید لذا برخلاف ارادهی مردم دولت افغانستان را چه در ساحهی سیاست داخلی و چه در عرصه سیاست بین المللی به گمراهی کشانید بطور مثال موضع گیری امین جاسوس در قبال انقلاب اسلامی ضد امپریالیستی و ضد سلطنتی مردم ایران عینا مطابق خواست امپریالیزم

در رأس امپریالیزم امریکا بود این اجنت سی ، آی ، ای خیره سرانه و بیشرمانه از سیاست امپریالیزم در برابر مردم ایران پیروی می نمود . ولی چون امین و باند فساد پیشه اش خلاف روند تاریخ و خلاف خواست مردم عمل می کرد بسیار زود طوفان خشم مردم او را از ریشه بر کند و نا بود ساخت ، آری مردم افغانستان به پایمردی ارتوی رهایی بخش خود و به ابتکار و رهبری زعامت انقلابی حزب و دولت مترقی توسط قیام پیروز مندانهی ششم جدی ۱۳۵۸ یکبار دیگر در عمل ثابت کردند که خواست و ارادهی شان محور و اساس تحول و عمل است و هر آنکسی که بتحاق بر سریر قدرت و ارادهی شان تکیه بزند بزیر می افتند و نابودش می کنند . زعامت مرحلهی نوین و تکاملی انقلاب شور دوباره افغانستان انقلابی را به راه اصلی و صراط المستقیم سوق دادند . چنانچه بیک کارمل طی بیانیهی ملی و تاریخی شام ششم جدی ۵۸ خویش ضمن ارائه خطمشی سیاسی دولت در ساحهی سیاست خارجی منجمله فرمودند :

« ... دولت افغانستان در حالیکه انقلابی ملی و اسلامی ضد امپریالیستی و ضد سلطنتی بوده های عظیم خلق های برادر ایران را شاد باش می گوید، ابتکار نزدیکی و تحکیم دوستی میان دو کشور دوست را که رسته های مشترک تاریخی بهم بسته دارند و در ماهیت امر کوچکترین اختلافی در بین نیست ، در دست خواهد گرفت ... هم چنان درین بیانیه موضع سیاسی و همسایگی نیک افغانستان انقلابی در قبال کشور همسایه ای ما پاکستان با حسن نیت فراوان چنین ابراز شده است : «مسل افغانستان و پاکستان باهم رسته های جدا ناپذیر برادری دارند . دولت افغانستان از طریق مذکرات دوستانه با زمامداران مسوول پاکستان ، در راه رفع هر گونه اختلافات و سوء تفاهات ، صدافقانه و برادرانه سعی و تلاشی خواهد کرد ... »

از تاریخ نشر این بیانیه در حدود پنج ماه می گذرد جمهوری دموکراتیک افغانستان با دید عینی و حوصله ی فراخ منتظر عمل باامثل و دوستانه بودولی بکمال تاسف باید اظهار داشت

که این حسن نیت دولت و حکومت ما باروپی غیر دوستانه و نا عاقبت اندیشانهی محافل حاکمهی پاکستان مواجه گشت و آن دولت نه تنها در برابر این موضع گیری صلح جویانه حسن نیت نشان نداد بلکه خاك پاکستان را محصل تریبه و مسلح نمودن عناصر ارتجاعی و شرور ساخت و پیاده کنندهی نقشه های سوء امپری-

الیازم ، شوینیزم و صهیونیزم در قبال افغانستان مردم افغانستان و انقلاب ملی و دمو کراتیک شور گردید و با این اعمال خود صلح منطقه را با خطر جدی مواجه ساخت . از جانب دیگر در عرصهی تبلیغات نیز سرو صداهای پروپاگاندی و دودوغین فراوانی را بر راه انداخت . امپریالیزم امریکا و عظمت طلبان مرند چینی و سادات و بیگین و غیره توام باین رویهی خصمانه از هیچ نوع توطئه و نسیمه و تبلیغ رو گردان نشدند . حوادث سوم حوت در شهر کابل، دست گیری جاسوس مصری بنام ضیال الدین محمود که از طریق پاکستان در وطن ما داخل و فعالیت جاسوسی می نمود و چندین سند انکار ناپذیر دیگر همه و همه نمایانگر موضع گیری خصمانه و موقف تجاوز کلرانهی زمامداران پاکستان ، امریکا ، چین و سایر کشور های ارتجاعی امپریالیستی و تجاوز گر می باشد . این محافل در تبلیغات دودوغین خود اولامسته اسلام و بخطر بودن ؟؟ اسلام در افغانستان را طرح ابوتلیغ می کند ، نالیا آنها کمک های متعدد مانی و معنوی کشور دوست و برادر افغانستان یعنی اتحاد شوروی را بخصوص کمک نظامی اعزام دسته های محدود نظامی آن

کشور را که به اراده و خواست خود مردم افغانستان و برای طرد تجاوز بیگانه بخصوص از خاك پاکستان و به اساس معاهدهی دسمبر ۱۹۷۸ صورت گرفته است ، قلب جلوه داده و آنرا به اصطلاح تجاوز بر افغانستان قلمداد می کنند و بالاخره بسیار بیشرمانه تبلیغ صورت می گرفت و صورت می گیرد که گویا افغانستان از طرف اتحاد شوروی اشغال شده است . این تبلیغات و تحریکات و روغ پراگنی ها بحدی وسیع و لحام کسبخته صورت گرفت که دولت جمهوری دمو کراتیک افغانستان یکبار دیگر جهت بر ملا شدن واقیعت بتاریخ

۲۴ نور ضمن نشر اعلامیهی موضع اصولی ، صلح خواهانه و واقع بینانهی مردم افغانستان را توضیح نمود . یعنی همانطوریکه ما بارها گفته ایم ارتش محدودیکه بنا ب درخواست مردم و حکومت قانونی افغانستان به کشور ما آمده برای تجاوز و اشغال نمی بلکه برای یاری رسانیدن به مردم افغانستان در راه دفع و طرد تجاوزات ارتجاع منطقه ، ارتجاع امپریالیستی و ارتجاع شوونیستی صورت گرفته است و هر زمانیکه این تهدیدات مرتفع شود ضرورت موجودیت این قوا نیز از بین می رود . نالی اینکه اسلام برای اولین بار در افغانستان بشکل واقعی و راستین آن ساحهی فعالیت یافته است و دولت و زعامت انقلابی ما بارها طی اعلامیه ها با بیانیه ها و بالخصوص در اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان که می توان آنرا قانون اساسی موقت جمهوری دموکراتیک افغانستان نامید مؤکدا طر فداری دفاع و احترام بدین اسلام و مناسک مذهبی ، اظهار شده است . چنانچه در ماده (۵) اصول اساسی ج ، د ، ا چنین گفته شده است :

« در جمهوری دمو کراتیک افغانستان احترام ، رعایت و حفظ دین مبین اسلام تأمین می شود و آزادی اجرای مراسم مذهبی و دینی برای تمام مسلمانان تضمین می گردد ... »

لذا آن همه چرنیدیات و دودوغ پردازی هاییکه از طرف محافل ارتجاعی و امپریالیستی جهانی علیه مردم و انقلاب مردم افغانستان می شود همه و همه بسبب برباد شدن منافع و مواضع آنها در کشور ما می باشد . حزب و دولت و حکومت انقلابی ، برای اینکه یکبار دیگر موضع اصولی ، صلح جویانه و صدافقانهی خود را برای ایجاد تفاهم و اراده سیاست عدم مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر و خواهان بودن دوستی و حسن هم جوار با کشور های همسایه اعلام میدارد حکومت و مردم افغانستان بابه پیروزی رسانیدن انقلاب ملی و دمو کراتیک ضد امپریالیستی ، ضد فتوادی و ضد کمپرادوری یعنی انقلاب شور تصمیم راسخ ، قاطع و خلل ناپذیر دارند که به پیش بسوی آ زمان های والای انسانی بروند اگر امپریالیزم و

نگاهی کوتاه و تشابیه بعد و نسیب به نادره کسوف

تا پذیر امور عسکری را از رفقای شوروی
خویش فراگیرند و از تجارب ارزنده شان
استفاده ببرند ، تروسی که در کوهها و
سحراها ، بولنگوها میدانهای انداخت
ومیدانهای دریوری تا تکها پیش برده
میشود با ید با مهارت و توانایی قابل
ملاحظه ای توأم باشد ...»

«د افغانستان دخلک دمو کراتیک موند
دملی آزادی پخیزو لکی اردو د لارښود په

توکه، عنوان مضمون با ارزش دیگر

است پیرامون رهبری خرد مندانه و علمی
واصولی حزب از اردو که برید جنرال
گل آقا رئیس عمومی امور سیاسی جمهوری
دموکراتیک افغانستان آقا به نگارش آورده
است .

«صحبتی با خوانندگان . عنوان

نخستین شماره نشریه «حقیقت سرباز» در
هشت صفحه به قطع روزنامه از نشر آرد
این نشریه تازه که حیثیت ارگان مرکزی
وزارت دفاع کشور ما را دارا بوده و عهده
دار پخش و گسترش آگاهی و دانش در
میان سربازان ، افسران و کارکنان
امور نظامی کشور میباشند - بدون شک
با جهت گیری مثبت و فعال نشراتی خستون
بعد از این موفق پر خواننده ترین روزنامه
کشور را در میان سربازان و افسران
و همه دست اندرکاران امور نظامی
و دفاعی کشور خواهد داشت .

بسر کار مسل منشی عمومی کمیته
مرکزی حزب دموکراتیک
خلق افغانستان - رئیس شورای انقلابی
و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان
با توجهی که به نقش سازنده مطبوعات
در این منقطع خاصی تاریخ پر شکوه کشور
ما دارند ، در پیای عنوانی این نشریه
که در صفحه اول آن به نشر رسیده
است خاطر نشان می سازند که :

«... قبل از پیروزی انقلاب نور - در دوران
زمامداری رژیم های فاسد فئودالی سختی
از روزنامه نگاری در میان نبود ، زیرا
هیات های حاکمیتی و قوت از نقش چنین
ارگان نشراتی در امر بسیج و روشنگری
سیاسی در میان نظامیان در هراس بودند ،
آنها از ره آورد فکری این چنین ارگانی
در میان توده های سرباز و افسر مرنر
میدانند ...»

بیرک کارمل بعد از تحلیل او ضاعی
که در مجموع خود موجب پیروزی انقلاب
نور در کشور ما گردید در مورد رسالتی
که این نشریه با ید آقا به عنوان منشی
نشراتی خود پذیرد چنین تا کید می
کنند :

«... روزنامه «حقیقت سرباز» با ید
پاز تا ب صادق حقیقت پیروزی انقلاب نور
در برابر ضد انقلاب باشد .

روزنامه با ید در راه تطبیق نظریات
انقلابی ، حفظ دست آورد های انقلاب نور ،
فراخوانی مردم در راه ساختمان افغانستان
نویین ، آباد ، مرفه ، مترقی و سر بلند ،
تحکیم رسته های گسست نا پذیر عینی
بین توده های ملیونی مردم زحمت کش

و اردوی قهرمان ما نقش سازنده خود را
ایفا نماید .

انقلاب و وطن و مردم ما با دشمنان گونا
گون و محیل در نبرد آرد ، روزنامه «حقیقت
سرباز» در امر آگاهی جنایت ها ،
تجاوزات ، توطئه ها و دسائیس امپریالیزم
و دیگر دشمنان مردم ما بر علیه منافع حیاتی

ملی خلق ما ، در امر انعکاس و قف و فدا
کاری ، دلیری و قهرمانی های افسران
سربازان و خرد ضابطان اردوی آزادی
بخش ما که در سنگر دفاع از انقلاب و وطن
و مردم مر دانه می رزمند و در امر تقویت
روحیه شریفانه و فاداری بوطن ، مردم
و انقلاب نقش بس عظیمی را با ید ایفا
نمایند .

روزنامه «حقیقت سرباز» با ید با زبان
بی تکلیف و ساده حقیقت گوی خود ، آموز
گار ، رفیق و یار و یاور خوبی برای سربازان
و افسران قوای مسلح ملی ما باشد ...»

برید جنرال محمد رفیع وزیر دفاع ملی
با نگارش زیر عنوان «از مین انقلابی
تا ن دفاع کنید» با تحلیلی همه جا نیه
از او ضاع و شرایط کنونی انقلاب در
برابر با ندهای خراب کار و ضد انقلاب
موجودیت قطعات محدود کشور دوست ما
اتحاد شوروی را به خاطر جلو گیری از نفوذ
امپریالیزم خونین در کشور ما امری
ضروری میدانند و در این مورد چنین می
نگارند :

«... قوماندانان ، کارکنان سیاسی
و فعالین سازمان های جوانان و فعالین
حزبی با ید به افسران ، خرد ضابطان
وسربازان معاوتت های سیاسی .
معنوی ، اقتصادی و نظامی اتحاد جما هیر
شوروی را به مین ما تشریح و توضیح
نموده در ترتیب همه جا نیه پرسوئل
مربوط با ر و حیه دوستی و برادری با
عساکر قوای مسلح شوروی بگو شدند .
عساکر ما مکلف اند به صورت خستگر

سر مقاله «حقیقت سرباز» است که در
بخشی از آن می نگارند :
«... نشر جریده «حقیقت سرباز» ارگان
مرکزی وزارت دفاع ملی جمهوری دموکراتیک
افغانستان چرخشی است از تاریکی به سوی
روشنایی .

نظامیان مین با عظمت ما که درمکات
عسکری ، در قتلها ، در پوهنخی ها و
پوهنتون و در هیچ جای اجازة مطالعه
حتی یک صفحه یک کتاب ، یک داستا ن
و یا پارچه شعری را ندا شتند ، اکنون
جریده ای دارند که حدا کثر تیار بندی
های خود را توسط آن رفع خواهند
کرد ...»

«مردم ملی اودولتی بیوغ ددرندو مراسمو
به ترخ کی او چت گری شو .
«دو مین سال انقلاب شکو همند نور .
«بیا هم به هوا کی» «رمز بیروزی»
«دلور بر نمین انقلاب به پلو شو کسی
سیاسی دند ی دندی» «سربازان واقعی
وطن پرست مو ضع شانرا ترک نمسی
گو یند» در کنار ما شین محاربیوی «آنها
که همیشه زنده اند» «ما را پیروزی را
در یافته ایم» «زنان مبارز» «دیو قهرمان
پیلوت پیغام» «دو سله وال بوخ ینو و نه
او روزنه به پراختیا بی پراو کی» «مخاطرات
تلخ و شیرین» «دولور دیرتمین انقلاب په
رنا کی به زمو د نالمرانو او سربازانو
هو سا او نیکمرغه زوند به پر خه شی»
«جه دمو کراتیک ملی» «سا یای امیر
امان الله وولادیمیر ایلیچ لنین تحکیم
میابند» «بازدید نوستا نه» «شوروی اتحاد

د افغانستان و قادر ملگری - شعری زیر
عنوان «به لنین» «اطلاعات» و قایع حوانات
در جهان ، پنهان»

«رویداد های مهم کشور های مترقی -
مدرقلمر و فرهنگ و هنر» «مسابقات المپیک ۱۹۸۰»
و «اهمیت سواد» عناوین دیگری است که در
نخستین شماره نشریه «حقیقت سرباز» به
چشم می خورد و نشان میدهد که گردانند
گان این روزنامه نه تنها کوشیده اند
در منی نشراتی این نشریه با ارزش به
آگاهی رسانای در زمینه های مسلکی و
پهلوی های سیاسی و اجتماعی او لیت هارا
در نظر بگیرند - بلکه با گره آوری های
جالبی که در بخش های فرهنگ و هنر ،
ورزش ، خاطر نو یسی به بیو گرافی
و موضوعات اطلاعاتی و خبری دارند هیچ
گونه توفیق خواهند داشت مشکل پسند را از یک
روزنامه خیری و آموزشی از یاد ببرد
اند تا آنجا که اگر شماره های این
نشریه کلمکیون شود خواهد تنده در اخیر
سال در واقع صاحب دایوت المعار فسی
شده است که ارزش نگهداری در کتابخانه
ها را دارا میباشد .

نشر نشریه «حقیقت سرباز» که به زودی
حیثیت روزنامه را خواهد یافت به وزارت
دفاع ملی - به همه روشنفکران جامعه به
سربازان و افسران اردوی قهرمانان
افغانستان و خوانندگان و علاقمندان آن
و کارکنان باذوق آن صمیمانه شاد باش
میگو ییم و آرزو داریم این روزنامه مو یین
در رساندن پیام های انقلاب و اهدا فوالوی
آن هر روز پیروز تر از روز پیش باشد .

بقیه در صفحه ۱۹
ژولنون



مکان مرکزی وزارت دفاع ملی جمهوری افغانستان

بگذارد حقیقت سرباز، مظهر ظفر مندی نمیاید سربازان و افسران و سپه با پاشد... بیرک کارمل

اول می روز همبستگی کارگران در سراسر کشور تجلیل گردید

افغانستان در دو روز گذشته در همبستگی بین افسران و سربازان و سپه با پاشد... بیرک کارمل...
در سراسر کشور تجلیل گردید...
روز همبستگی بین افسران و سربازان و سپه با پاشد... بیرک کارمل...
در سراسر کشور تجلیل گردید...
روز همبستگی بین افسران و سربازان و سپه با پاشد... بیرک کارمل...

بیرک کارمل کارتهای افسرانی را که به رتبه جبرالی ترفیع کرده اند توزیع نمود



مجلس عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک افغانستان - رئیس شورای انقلابی و
معاونت جمهوری دموکراتیک افغانستان برید کارمل که تعداد ترفیع کارتهای ترفیع پاک
الافغان فیرمکان باسما بکجا بده بشود.

دو روز در غور نده انقلاب دو همه کار ایزه به شاندار و مراسم سره و نماز نخل شوه

دو روز به اوج رسیده و کار به ختم رسیده است...
دو همه کار ایزه به شاندار و...
مراسم سره و نماز نخل شوه...
دو روز به اوج رسیده و کار به ختم رسیده است...
دو همه کار ایزه به شاندار و...
مراسم سره و نماز نخل شوه...

دو روز در تعیین انقلاب دو همه کار ایزه به شاندار و نماز نخل شوه

دو روز به اوج رسیده و کار به ختم رسیده است...
دو همه کار ایزه به شاندار و...
نماز نخل شوه...
دو روز به اوج رسیده و کار به ختم رسیده است...
دو همه کار ایزه به شاندار و...
نماز نخل شوه...

پیام شان باقی قوای مسلح همبستگی زحمتمکشان جهان به کارگران افغانستان

که از طرفی بود و از طرفی دیگر...
همبستگی زحمتمکشان جهان...
به کارگران افغانستان...
که از طرفی بود و از طرفی دیگر...
همبستگی زحمتمکشان جهان...
به کارگران افغانستان...

برید جنرال محمد رفیع وزیر دفاع ملی در کنفرانس تیور یکی - نظامی که در قرارگاه ورادند دفاع ملی بر گزار شد اشتراک ورزید

برید جنرال محمد رفیع وزیر دفاع ملی...
در کنفرانس تیور یکی - نظامی که در قرارگاه...
ورادند دفاع ملی بر گزار شد اشتراک ورزید...
برید جنرال محمد رفیع وزیر دفاع ملی...
در کنفرانس تیور یکی - نظامی که در قرارگاه...
ورادند دفاع ملی بر گزار شد اشتراک ورزید...

دو روز به اوج رسیده و کار به ختم رسیده است...
دو همه کار ایزه به شاندار و...
نماز نخل شوه...
دو روز به اوج رسیده و کار به ختم رسیده است...
دو همه کار ایزه به شاندار و...
نماز نخل شوه...



دو روز در تعیین انقلاب دو همه کار ایزه به شاندار و نماز نخل شوه

سا
سا
۱۳۵۸
نموده
نا
شفا
تکمیل
بر
لغمان
آورد
شفا
گردید
سا
بود
آغاز
وجو
شروع
نا
ولا
وسفت
ش
ای
کمک
کند
تکمیل
مهند
امضا
آیند
شود
کا
۱۳۶۰
مذکور
مردمان
استفاد
که
فنی

منطوقی به کجا انجا میده است با تو چه به
ارزش که این شفاخانه ها مخصوصا
در شرا یط کنونی در معا لجه بیما را ن
ولایات دارند وزارت صحت عامه چه
نجا ویزی را برای تکمیل آن گر
است ؟

چون شفا خانه های فعلی در ولایات
نمیوانست بصورت صحیح جوابگو یی
نیاز مند یهای مردم گردند و نا گریز
مجبور بودند برای تدایو خو یش بسته
شفاخانه های مراکز مراجعه نمایند و وزارت
صحت عامه دو لک جمهوری دیو گرا یکت
افغانستان با پیروی از خطوط اساسی
کشور برای جلو گیری از ترا کم مرا جمین
در شفا خانه های مرکز و عدم سر گردانی
مردم تصمیم گرفت در پنج ولایت کشور
شفا خانه های حوزوی بتر فیت ۲۰۰ الی
۲۵۰ بستر اعمار نماید.

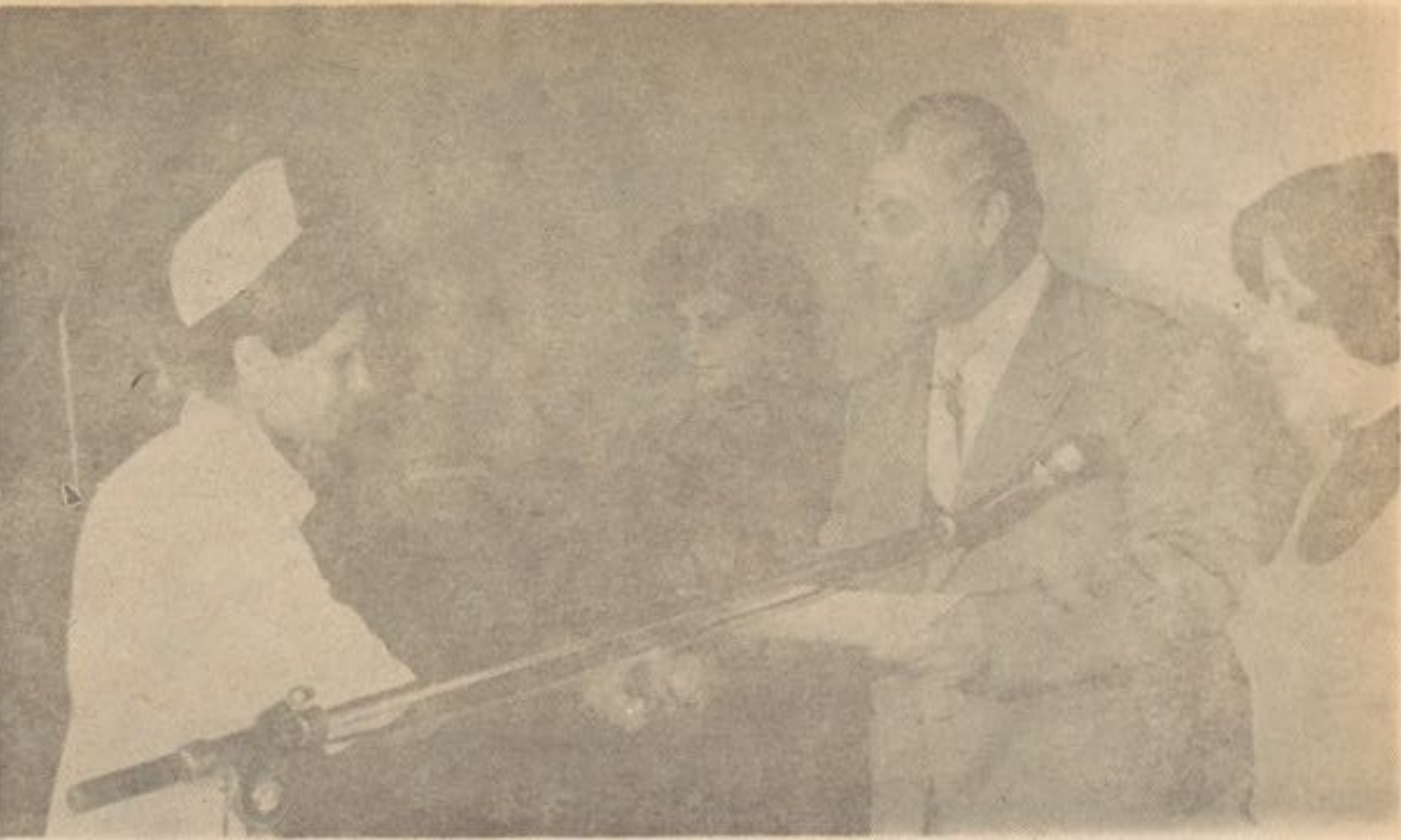
با اعمار این شفاخانه ها نه تنها خدمات
صحتی به بیمانه و سیتر و خو بستر بورد
صورت خواهد گرفت بلکه بجهت یسک
مرکز ریسرچ و تر یننگک فعالیت نموده
در مساحتات مختلف از آنها استفاده خواهد
آمد .

شفا خانه - حوزه کند هار- در اواخر سال
۱۳۵۷ بقر فیت ۲۵۰ بستر تکمیل وافتتاح
وشروع به فعالیت نموده است از این شفاخانه
بر علاوه اهل ولایت کند هار مردمان
ولایت ارزگان هلمند - نیمروز و زابل
استفاده مینمایند .

شفا خانه حوزوی هرات :
کار مساحتانی شفاخانه مذکور
بقر فیت ۲۰۰ بستر در سال ۱۳۵۵ ذریعه
دستگاه مساحتانی بنائی شروع و اولی
اخیر سال ۱۳۵۸ در حدود (۶۰) فیصد
پیشرفت نموده است امید می رود در اواخر
سال ۱۳۶۰ کار مساحتانی آن خاتمه یابد
آماده بهره برداری گردند .

از این شفاخانه بر علاوه اهل ولایت
هرات مردمان ولایات فراه باغیس و غور
استفاده می نمایند .

شفاخانه جلال آباد -
کار مساحتانی شفاخانه مذکور بقر فیت
۲۰۰ بستر در سال ۱۳۵۱ ذریعه دستگاه
مساحتانی بنائی آغاز گردید و امسور



وزیر صحت عامه در حالیکه تصادق شاهزادگان نرس قابلمگی را توزیع میکند

وزیر صحت عامه میگوید :

از پنج تا ده سال دیگر تعمیم

صحت در کشور عملی میگردد

مردم از این کلینک ها خود گواه راستین
ادعای ما میباشند .

میگو یید مردم شکایت دارند و این
شکایت در مورد یی تو جیبی نو کشوران
در معا بنه مر یضآن است شفا بلعده یی
چنین باشند - اما شفا بنو سید کسه
شکایت خود را با ما مطرح کنند تا به
آن رسیدگی گردند در غیر آن ما چگونه
بتوانیم به حقایق گفته های این شاکبان
اطمینان پیدا کنیم ؟

- کار تکمیل پروژه های شفاخانه های

ها هم چنان بلند است که دو کشوران
با آن دقتی که مر یضآن را در معا بنه
خانه های شخصی خود می بینند در کلینک
های مجانی مورد معا بنه قرار نمیدهند -
چگونه میتوانیم نقش این کلینک ها را مو ثر
تر بسازیم شفا نباید انتظار داشته باشید
هفته ای امور و از جمله امر مهم ملیسی
شدن طبابت که بصورت تد ریجی به عمل
پیاده میگردد یکباره یسی حل شود این
درست است که تا اندازه انقضاء شفا ایجا
میشود . اما ماند قدم نخست کیفیت موضوع
را بیشتر از کمیت آن در نظر داریم . به
این مفهوم که ایجاد رو حبه طبابت در
خدمت مردم قرار گرفتن است که در این
مر حله ارزشوا فر ندارد . اینکه بعضی از
دو کشوران در کلینک های مجانی بیماران
را در دست مورد معا بنه قرار نمیدهند -
ما تا کنون با چنین اتفاقا داری کسه
وسیله مر یضی داران عوا جه نشده ایم
و اگر بشوریم .

آزرا زیر تعقیب اصولی قرار میدهم -
و اگر بشوریم آنرا زیر تعقیب اصولی قرار میدهم
از طرف دیگر شفا نقش اقتصادی این
کلینک ها را زیاد مو ثر نمیداند چرا
موضوع را به این شکل طرح می کنید ؟
چرا نمی خواهید قبول کنید که در اقتصاد
در شکسته مردم ما بیش از نه تا نیست
با رازان شدن اتوبه و مجالی بودن
معاینه بر تا لیر نمیشود ؟ و استقبال مردم

بلیغات و تعلیمات صحتی در سال
۱۳۵۹ توسعه نموده تا با وسایل و متود
های جدید تبلیغ و تعلیم صحتی را گسترش
دهودر سال های آینده به دیگر ولایات
کشور نیز واحد های تعلیمات صحتی تاسیس
خواهد شد وهم در کنترل امراض ساری

که یک جزء ایید یعنی لوزی میباشند
از قبیل اسهالات موسمی دیگری ترا ختم
امراض مفا ربتی تو بر کلوز گام های
وسیع بر داشته شده و امسال جهت رفع
نقصه به کم آبی اطفال جهت هاید رشن
اطفال شهر کابل و تمام ولایات مرکزی
تاسیس گردید . تا اطفال معاب به کم
آبی اسهالات توام دار تو سط با کست
های مخصوص دوباره احیاء گردند همچنان

در قسمت صحتی ساختن فابریکات شهر
ها و منازل پرو گرم های در دست اجرا
است که در سال جاری به فعالیت آغاز
می نمایند به این ترتیب در قسمت عرضه
مواد غذایی سالم بعد از معاینه و کنترل
اقدامات میشود و در زمینه پلان های ساخته
شده عملی میگردد .

- کلینک های مجانی با اینکه در خدمت
مردم قرار دارد اما نقش اقتصادی قوی ندارد
به این دلیل که بیماری که مجبور است
به خاطر معا لجه و خرید تو بول هنگفتی
را بپردازد بر ساختن فیس دو کشور برای
زیاد مشکل نیست - از این گذشته اعتراض



یکی از راه های حمایت طفل و مادر توزیع مواد به مادران حامله است .



نمایی از گرسنگی و بی غذایی کودکانی که به سوء تغذی مصاب بوده اکثر آنها محکوم به مرگ بودند

ما ختمانی در حله اول آن خاتمه یافته و
ما ختمانی در حله دوم آن الی اخیر سال
۱۳۵۸ در حدود (۶۰) فیصد پیشرفت
نموده است .

تا گفته نباید گذاشت که کار ساختمانی
شفاخانه مذکور در اواخر سال ۱۳۵۹
تکمیل خواهد گردید . از شفاخانه مذکور
بر علاوه اهالی ولایت ننگرهار مردمان ولایات
لغمان و کترها استفاده بعمل خواهند
آورد .

شفاخانه حوزوی هزار شریف :

نقشه ها و زمین شفاخانه مذکور آماده
گردید و قرار داد ساختمانی آن بانسنگاه
ما ختمانی بنائی عقد شده است قرار
بود کار ساختمانی آن در سال ۱۳۵۹
آغاز یابد لیکن بنا بر عدم موجودی
وجوه کمک از جانب دولت عربستان سعودی
شروع کار شفاخانه مذکور معطل قرار
داده شد از شفاخانه مذکور بر علاوه اهالی
ولایت بلخ و ولایات جوزجان و ریاب
و سمنگان استفاده خواهند نمود .

شفاخانه حوزوی کندهار :

این شفاخانه بطرفیت ۲۰۰ متر مساحت
کمک دولت دو مست اتحاد شوروی در ولایت
کندهار اعزام میگردد اسناد تخنیک آن
تکمیل و پروتو کول تهیه نقشه های
مهندسی آن با مقامات اتحاد شوروی
امضاء گردیده و قرار است طی ۱۴ ماه
آینده بدسترس مقامات افغانی گذاشته
شود .

کار ساختمانی آن در اوایل سال
۱۳۶۰ آغاز خواهد یافت از شفاخانه
مذکور بر علاوه اهالی ولایت کندهار
مردمان ولایات بدخشان بغلان و تخار
استفاده مینمایند .

کمبود نرسش قابل ملاحظه در دهان
که اکثر تولدات بوسیله دایه های غیر
فنی صورت میگیرد عواقب ناگوار رباب

می آورد برای رفع این معضله شما چه
می کنید ؟

بدر این مورد باید بگوئیم که جهت
حل این معضله علاوه بر اینکه به تربیه
بیشتر معالمان نرسش قابل ملاحظه
میشود وزارت صحت عامه تحت پروگرام
مراقبت های اولیه صحتی به تربیه کارگران
صحتی انا لیه و دایه های محلی می پردازد
به اسامی این پروگرام تا فعلا بیش از
۷۰۰ نفر دایه های محلی در ولسوالی
های مختلفه مملکت تربیه گردیده و قرار



بالفعلیت گسترده بی که در راه امحای جیچک صورت گرفت بالاخره این مرض ساری از کشور
مارخت بریست

آن محاکمه شوند .
علاوه از آن با توجه به اینکه موسسات
مختلفی صحت عامه رو به تولید بسزیه
و قوای بشری مورد نیاز در حال رشد و
انکشاف میباشد و هم اینکه موسسات مذکور
از نگاه کیفیت علمی و مسلکی بررسی
و مواظبت شده بتوانند وزارت صحت عامه
روی همین اصل ریاست قوانین صحتی و
بررسی را در داخل تشکیل مستقل در سال
جاری روی کار آورده که البته اگر گمان
مذکور چنانکه قانون صحت عامه مفروضات
و لوایح و سایر ضمایم آن یکی پس
دیگر طرح ، ترتیب ، تجدید و مورد
تطبیق قرار گیرد میتوانند در برابر بسی
عیالاتی ها نیکه شما از آن متذکر
شده اید معالمانه و بر خورد نماید که
خوشبختانه این معمول ارزو میروند تقرب
بر آورده گردند .

یکی از پروژه های که بعد از بیروزی
انقلاب در افغانستان در دست اجرا گرفته
شد تبدیل ساختن مراکز معالجویی به
مراکز تربیوی و معالجویی بود که با این
اقدام تا حدودی جلو تا بسامانی های
کمبود متخصصان طب در مساحت مختلف
گرفته می شد اکنون این پروژه در حله
موقفی قرار دارد و برای توسعه بیشتر
آن چه اقداماتی را در طرح و اجرا
دارید ؟

بدر روغتو نهای مرکز و انستیتوت
های هر بو طب معالجویی در پهلوئی
عرضه خدمات معالجویی خدمات لابراتواری
وسایر خدمات متمم معالجویی پروگرام
های تربیوی برای کنگوری بر سوسل
مختلفه مورد نیاز از پیشبرده میشود .
در روغتو نهای و موسسات مذکور نظریه
بقیه در صفحه ۴۵

است ناختم پروژه در تمام قرای کشور دایه
های محلی تربیه گردند . جهت عرضه
بشتر خدمات صحتی اسامی در مراکز
صحتی اسامی و مخصوصا خدمات جمعا به
طفل و مادر که از جهت کمبود معالمان نرسش
قابل ملاحظه از نظر کیفی و کمی نواقص را در
بر دارد دختران با سواد و لسوالی ها و
علاقه داری های کشور با تدریس نظری
کوتاه مدت تحت پروگرام تربیه
کارگران انا لیه صحتی تربیه خواهند
گردید تا کمبود معالمان نرسش قابل ملاحظه
را در این مراکز تکمیل نمایند .

بدر افغانستان هیچ موسسه و جود ندارد
که از حقوق بیماران در برابر بی توجهی
و بی مبالائی و یا احتیاجات خیانته و کتوران
و بر سوسل طب به بیماران دفاع کنند
دو کتوران و بر سوسل طب انجمن و یا
انجمن به بی ندارند که از حقوق و امتیازات
شان دفاع بتوانند طب عدلی مساحت کار
بسیار محدود دارد به عقیده شما
آیا ضرورت نیست که اتحادیه های نو
کتوران برای دفاع از حقوق صحتی شان و
مراجع عدلی اختصاصی برای دفاع از حقوق
بیماران بوجود آید ؟

طب عدلی بصورت يك ریاست مستقل
به همین منظور تا میسر گردیده و برای
اینکه در آینده این ریاست در زمینه
مسواری که شما از آن یاد کردید اقدام
بتوانند انکشاف بیشتر خواهد یافت .
در مورد اینکه دو کتوران اتحادیه
صحتی داشته باشند تا کتوران اقدامی
نشده امانت نظر است که زیر نظر مشاوران
خارجی و با در نظر داشت اینکه این
انجمن ها در کشور های مترقی نحوه
گسارشان بر چه پایه های استوار
است تا میسالی از این قبیل را بسزیه
وجود آوریم که دو کتوران خلاق کار در

زموږ د دمو کړا تیک جمهوري دولت اساسی اصول په دمو کړا تیکو ارزښتونو نوولاردي



د نور دېر تمین انقلاب د نوی پړاو په بر یالیتوب سره زموږ زیار ایستونکی ولس د خپل ټولنیز ژوند نه په یو ه نوی تکاملی مرحله کی قدم کیښود او پدی ډول سره د حفیظ الله امین د ترور او وحشت دوره چی دیوی لنه ی مودی له پاره یی زموږ په شر یفو او بی دفاع خلکو ظالمانه استبدادو چلاوه پای ته ورسیده ، او د نور دېر تمین انقلاب چی زموږ د زیار ایستونکو او خواړ یکنښا نو له پاره دنوی ، هو سا او یتمن ژوند زیری گپل کیږی لسه ماتی او سر کوب څخه بیچ کړی شو . دکار گری طبقی دایم پالوژی د عاموقوا نینو له مخی یو هیرو چی دهر انقلاب د بر یالیتوب له پاره عینی او ذهنی شرایط لازم دی اود ټولو انقلاب ونو اساسی مسله دسیا سی واک تر لاسه کول دی . کله چی یو گوند اود هغه رهبری به ټو لسه کی د انقلاب عینی شرا یطسم درک کړی او د هغه څخه د استفادی سره سیاسی واک تر لاسه کړی نو د انقلاب د بر یالیتوب او دوام له پاره وظیفه لری خو د خلکو پراخی پر گنی سیا ست ته جلب او په اجتماعی ، اقتصادی بد لوئو کی دهغوی مستقیم گډون تا میمن کړی . خو څر نگه چی غذا رحفیظ الله امین یسوازی په خو له د انقلاب

ناری وهلی او په واقعیت کی یی دامیر یا لیزم دیو وفا دار نو کسر په صفت دجها نی امیر یا لیزم او داخلی ارتجاع په خوښه دخلکو او انقلاب دگټو په ضد عمل کاوه . نوبه همدی دلیل سره دیر ژر به هیواد کی د زیار ایستونکو پر گنو دکر کی سبب وگرخید . اود خلکو په خو زور وپری گنو کی زموږ اکثر وطنوا لو هغه ته په خپلی کر کی او نفرت سره خواب ورکاوه . خو له نیکه مر غه د نور انقلاب د نوی پړاو په رڼا کی دهیواد د ټولو زیار کښو پر گنو او متر قی قشرونو اواصنافوته دزمینه برابره شوه چی دپلاروطنی پراخی ملی جیبی په شواو خوا راټول شی ، چی له یوی خوا خپل گران هیواد اود نور دېر تمین انقلاب دگټو څخه ددفاع په سنگر کی اوله بلی خوا د خپل هیواد دآبادی به لاره کی په داو طلبا نه تو گسه پراخه برخه واخلي . زموږ ددی خبری رښتینوا لی او واقعیت تر هر څه زیات دافغانستان ددمو کړا تیک جمهوریت په اساسی اصولو کی دیرښه ثابت کیلای شی . داځکه چی په دی اساسی اصولو کی د هیواد د ټو لو شر یفو او میږ نیو خلکو ټولی مادی او معنوی اړتیاوی

په نظر کی نیول شوی دی او ددوی دهیلو او آرزو گا نو سره سم تدوین اوتصو یب شوی دی . دغه اساسی اصول زموږ دهیواد پالو خلکو د ټو لنیز ، سیاسی ، اقتصادی دی نظام د ټینگښت اود هغوی په ورځنی ژوند نه کی ددوی دآزا دیو اساسی حقو قو او همدارنگه ددوی دمسو لیتو نو او وظیفو په ټاکنه کی عمده او اساسی رول لوبوی . ددی اساسی اصولو په تصو یب سره خود سری او سر کشی له منځه ځی او هیڅوک به دا حق ونه لری چی د خپلو شخصی گټو او غرضونو څخه دافغانی ټولنی دنورو غسرو قانو نی حقوق او آزا دی تر پښو لاندی کړی او یادا چی ددوی سو کاله او آرام ژوند ته خطر پیل کړی . څرنگه چی زموږ زیار ایستونکی او میږ نی هیواد وال د نور دېر تمین انقلاب له بر یالیتوب څخه د مخه فیو ډالی او ما قبل فیو ډالی شرا یطو سخت خوړو لی او کړو لی دی نو په دی لحاظ سره دافغانستان ددمو کړا تیک جمهوریت په اساسی اصولو کی هڅه شوی ده چی دزیار ایستونکو پر گنو له پاره دهر اړ خیزی ودی او دمو کړا تیکو آزادیو پراخه زمینه برابره کړی . لکه څنگه

چی دافغانستان دخلک ددمو کړا تیک گوند دمر کزی کمیټی عمو مسی منشی او دافغانستان ددمو کړا تیک جمهوریت دانقلابی شورا رئیس او صدر اعظم ببر ک کار مسل په خپل هغه رپوټ کی چی د حمل په پنځه ویشتمه نیټه یی دانقلابی شورا فوق العاده غو ندی ته دافغانستان ددمو کړا تیک جمهوریت داساسی اصولو دتصویب په مناسبت وړا ندی کړی به دی بسا داسی اشاره کړی ده : «اساسی اصول زموږ په هیواد کی دملی دموکړا تیک انقلاب دراتلونکی ودی او بشپړ تیا اود هغه دوروستی بری په برخه کی دافغانستان دخلک ددمو کړا تیک گوند دسیا سی کړنلاری مستقیم ښکار ندوی دی او په هیواد کی ددمو کړا تیک ژوند د عملی کولو اود خلکو ددمو کړا تیک دولت دټینگو لو له پاره کلک او ټینگی ستنی پیدا کوی . داساسی اصولو تصویب دافغانستان دخلکو تر منځ پیوستون د ټینگښت او زموږ د هیواد دسیاسی نظم دگډو ډو لو د پاره دکور نیس او بهر نیو دښمنانو د هلو ځلو دشمنو و لو به لاره کی یومهم دی .

وکره چی :

دولت د خلكو دسو كالمی او نیکمر غی له پاره خدمت کوی. د افرادو سوله ییز مصون اوسو کاله ژوند او هر اړخیزه وده اود هغوی د حقوقو، ملکیت، حیثیت، رسو مو اوملی عنعناتو ساتنه تا مینوی. د افغانو نستان په دمو کرا تیک جمهوریت کی دولتی قدرت دینار او کلسی به زیار کینا نو پوری اړه لری اود بشپړو دولتی او سیمه ییزو ارگانو- نو له خوا چی په دمو کرا تیک ډول منځته راځی عمل کیری.

زموږ دمو کرا تیک جمهوریت دو- لت هغه څه چی په خو له وا یی په عمل کی یی هم سرته رسوی او هیڅکله به دی عقیده نه لری چی خلك دی وغو لیری او دوی دی دولتی کارو نو دسر ته رسو لو له جر یان څخه یی خبره پاتی شی. آن دجدی په شپږم ما بنام دخا ین حفیظ الله امین اود هغه دباند له نسکور یسودو څخه خو شیبی ورو سته دافغانستان دخلک ددمو کرا تیک گوند دمرکزی کمیته عمومی منشی او دافغانستان ددمو کرا تیک جمهوریت دانقلابی شورا رئیس او صدر اعظم پیر ک کار مل په خپله قیمتدا ره تاریخی ویناکی ددیرونورو مهمواو عمدمو- ضوعا تو په څنگ کی دغی مهمی او اساسی مسالی ته هم اشاره

تعمیل، په وطن یا لو نکی رو حیه د خلکو په روز نه وودتو لنی او دولت د چارو په ادره کی داتبا عو دپراخه جلب له پاره د خلکو دتو لو قو مو په یومو قی کو لو کی مر سته وکری.

داخو ټولو ته ښکاره وه چی د نور دپر تمین انقلاب یو شعار او هدف داسلام مقدس دین ته کلسک درنا وی او احترام و اود نور دپر- تمین انقلاب په پر یا لیتوب سره هغه توبیرو نه چی دنا در، داود غدا ری کورنی زموږ د خلکو په عقیدو اومذ- هبونو کی را منځته کړی وو او خیتی یی په ځینو نو رو بر گیل او یا داچی په آزاد ډول سره یی نه شول کو لای چی خپل مذ هبی مرا سم او مناسک بی له قید او شرطه اجرا کړی، بیخی له منځه لاړل اود افغانو نستان تو لو شر یفو هیوادوا لو ته په دی برخه کی له تبعیض څخه بر ته یو ډول حق ور کړای شو. خو په خوا شینی سره با ید ووا یو چی امین اود هغه بانو په خپله لښه دو ره کی دافغانو نستان د خلکو دد ین او ددی د سپیڅلو دینی معتقدا تو په خلاف ستر جنا یتونه وکړل. شیعیه یی دسنیا نو، یو قوم یی د بل قوم او همدا رنگه یو ولایت یی د بل ولایت په خلاف ولمسول او په دی ډول سره یی زموږ به خلکو کی بی اتفاقی واچوله. او په خاینا نه ډول سره یی ډیر مذهبی عالمان، ملا یان، شیخان خطیبان، بیران اود بیلا بیلو قومو نو سپین ږیری و څو رول، زندانونو ته یی ټیل وهل او شپیدان یی کړل. خو کله چی د ۱۳۵۸ کال دجدی دشپږ می نیته بریا لی قیام سرته ورسید او دگورږ تمین انقلاب دخپل تکامل په دویم پړاو کی ودرول شو زموږ دمو کرا تیک جمهوریت - ری دولت ډیر ژر دغی مو ضوع ته به جدی ډول سره توجه وکړه.

زموږ دمو کرا تیک جمهوریت دولت په دی برخه کی یوازی به همدی اکتفا

ونه کړه، بلکی په دی مورد یی خپله وظیفه په عمل کی هم سر نه ورسوله. اوصغه داچی نو مو ږی مو ضوع نه یی دافغانو نستان ددمو کرا تیک جمهوریت په اساسی اصولو کی، چی په او سنی وخت زموږ ددمو کرا تیک جمهوریت دولت قا نونی بنسب- تشکیلی، هم خای ور کړ. ددی اساسی اصولو په پنځمه ما ده کی په څرگند ډول سره لیکل شوی دی چی:

دافغانو نستان په دمو کرا تیک جمهوریت کی داسلام دسپیڅلی دین درناوی رعایت او ساتنه تا مینیری. اود ټولو مسلمانانو له پاره ددینی او مذهبی مرا سمو دپای ته رسو لو آزادی تضمینیری. د نورو اد یا نو پیروان د خپلو دینی او مذ هبی مراسمو په سر ته رسو لو کی چی د ټولنی هو سا یی او بهنیت ا خلال نه کاندی بشپړه آزادی لری. له اتباعو نه هیڅوک حق نلری چی له دین نه د ملی ضد او خلکو ضد تبلیغا تو او دافغانو نستان ددمو کرا تیک جمهوریت اود افغانو نستان دخلکو دگتو- خلاف دنوو اعمالو دار تکاب دوسیلی په مقصد استفاده وکړی.

دولت درو حا نیو نو او دینی عا- لمانو وطنپر ستا نه فعلا لیتو نو سره دهغوی ددندو او مکلفیتونو په پای ته رسو لو کی مر سته اومسا- عدت کوی.

لښه دا چی ددغو اساسی اصولو عمو می رو حیه ډیره دمو کرا تیکه ښکار ی او داسی هیلی او امیدونه ورڅخه کیدی شی چی ددی اساسی اصولو په رڼا کی به زموږ دمو کرا- تیک جمهوریت دولت د خپلو هیواد- پالو خلکو په بی دریغه مرستی سره په دی بریا لی شی چی دشرا یطو به مسا عد والی سره به ډیر ژر لویه جرگه جوړه کړی تر څو چی زموږ د- تلونکی اساسی قانون تصویب کړی او په یی ډول سره به دقا نونیت په لور یو بل اساسی قسم هم پور ته کړی او په دی تر تیب به زموږ د خورید لو خلکو دآرزو گا نو یسوه بله غوټی هم و غوړی ږیری اود خپلوی شمیره ارمانو نو په بهیر کی به یی دا ارمان هم ترسره شی.

سلسله گفت و شنودها و نشست های انتصابی ژوندون در پیرامون

سیاسی

سیاسی و اجتماعی ، فرهنگ و

هنر، نموجوانان ، جوانان و خانواده ها

در این دور سخن:

- ۱- دکتر عبد الغفار لکنوال معین
اصلاحات ارضی .
- ۲- بهادر آفتاش رئیس تصفیه
و ثبت .
- ۳- عبد المقصود شکو ری رئیس
تنظیم امور ارضی .
- ۴- نجیر و هاب آصفی رئیس
بانک انکشاف زراعتی
- ۵- عبد الطیف معاون ریاست
عواید و زارت مالیه
- ۶- عبد الجبار نائب مشا و
ریاست تقنین و زارت عدلیه
- ۷- حسین وفا سلجوقی مدیر
نشرات و زارت زراعت و اصلاحات
ارضی
- ۸- علی احمد عضو کمیته ولایتی
حزبی کابل
- ۹- غلام سخی
- ۱۰- محمد رحیم
- ۱۱- رجب علی
- ۱۲- محمد انور
- ۱۳- شاه ولی نماینده های دعقا-
نان و لسوا لی های ولایت کابل
اشترک داشتند .

دایره های نقد و انتقاد

زیر نظر : گروه مشورتی ژوندون

در تطبیق مرحله نخست

اصلاحات ارضی چه

اشتباهاتی رخ داد؟



نمای کابل از طرح و تطبیق مرحله

دوم اصلاحات ارضی در کشور و جدلی پیرامون آن

بسم الله الرحمن الرحيم

زعفران شریف در محبت کاشی

دولت ملکیت شماره درج این سند در دفتر اسناد ثبت نیز می باشد مطابق ماده ۲۷۵م
اصول اساسی جمهوری و در کتب افغانستان تعریف میکند.

این سند در حق فروش، تزک، تضییع، اجاره و سایر حقوق شماره درج شده در این سند مطابق
اصول اساسی تعریف می نماید.

دولت ملکیت شماره درج این سند حفظ و در بهره برداری قرار می گیرد از آن جهت مساعدت میکند.

مطلب که شما در علم نمودن با فواید و الامراض و نیز انقلاب شکوهمند شود و تطبیق پروگرامها را در حق
جمهوری و در کتب افغانستان نیز در آید و در حفاظت از این سند با وجود وظیفه مستانه با دولت می نماید

با کار در محبت مواد تازه خورشید که در افغانستان فراوان است و در این ترقیب وضع زندگانه خانواده را

بمورد بخشش و ضرورت بود که در این سند از نگاه تولید است و در این ترقیب و در تعمیر مسالمت با این انقلاب

و در کتب افغانستان نیز در افغانستان از آزاد است و در افغانستان نیز در افغانستان نیز در افغانستان

بیرک کارمل

شعری کبیر مرکزی

بمهر شرایع افغان

فرهنگ و هنر و ، نو جوانان، جوانان
و خانوادها دایر گردد و در هر
زمینه زنده ترین دانشمندان و مسو-
ولان با صلاحیت به بحث نشینند.
نخستین دور سخن ما در این
نو بت گشایش، به بر رسی شیوه
های کارمر حله اول تطبیق اصلا-
حات ارضی در کشور و اشتباها تی
که در نحوه پیا ده شدن آن وجود
داشته است ، اختصاص می یابد، و
شنا سایی دو مین مر حله این
اصلا حات که به زودی کار آن
آغاز خواهد گردید .

ما در این گرد هم یی جمعی از
نمایندگان دهقانان را با مسوولان
اصلا حات ارضی دور یک میسر
نشانده ایم تا به گو نهر و درو یی
دشواری ها به طرح آید و به آن پل-
سخ داده شود که امید و ارم این
کار مورد توجه خواننده آگاه و با
ذوق ما قرار گیرد .

در انتظار پرسش ها انتقادها و نظردهی
های فرد فرد شما هستیم و آرزو ما-
ریم مسایلی را که از نظر شما به
عنوان یک دشواری همگانی زندگی
مردم میتوانند تلقی گردد ، با مادر
میان گذا رید . تا ما آنرا به شور
و جدل گذاریم و پل های را بطنه میان
ما استحکام بیشتر بیا بد .
شاد و پیروز مند باشید .

•••

سخن را در این دور جدل راحله راسخ خرمی
بامروزی کوتاه و گذرا از مردم آبی های قبلی
ژوندون و برای نتایج آن به آغاز می گردید و بعد
از گفتاری پیرامون اهداف این مجله از تدویر
چنین مردم آبی یاد آوری میکند که جدل
در دور این نیز کاملاً آزاد است و هیچ پیرایه
بی از تشریفات ندارد و هر یک از اشتراک
کننده ها بدون در نظر داشت مقام اداری و یا اجتماعی
همدیگر میتوانند روی گفته ها به نقد و انتقاد نظر
دهی بپردازند را حله راسخ گوشزد میکند که
بعد از نشر این سخن پراکنی هاجر گوینده
مسوول گفته های خود بوده و ژوندون نه تنها
در رد و یا تایید آن نقشی ندارد بلکه هر اظهار
نظر و یا احیاناً انتقادی را که از گفته ها به اداره
برسد نشر خواهد کرد . او بعد از این مقدمه
باز آله این پرسش از معین اصلا حات ارضی بحث
رابطه تطبیق اصلا حات ارضی میکشاند .

اهداف مرحله دوم اصلا حات ارضی درجه
مواردی خلاصه میگردد و در مجموع کدام بخش
دشواری های امور زمینداری با تطبیق این مرحله
اصلا حات ارضی حل میگردد . از نظر شما در
نخستین مرحله تطبیق اصلا حات ارضی چه اشتبا
هاست رخ داده و اثرات این اشتباها تا اکنون
چگونه به بررسی گرفته میشود ؟
لطفا ورق بزیند

و اینک باز بعد از یکسال و اندی که از
سانسور بی رحمانه سلسله گفت
و شنود های مادر دور میزگرد ژوند-
ون میگردد ، بار دیگر آنرا به آغاز
می گیریم و با همان مشی ژرف نگری
و عمیق گرای بی به طرح همگانی
ترین دشواری های زندگانی مردم
در بخش های گونه گونه آن می
پردازیم ، تا با بر رسی و انگیزه یابی
همه جانبه کا ویشگر راه ها و روش
های اصلا حی باشیم که حلال
مشکلات در زمینه های به جدل آورده
شده باشد.
برای باز گو یی نقش اساسی این
گرد هم آبی ها و آنچه از گفتنی ها
که در دور میز های پیشین ما به

طرح آمده است شاید بهترین گواه
این باشد که از آغاز کار این جدل ها تا
کنون ، هیچ بحثی در سا حه
مطبوعات نه به انداز این سلسله
جدل ها جنجال بر انگیز بوده است
و نه هم با قیچی سا نسور چیا نیسی
که از پلذیرش رو حیه انتقاد پذیری
هراس داشته اند ، آشنا شده است.
سخن را گو تاه بگیریم ، ژو-
ندون این تنها هفتگی نامه همه
خانوادها های کشور اگر زبان
احساس و اندیشه خانوادها های
افغانستان نباشد و باز گو کننده
دشواری ها ، تا بسا ما نیما و نا
هنجاری های که دختران ، و پسران
ما و مادران و پدران ما ، با آن رو برو

اند ، دیگر نشریه خانوادها ها
نخواهد بود .
و ما این جدل ها را به این جهت
دنبال می کنیم که می خواهم مجله
ما موقوف بر خواننده ترین نشریه
خانوادگی را بیا بد و آنرا حفظ
کند.
برای اینکه جدل های ما در گرد
هم آبی که بعد از این مرتباً دا یر
خواهیم کرد یک رخ و یک جهت
نیابد و در آن عمده ترین دشواری
های زندگانی همگانی مردم در بخش
های فراوان به طرح آید گر و
مشورتی ژوندون تصمیم گرفت
این گفت و شنودها بیشتر پیرامون
مسایلی ، سیاسی و اجتماعی ،

بالتبلیق اولین مرحله اصلاحات امور زمین داری برای پیش از سه صد هزار خانواده های دهقانان مستحق به اندازه سه میلیون و سه صد و بیست و هشت هزار چریب زمین توزیع گردید که خود نمایی از مبارزه علیه فیردالیزم مسلط در کشور و ضوابط غیرعادلانه آن به شمار می آید .

مسوولان این میز گرد از استنباطاتی نام گرفتند که در جریان تطبیق مرحله اول اصلاحات ارضی به وقوع پیوست - این انتقاد باتاسف کاملاً به مورد است - در تطبیق این مرحله اصلاحات عمداً و به صورت شعوری چنان مشی تطبیقی در دست اجرا گرفته شد که محتوای اساسی و مترقی اصلاحات - تحریف و دگرگون گردید، چنانکه :

۱- باید پیش از آغاز کار اصلاحات ارضی جنبش های دهقانی باتاسیس و حمایت اتحادیه ها - صندوق عاو کمیته های دهقانی شروع میشد تا تقسیم عادلانه زمین با اشتراک خود دهقانان و بدون اعمال زور و توه عملي شده میتوانست و تمام اقتدار و گروه های وسیع مردم به صورت شعوری و آگاهانه در مقام دفاع آن میبرآمدند که چنین نشد .

۲- در جریان تطبیق مرحله اول اصلاحات ارضی به رسوم و عادات و رواجهای عثمونی و حتی اعتقادات مذهبی مردم وقتی نهاد نشد .

۳- در این مرحله تطبیق خلاف مقررده اول فرمان شماره هشتم دولت نسبت به حقوق بسیاری از شهوتان مایه توجیهی های صورت گرفت که موجب حق تلفی های فراوان گردید و امروز این مساله که حقوق تلف شده آن عمده می گذر جریان تطبیق مرحله اول تطبیق اصلاحات ارضی خلاف فرمان متضرر شده اند و باید ضرر شان جبران گردد یکی از دشواری های عمده می است که ما با آن روبرو میباشیم .

۴- در جریان تطبیق و پیروم برای تعداد بیشمار دهقانانی که زمین داده شد، هیچگونه کمک کوپراتیوی تخنیک و فنی صورت نگرفت که به این دلیل سطح تولید پائین آمد و دهقان نتوانست از زمین زیر کشت خود بهره کافی بردارد .

۵- جنبش کوپراتیوی نه تنها تقویت نشد بلکه بانحوه عملی که صورت گرفت ضعیف نیز ساخته شد .

۶- از طرح عملیاتی يك پلان علماً تنظیم شده به منظور تولید حاصلات زراعتی عملاً جلوگیری شد .

۷- با لفظ اداره اصلاحات ارضی کوشش به غلظت آمد که از تطبیق فرا حل بعدی اصلاحات ارضی در افغانستان جلوگیری شود .

۸- با ختم دوره اول اصلاحات ارضی که با بد ختم مرحله نخست اعلام میگردد پایان تطبیق اصلاحات ارضی در کشور اعلام گردید .

و بدین ترتیب بود که در دوره حکومت خود کاملاً امن این نما بند ه امیر یا لیزم خو فخور به صورت شعوری از نما مارزش ها و دست آورد های که از تطبیق و ففانه اصلاحات ارضی متصور بود جلو گیری



د افغانستان د موکمل تیک جمهوری

د جملگی مالکیت سر می بند

اصل

قیمت (۱۰۰) افغ

بلند رفتن سطح تولید و رشد و انکشاف سریع پهلوهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه می ماوه بود پیش از نبود و هشت در صد مردم ما میباشند .

برای يك بررسی مقایسوی از وضع دهقانان و امروزه زمینداری در کشور پیش از انقلاب و بعد از تطبیق مرحله نخست اصلاحات ارضی چونگی وضع ملکیت های زمین را مرور می کنیم:

در کشور ما تا پیش از پیروزی انقلاب نور سه در صد زمینداران يك سوم از مجموع تمام زمین های زیر کشت را در ملکیت خود داشتند در حالیکه ششصد و شصت و یک در هزار دهقانان ماحتی صاحب يك وجب زمین هم نبودند در حالیکه

هم میبشان ما آگاهی دارند که انقلاب شکوهمند نور بعد از آنکه در کشور ما به پیروزی رسید و قدرت سیاسی را از طبقات مرتجع حاکم بسه طبقات زحمت کش محروم انتقال داد همانگونه که وظیفه هر انقلاب ضد امپریالیستی و ضد فئودالی میباشند تا اساس تمام تحولات بنیادی قرار گیرد به رهبری حزب دموکراتیک خلق افغانستان حزب پیش آهنگ طبقه کارگر کشور سلسله رفارم های را در دست اجرا گرفت که اصلاحات ارضی در شمار آن میباشند .

این اصلاحات که اکنون مادر آغاز دومین مرحله تطبیق آن قرار داریم، کاملاً به نفع دهقانان کم زمین و بی زمین بوده و اثراتی انکارناپذیر در

معین اصلاحات ارضی :

به اجازه شما نخست سیاست را از کارکنان و زمین نامه زوندون ابراز میدارم که باز میبند سازای برای این گردهم آیی که در آن مسوولان اصلاحات ارضی عدلیه و عالییه به ارتباط مسائل اصلاحات ارضی کشور دور یک میز گرد آمده اند - نقش و رسالت بزرگ مطبوعاتی خود را در آگاهی زسانی به مردم به انجام میرسانند .

به اجازه شما پیش از آنکه سخنانی براه و نچگونگی تطبیق مرحله دوم اصلاحات ارضی به بیان آورم به پاسخ يك بخش از پرسشش پرستنده محترم نکاتی در مورد مرحله اول این اصلاحات را باز گو می کنم .

نوم طبق اصلاحات ارضی به وسیله
هفتاد نفر از آماران عملیاتی به صورت
مرحله‌ای و در مدت سه سال به انجام خواهد
آمد.

را حله راسخ خرمی :

تعدادی پرسش را دهقانان عزیز شرکت
کننده در این جدول که بسمت نماینده عسای
دهقانان و کسوالی های خود را نیز
دارند به طرح آوردند که اینک یک یک
آنها را به نوبت مطرح می سازیم و از مسوولان
امور در این مورد هم آری می خواهیم

- ۱- تصفیه مساحت پراکنده و قطعات
کوچک زمین به اشتراک و سهم گیری فعال
دهقانان.
- ۲- ترتیب یک سند متحد الشكل رسمی
برای تمام ملکیت عسای زمین و تو کردن
و تجدید تمام اسناد ملکیت زمین.
- ۳- فراهم آوری تسهیلات لازم در امور
خرید - فروش - تبدیل - بخشش - تقسیم
و دیگر امور انتقالی زمین.
- ۴- همپا ساختن زمین های مساعده
برای تقسیم و التزام.
- ۵- تنظیم عادلانه امور مربوط به اجاره

- ۴- تسویق زمیندار و دهقان برای بهره
پروری بیشتر از زمین و بالا بردن سطح
محصول.
- ۵- سهم گیری فعالانه دهقانان در
ایجاد و تقویت کورهای دهقانی
با استفاده از زمین های مساعده که
تولدت به وجود می آید.
- ۶- تأسیس مراکز کرا به دهند
تراکتور ها و سایر ماشین آلات زراعتی
به منظور کاهش زحمت طاقت فرسای
دهقانان و ماشین شدن زراعت طبیعی

شد و باید کثیف او قصداً گوسیدند
جهت مترقی این اصلاحات را به انحراف
کنند - اما با قیام ششم جدی که باند
فاشیستی امین از میان رفت زمینه برای
تطبيق مراحل بعدی اصلاحات دموکراتیک
رضی که در برگیر حل کامل تمام
معضلات و دشواری های امور مربوط به
زمینداری ، محو کامل بقایای فئودالیسم ،
بلند رفتن سطح تولید زراعتی در کشور و
تأمین رفاه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی
دهقانان و زحمت کشان ما می باشد
می آید اهدای عمومی تطبيق هر حله



گوشه‌یی از میز گرد روندون که پیرامون مرحله دوم تطبيق اصلاحات ارضی دایر گردید

که به ارتباط مستویات های اناری خود
آنها پاسخ گویند .
نخستین سوال از تلام سخن دهقانان
و کسوالی ده سبز است که از خود شان
می خواهیم آنها در میان گذارند .
تلام سخن :

معین صاحب اصلاحات ارضی در گفتار خود
یاد آوردند که سند مربوط به ملکیت
زمین تبادل و تجدید میگردند سوال من
این است که چرا این اسناد مورد تبادل
و تمدید قرار می گیرند ؟
بقیه در صفحه ۳۳

- مرحله دوم اصلاحات ارضی این اهدای را زمین
به نمر میسازند :
- ۱- ترتیب و تنظیم امور مربوط به
اسناد زمین و زمین داری.
- ۲- تأمین مناسبات عادلانه در امور
زراعتی .
- ۳- ترتیب احصایه های دقیق زمین
در کشور .
- ۴- مساعد ساختن زمینه برای اکتشاف
زراعت .
- در مرحله دوم تطبيق اصلاحات ارضی
بصورت مرحله‌ای با در نظر داشت اهداف
بالا این امور به انجام می آید :
- ۶- حل کردن مسایل مربوط به اضافه
چریعی موافق با عدالت اجتماعی .
- ۷- طرح پلان های اکتشافی به منظور
بالا رفتن سطح و حجم تولید زراعتی .
- ۸- تنظیم دفاتر امور زمینداری مانند دفتر
ثبت اسامی زمین ، دفتر اسامی مالیه -
دفتر اسامی زمین های دولتی و غیره .
- ۹- تقسیم حق مالکیت بر اساس بیانیسه
موجوده دلو ۵۸ بزرگ کارمل رئیس شورای
انقلابی و صدراعظم و مانده نزد هم اصول
اسامی جمهوری دموکراتیک افغانستان .
با رعایت موازین علمی و اصولی هر حله

نوم اصلاحات ارضی را در این نکات
میتوان خلاصه یافت :

- ۱- توزیع عادلانه آب و زمین و بهبود
کمی و کیفی حاصل و بالا رفتن سطح
تولید به کمک تولد و به نفع دهقانان به
گونه‌یی که سطح زندگی در بخش های
اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی بلند رود و در
مجموع مسایل مربوط به اکتشاف عمومی
کشور ما تحقق یابد .
- ۲- یکپارچه ساختن هر چه بیشتر دهقانان
و کارگران به منظور دفاع از انقلاب .
- ۳- پیاده ساختن طرح های علمی به
منظور اکتشاف سریع زراعت و تقسیم

هوچی مین هنگا میکه
جیبه جنگ قوای آزادیبخش
ویتنام را رهبری میکرد



بهنا سبت نود مین سالگرد تولد هوچی مین فقید

«۱۹ می ۱۸۹۰ - ۱۹۸۰»

زندگی نامه مختصر هوچی مین

تحت استعمار زندگی میکرد
و در حالی که نظریات
گوناگون انقلابی را مطالعه
می نمود برای گذران معاش
کار می کرد. در سال های
۱۹۱۶ و ۱۹۱۷ انقلاب کبیر
اکتوبر بر هوچی مین را به
دانش انقلابی رهنمایی
کرد و به وی اطمینان بخشید
که این تنها راهی است به
سوی آزادی اجتماعی و ملی.
در همان سال وی سازمان
وطن پرستان ویتنامی را
تشکیل داد که هدفش
ایجاد وحدت میان ویتنامی
های مقیم فرانسه بود. وی
در ۱۹۱۸ به حزب سوسیالیست
فرانسه جلب شد

هوچی مین در ۱۹ می
۱۸۹۰ در شهر نگی تین
در یک خانواده وطن پرست
وروشنفکر که اصل روستایی
داشتند به دنیا آمد. نگی تین
شهری است که مردم آن سابقه
طولانی مقاومت علیه
استعمار و فیهو دارند.
هوچی مین از کودکی زیر
تأثیر عمیق محیط اجتماعی
و تربیه خانوادگی خویش
در آمده بود.

هوچی مین در ماه جسون
۱۹۱۱ عازم خارج شد و به
فرانسه و دیگر کشورهای
اروپا، آسیا، آفریقا و
امریکا سفر کرد. وی درین
شهرها با کارگران و مردم

اشتراک نمود و در ۱۹۲۲ به
انتشار هفته نامه «بی نوایان
در فرانسه» پرداخت. در
جون ۱۹۲۳ از فرانسه عازم
نخستین کشور سوسیالیستی
جهان یعنی اتحاد شوروی
گردید و به مطالعه دانش
انقلابی ادامه داد و در فعالیت
های انترناسیونال کمونیست
نستی سهم گرفت و در همان
سال در هیات رئیسه دهقانان
جهانی انتخاب شد. در ۱۹۲۴
در پنجمین کنگره کمیته
اشتراک نمود و به حیث
عضو دیپارتمنت شرق
انتخاب گردید و مسوولیت
بخش جنوب را نیز به عهده
داشت و وظیفه بود تاجیک
های انقلابی مردم تحت
استعمار را رهبری کند.

در جون ۱۹۲۵ هوچی مین
جهت جوانان انقلابی
ویتنام را سازمان بخشید که
هسته آن را لیگ کمونیست
تشکیل می داد. وی به افتتاح
مجله جوانان پرداخت و
کورسی را باز نمود. که طی آن
صد ها کادر را برای اعزام و
خدمت به وطن تحت تربیه
گرفت.

در ۲ فوروری ۱۹۳۰ هوچی
مین کنفرانس کالو
(هانگ کانگ) را دایر نمود
که هدفش تجدید گروه
های مترقی ویتنام تحت نام حزب
کمونیست ویتنام بود.

در سال های ۱۹۳۰-۱۹۴۰
هوچی مین در خارج به
سربرد و طی اجرای امور
انترناسیونال کمونیستی
جنبش های انقلابی در وطن
را تعقیب و دستورات با
ارزش به کمیته اجرائی
مرکزی حزب می فرستاد.

در حالیکه در جنبش طبقه
کارگر فرانسه نیز سهم
فعال داشت.

در ۱۹۱۹ وی به کنگره
واریسای پیام مشهور مردم
ویتنام را فرستاد که در آن
از حکومت فرانسه تقاضا
شده بود تا حقوق و آزادی و
تساوی مردم ویتنام را به
رسمیت بشناسد.

هوچی مین در دسامبر
۱۹۲۰ در هجد همین کنگره
حزب سوسیالیست فرانسه
به طرفداری از کمیته
تاسیس حزب کمونیست
فرانسه را پیشنهاد کرد.
در سال ۱۹۲۱ در تاسیس
سازمان مردم استعمار شده

در سال ۱۹۴۱ هوچی مین پس از ۳۰ سال فعالیت در خارج کشور به وطن باز گشت و هشتمین پلینوم کمیته اجرا نیوی مرکزی را دایره و در آن خط مشی حزب را اعلام نمود که رهنمون به کیفیت، جنگ با فرانسوی ها، اخراج جاپانی ها، ایجاد یک جبهه متحد ملی به نام لیگ آزاد ی ویتنام (ویتنام مین) و تشکیل قوای مستعجل، تشدید بخشیدن به مبارزات انقلابی گروه ها و آماده ساختن قیام عمومی به خاطر به دست آوردن قدرت سر تا سری در کشور گردید.

در ۲۲ دسامبر ۱۹۴۴ دستور تاسیس و احداث تبلیغاتی ویتنام را به خاطر آزادی ملی صادر کرد که در واقع بنیان اردوی مردم ویتنام را گذاشت و در اگست ۱۹۴۵ در فضای هیجان انگیز انقلابی در استان قیام ملی هوچی مین همراه با کمیته مرکزی، کنگره ملی رادر نان ترو دایر کرد. این کنگره او را به حیث رئیس حکومت وقت جمهوری دموکراتیک ویتنام برگزید. وی بعداً فرمان داد تا قیام عمومی برای گرفتن قدرت در سراسر کشور آغاز شود.

در ۱۹۴۵ هوچی مین خطاب به ملت ویتنام و جبهه استقلال ویتنام را اعلام کرد و نخستین دولت کارگران دهقانان را در جنوب شرق آسیا به نام جمهوری دموکراتیک ویتنام تأسیس کرد.

هوچی مین رهبر و مؤسس اردوی آزادیبخش ویتنام است

ویتنام در اوایل انقلاب به مشکلات متعدد رو برو و از هر جانب در محاصره بود فقر میراث استعمار جاپان و فاشیست های فرانسوی زندگی پیش از دو میلیون انسان را گرفت. در سپتامبر ۱۹۴۵ دست استعمارگران فرانسوی در دستکش امپریالیستی امریکایی و برتانوی و کومیتانگ چین دو باره برای از میان بردن دست آورد انقلاب بر ویتنام حمله کرد و مردم ویتنام با استعمارگران فرانسوی در جنوب و با مر تجعیسن چیان کای شک در شمال به نبرد پرداختند.

در ۱۹۴۶ کنوانسیون بین جمهوری دموکراتیک ویتنام و فرانسه امضاء شد. قشون تا را جکر چیان کای شک از شمال عزیمت کرد و نیروهای فرانسوی مواضع خود را در ویتنام گسترش دادند و خواستند آن کشور را به این ترتیب تجریسد

نمایند.

هوچی مین برای مقابله با این وضع در دسامبر ۱۹۴۵ آغاز یک جنگ مقاومت ملی را مطالبه کرد و همراه با کمیته مرکزی حزب، پیکار فرساینده تمام عیار مقاومت را علیه استعمارگران فرانسوی تا پیروزی تاریخی دین بین فر رهبری کرد.

در چون ۱۹۵۴ قرار نامه ژنیو امضاء شد و شمال ویتنام آزاد گردید و لی امپریالیزم جهان خوار امریکا بخش جنوب را به مستعمره جدید تبدیل کرد. هوچی مین کمیته مرکزی حزب هم گروه های مردم را برای تعقیب دوهدف استراتژیک رهنمائی کرد.

در شمال انقلاب سو سیالیستی و در جنوب انقلاب دموکراتیک خلق.

در سپتامبر ۱۹۶۰ کنگره سوم حزب دایر شد که درین کنگره هوچی مین به ریاست کمیته مرکزی اجرا نیوی حزب

برگزیده شد و دو هدف استراتژیک فوق به تصویب رسید.

مردم ویتنام تحت رهبری رئیس هوچی مین و کمیته مرکزی حزب از جانیسی ساختمان سو سیالیزم را در شمال سرعت می بخشیدند و از طرفی جنگ مقاومت میهنی را بخاطر دفاع از شمال و نجات جنوب علیه امریکای تجاوزگر ادامه دادند.

رئیس جمهور هوچی مین در سوم سپتامبر ۱۹۶۹ در هفتادمین سال زندگی خویش در گذشت.

وی یک انقلابی بزرگ، قهرمان شناخته شده ملی و روز منده هو شیار جهانی بود که بدون احساس خستگی رزمید و سر تاپای زندگی رابه وطنش، به مردمش، به ارمان انقلابی، به آزادی و نجات ملت ها و صلح و عدالت در جهان وقف کرد.



تصویب اصول اساسی ج، د، ا گام فر اخی است در جهت بهروزی

پیوست گذشته

زحمتکشان که در صفوف خویش کارگران، دهقانان، کسبه کاران، روشنفکران و سایر اهالی را به مقصد بالا بردن تشکل و ارتقای فعالیت های اجتماعی و تولیدی، تعمیم اهداف و وظایف انقلاب نور و تأمین منافع خاصی ایشان متحد می سازند. تشویق و پشتیبانی می شود.

جمهوری دموکراتیک افغانستان همانطوریکه در عمل ثابت ساخته است با جدیت و پشتکار فراوان در صدد آنست که اتحاد و اتمام ملی و دموکراتیک را میان کلیه اقوام و قبایل اگر خرد باشد یا بزرگ بوجه بهتر و متسری آن تأمین نماید و هکذا اتحاد و یکپارچگی همه زحمتکشان همه ملیت هارا جداً در نظر دارد و در راه آن یکبار بی امان می نماید. چون افغانستان وطن واحد و مشترک همه ملیت ها و اقوام برادر ساکن در آنست و همه ملت ها و اقوام اعم از پشتون، هزاره، تاجیک، ترکمن، بلوچ، ازبک و غیره باهم برادر و برابر اند و اگر دست های غرض آلوده رژیم

در اصول اساسی ج، د، ا بعد از آنکه وظایف و مکلفیت های دولت در قبال عنعنات ملی، تاریخی و کلتوری و دینی مردم ما درج شده است و برای همه مردم اطمینان و آرامی خاطر می بخشد تشکیل سازمان ها و تشکیلات توده ای را نیز بمثابة متحد کننده زحمتکشان و وطنپرستان تأکید می نماید، دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان بجهت نمایندگی کارگران، دهقانان، اهل کسبه، کوچیان، روشنفکران و سایر اقشار و طبقات زحمتکش و ملی و دموکراتیک بپایان آوردن و تقویه و تحکیم و بسط هرچه بیشتر سازمان های اجتماعی و مردمی را بشکل سالم آن از وظایف خود می شمارد در ماده ششم اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان چنین می خوانیم: «در جمهوری دموکراتیک افغانستان فعالیت های اتحادیه های کارگری سازمان های جوانان و زنان، انجمن های علمی، کلتوری و هنری و سایر سازمان های اجتماعی و دموکراتیک

های فاسد فئودالی و بخصوص حفیظ الله امین دژخیم تخم نفاق و پراگندگی را بین آنها کاشته، بزودی ددپرتو سیاست و اتمام ملی و مترقی دولت و کمک و همکاری مردم شرافتمند افغانستان محو و نابود خواهد شد. هکذا در افغانستان همه پیروان مذاهب دین مقدس اسلام اعم از سنی و شیعه برادر و برابر هستند و هیچ نوع اختلاف منطقی بین آنها نیست و پلان های شوم دشمنان در این ساحه نیز خنثی خواهد شد. در اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان بوضاحت روشن ساخته شده است که دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان مطابق به آرمان های والای انقلاب نور سیاست تساوی حقوق و دوستی برادرانه میان همه مردمان افغانستان را پیش خواهد برد و مجدانه در راه رشد همه جانبه تمام اقوام و ملیت ها و قبایل افغانستان مساعی لازم را بخرج خواهد داد و حقوق دموکراتیک آنها را کاملاً تضمین می نماید. و هکذا از بین بردن همه نابرابری های اجتماعی، اقتصادی، کلتوری در تمام نقاط کشور محبوب ما از جمله وظایف حزب و دولت ج، د، ا بشمار رفته است.

خلق کوچی و وطن مانیز که هرگز در گذشته ها توجه بحال شان نشده است بیاد دولت بوده و در اصول اساسی ج، د، ا موددا تذکار رفته است که دولت برای آنها شرایط بهتر زندگی را مهیا خواهد ساخت و هکذا امکانات استفاده ای دموکراتیک و رایگان شانرا از چراگاه های وطن برای حیوانات شان مهیا خواهد ساخت.

بخش بسیار مهم دیگری در اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان چگونگی سیاست خارجی و هم چنان توضیح موقف افغانستان در قبال سازمان های بین المللی و منشور سازمان ملل متحد، میباشد. جمهوری دموکراتیک افغانستان با پیروزی انقلاب ظفرمند نور و بخصوص بعد از ظفر یابی خیزش قهرمانانه ای ششم جدی ۵۸ در عرصه ای گیتی بجهت یک کشور صلح دوست عرض وجود کرد و با پیروی از اهداف والای انقلاب مردمی پیوسته در صدد آنست تا با کلیه کشور ها روابط دوستانه داشته و روابط برادرانه و صمیمی موجود میان افغانستان و کشورهای صلح دوست و مترقی و بخصوص اتحاد شوروی را هر چه بیشتر تقویه و استحکام بخشیده است این روابط برادرانه که به اساس اصول مترقی انتر ناسیونالیسم کار گیری استوار است بفتح جالبین و صلح جهانی میباشد. علاوه و تا دولت مترقی و ملی ما جداً می کوشد تا با همسایگان خود روابط دوستانه داشته و همه اختلافات موجود را از راه مباحثه و مذاکره حل و فصل نماید. دوستی با معالک اسلامی نیز مورد توجه جدی جمهوری دموکراتیک افغانستان میباشد در ماده دهم اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان چنین تذکر رفته است:

«سیاست خارجی جمهوری دموکراتیک افغانستان بر تحکیم صلح عام و نام، انکشاف همکاری های وسیع بین المللی و حفظ منافع دولتی کشور استوار است. اساس فعالیت سیاست خارجی ج، د، ا را اصول همزیستی، مسالمت آمیز و سیاست عدم انتمالک مثبت و فعال تشکیل می دهد.»

هم چنان در مواد یازدهم، دوازدهم و سیزدهم و چاردهم و پانزدهم و شانزدهم این اصول

منجمله چنین گفته شده است: «ج، د، ا، دوستی و همکاری همه جانبه خود را با اتحاد شوروی و همکاری و مناسبات دوستانه خود را با سایر معالک سوسیالیستی بر اصل همبستگی انتر ناسیونالیستی توسعه و استحکام می بخشد... مناسبات دوستانه با سایر معالک بخصوص با معالک همسایه و تمام ملل مسلمان... ج، د، ا برای حل عادلانه و صلح آمیز تمام مسایل حل نشده موجوده بین کشورهای همسایه... صرف مساعی می کند... ج، د، ا از مبارزه ای ملل و خلق های جهان برای صلح و آزادی ملی و اجتماعی، دموکراسی، ترقی و برضد استعمار، استعمار نو و امپریالیزم، برضد صهیونیسم، راسیسم، فاشیسم تبعیض نژادی و آپارتاید پشتیبانی میکند... ج، د، ا بخاطر دفاع از صلح جهانی در جهت خلع سلاح عمومی و قطع مسابقات تسلیحاتی جلوگیری از توسعه اسلحه ای ذروی از بین بردن پایگاه های نظامی متجاوز در قلمرو بیگانهگان، انکشاف و تعمیق پروسه ای تخفیف تشنجات بین المللی و استقرار نظم عادلانه اقتصادی بین المللی مساعی بعمل می آورد... ج، د، ا منشور سازمان ملل متحد و اصول قبول شده ای عمومی حقوق بین المللی را احترام و رعایت کرده... پشتیبانی میکند...»

اگر بالذکر دقت به این اصول سیاست خارجی نظر اندازی نمائیم واضح خواهد شد که دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان پشتیبان حق و عدالت و مبارزات برحق و عادلانه خلقها در سراسر جهان میباشد. و با هر نوع فعالیت ضد صلح، ضد آزادی و ضد بشری مخالف است.

امروز در افغانستان اشکال متنوع ملکیت ها وجود دارد در اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان رعایت حقوق و دفاع از انواع ملکیت های مشروع درج گردیده است اشکال ملکیت هائیکه در افغانستان وجود دارد یعنی ملکیت دولتی یا عامه، ملکیت کوبراتیفی، ملکیت خصوصی و ملکیت شخصی همه و همه را دولت محافظه می کند منابع مواد زیر زمینی و طبیعی و انرژی، بانکها موسسات بیمه و وسایل عمده تولید در صنایع ثقیله، مخابرات رادیو و تلویزیون، سرکها و غیره منحصر بدولت بوده و از آن حمایت خاص صورت می گیرد و هم چنان شرکت های مختلفه که دولت در آن سهم است تقویه، تشویق و حمایت می شوند. ولی باید دانست که دولت هرگز اجازه نخواهد داد تا از ملکیت خصوصی علیه منافع مردم و جامعه استفاده صورت گیرد. در ماده بیست و دوم چنین تذکر رفته است: «دولت ملکیت خصوصی را مطابق به قانون حفظ و حمایت می کند. استفاده از ملکیت خصوصی علیه منافع جامعه و مردم مجاز نیست. دولت ملکیت شخصی اتباع را که از طریق مجاز بدست آمده تضمین می کند... استملاک ملکیت خصوصی در بدل تادیه قیمت مطابق به عدالت اجتماعی و قانون مجاز است...»

در قسمت رشد و انکشاف فرهنگ ملی و مترقی و رفاه اجتماعی، دولت ج، د، ا توجه خاصی بدولت می دارد، حمایت و معاونت از جوانان این سازندگان آینده ای کشور نیز تأکید شده است.

بقیه در صفحه ۴۴

ارزش و حیثیتی بر خور دار است .
 در شرایط کشور ما که خان سالاری
 در جریان سده های فر وان حکم و ایسی
 خود و ضوابط نا انسانی اش فزونی سوادی
 و بیماری رابه عنوان یک ارمغان شوم
 به میراث گذاشته تا جایی که سی و پنج
 در صد کودکان ما به خاطر ابتلا ی به
 بیماری هایش از سن پنج سالگی بد رود
 حیات میگویند و مادری که در جریان
 ازدواج تا مرگش ۹ کودک را ولادت میکنند
 اما در زمان مرگ بیش از چهار فرزند
 ندارد - طبیعی است که در پهلوی فرا هم
 آوری زمین های مسا عد و قایوی و معا فیت
 کنلوی و جلو گیری از بیماری ها به
 وسیله وا کمین آگما هی رسائی به مردم
 و جلب همکاری آنان در برنامه های پیشگیری
 امراض و تامین سلامتی با تصمیم بخشیدن
 هر چه بیشتر دانش پسر و رش با صحت و طفل
 مراقبت های ضروری و به موقع مادر از اولیت
 های با اهمیت به شمار می آید .
 شناخت روان کودکان و توجه به
 پرورش آن مسا له دیگری است که با
 جلو گیری از انواع عقده ها و نا را حتی
 های روحی و عاطفی در واقع میتوان
 خوش بختی و به زین سالم اجتماعی او را
 در انوار زلدگی اش تقصین کند چه صحت
 در تازه ترین تعریف آن که سازمان صحت
 جهان ارائه داشته است صرف در عدم موجود
 دیت بیماری ای جسمی خلاصه نمیگردد و
 بهبود نام حالات بدنی- روانی واجتماعی
 را شامل میگردد و مجله «طفل و مادر» با صدور
 این واقعیت ها و پذیرش محتوای اطلاعاتی
 در زمینه های بالا به خوبی میتوان تسد
 تشریح بی مفید برای خانواده ها و مادران
 با سواد ما تلقی گردد .
 دوکتور اناهیتا راتبیزاد وزیر تعلیم و تربیه
 در یک بخش از بیانی که به این تشریح
 از سال گذشته و در صفحات اولی آن به
 چاپ رسیده است مثنی تشریح «طفل و مادر»
 را چنین توضیح میکنند :



شماره ۱۲۸
 ماه خرداد ۱۳۵۸
 شماره ۱۲۸
 شماره ۱۲۸

بقیه صفحه ۷

نگرشی کوتاه و شتابنده به دو نشریه . . .

« . . . هدف نشر مجله «طفل و مادر» آشنا
 ساختن هم وطنان به اوضاع مادر و کودک
 در کشورهای مختلف جهان و منجمله کشور
 رنج کشیده و بلا دیده ما است ، تا امکان
 بدست آید که به خانواده ها ، معلمین
 مکتب ، مربیون و استادان و طبع محبوب
 ما افغانستان جهت تربیت و پرورش بهتر
 کودکان رهنما یی های لازم صورت
 گیرد . . . »
 شما ره اول و دوم «طفل و مادر» با
 مطالب و مقالاتی پیرامون جنگ و تگری
 واحداث تربیتی طفل ، هو شداری و آگاهی
 دهی به مادران در زمینه مسا بل پرورش ،
 مسایل روانی و تژیی، راپورت سازها
 ونگار رش های سود مند دیگر نشانند .
 این موضوع است که اگر دانند گمان آن
 مگو شدند هر چه بیشتر روی هدف تشریحی
 خود استوار بمانند .
 نکته دیگر در مورد نخستین شماره «طفل و
 مادر» این است که صفحات رنگین و کلیشه
 بقیه در صفحه ۴۵

مماندن در کشور ما و از دیان روز افزون
 واقعات مرگ های نا بهنگام کودکان
 نتواند تا پنج ساله و مادران حامله
 و شیرده که نتایج شوم و رقت آور فقر-
 بیسوادی - عدم آگما هی صحتی ، عدم
 شرایط زیست صحتی ، عدم امکانات تامین
 حفظ الصحه فردی و خانوادگی و محیطی
 «طفل و مادر» ما هتا مه تازه است که
 ریاست کور دکستانهای وزارت تعلیم و تربیه
 امتیاز نشر آنرا بدست آورده و شماره اول
 و دوم آن در یک مجله - هفتاد و دو صفحه به
 قطع ۲۴ ر ۳۲ سانتی متر در چهار رنگ
 از چاپ بر آمده است .
 با توجه به وضع نا بسامان کودکان

کمیستار بریگاد ل . ی . بریژنف
کارت عضویت حزب کوه نست
اتحاد شوروی را به الکساندر مالوف
می دهد (سپتمبر ۱۹۴۲)



در روسیه شوروی ، در آلمان
نازی در سرا سر اروپا و جهان
ویرانی و خرابی حدود و شغوری
نداشت .

در روز نهم می مردم اتحاد شوروی
جما هیر تا زه بنیاد و جوان اتحاد
شوروی که در گیر در جه اول دفاع
ومبا رزه این جنگ عالم سوز بودند
وارد برلین مرکز فاشیزم جهانی
آنوقت گردید . قشون سرخ
قشون تازه تشکیل یافته اما قشون
متشکل از مردم ، بر این را فتح
نمود .

مردم اتحاد شوروی در صفوف
قشون سرخ این جنگ را به
نفع خود و نفع مردم جهان خاتمه
دادند و مظفر و سرخرو بر آمدند .
این فتح را اتحاد شوروی به
قربانی : بیست میلیون مبارزان
ویرانی یکمزار و هفتصد و ده شهر
نفوس وسطی هر کدام در حدود
پنجده هزار ، نای بودی هفتاد هزار
قصبه و ده و دو تریون دالسر
خساره مالی برای شان کما یسی
نموده رسال روز نهم می را جشن
می گیرند ، این روز را سی مملکت
اروپایی ، آسیایی و امریکایی
تجلیل می نمایند .

آری این روز مبداء تا ریخ تازه
را در جهان بشریت آزاد ، آزادی
خواه و نقطه چرخش و گرایش را
از تیره گی بروشنی و از ظلم به
عدالت ار مغان آورد . از این روز
بود که آرزوهای جهانی ، خلق ،
جهان بسوی افق تازه و امیدهای
در خشان دید . از این روز بود
که تحقق آرمانهای بشریت صلح
خواه جان یافت . از این روز بود که
دنیای کهنه ما به نوگرایی آغاز
نمود و :

۱- سیستم زندگی اجتماعی
مسیر سوسیالیسم را در پیش گرفت

خورد . در آن روز بود که هیولای
جنگ و تباهی عالم انسانی از پا
در آمد . هیولای جبر ، ظلم ، زور
یا همه قدرت خود بر افتاد و نا بود
شد .

این مختصر گنجایش آنرا ندارد
که بتوان آنچه آن کابوس وحشت
از بشر میخواست و یا آنچه را بشر
از دهشت آن برداشت توضیح
نمود . ولی متذکر باید شد که
در این جنگ تحمیلی بر جهان از
طرف باندهای فاشیزم جهانی
در حدود پنجاه الی شصت میلیون
انسان تلف و نا بود گردید .

دنیای فقیر ، دنیای مبتلا به
امراض ، دنیای پر از مرگ و میسر
های فاقه قحطی زده گی و برهته
ما مبلغی معادل به بیشتر از چهار
الی پنج بلیون دالر را که اگر
بر هر فرد جهان آنروز تقسیم
میشد فی سیر مبلغ چهارده هزار
و دو صد و هشتاد دالر حدودی بهره
میرسید که به نرخ و قیمت همان سال
لها شایده ملیونها بشر مبتلابه
قحطی و عوزاران بلای دیگر را بدرمان
میرسانند .

در این جنگ ملیونها پدر بی
اولاد ، ملیونها زن بی شوهر و
ملیونها فرزندی پدر بی مادر
گردیدند و بسر نوحتهای شوم
گرختار و سر بار جهان در گیر بسا
بلایا و مصایب بی حسابش گردید .

تبع و نگارش

از عبد الله بشیر شور

نهم می

روز شکست فاشیزم

تفاوتها و تمایزها از حیث
قوت اثر کمیت و کیفیت های خود
حافظه بشری یعنی تا ریخ رامتنا
سبانه زیر تاثیر در می آورد .

روز نهم می . از آن روزهایی می
باشد که تاثیر آن در تا ریخ بسی
ظریف و کمیاب است . روز نهم می یک
روز چرخش تا ریخی یک روز موثر
بر سر نوشت بشریت است . روز
نهم می آن روزی است که فاشیزم
نازی یزم ، هیلتر یزم با قدرت خلاقه
جنگی با خارقه «بلتسگر یسک»
(جنگ برق آسا) ضرر به جهان آزادی
خواه را فرود آمده از مشت آهنین
دنیای صلح طلب را بر پیکر خود

روزها می آیند و می روند و
تا ریخ بشری را ورق میزنند . روزی
باخط زرین و درشت و روزی با خط
سیمای اعمال ، رفتار ، کردار بشر را
ثبت می نماید .

در حساب طبیعت هر روز روزی
بشمار می رود . هر روز روند تازه
و موثر به زندگی فردی و اجتماعی
بشر ، وارد نموده و هر روز از نظر
اهمیت کیفی و صورتی خود مشخصه
و ممیزه معنی بخود میگیرد .

روزها تما یزات و تفاوتهای
دارند که نقش آن در اذهان انسان
متناوب و متمایز میباشد و این

۲- اصول اساسی برای برانداختن امپریا لیزم عملی تنظیم گردید .
 که در نتیجه آن یکصد و سی مملکت با استقلال نایل آمدند و از جمله این تعداد هشتاد و دو کشور آن راه رشد غیر سرما به داری را پیش گرفته و بیست و دو مملکت مستقیما وارد جهان سو سنا لیزم گردیدند و راه ترقی و پیشرفت را اختیار نمودند .
 ۳- نهضت های انتر ناسیونال سو سنا لیزم در عالم پهن گردید که نظر به احصای یه مولو ق امر و در جاپان در هر پنج نفر یک نفر در ایطالیا ثلث نفوس و در هسپانیه و فرا نسه تعداد آنها چشمگیر است .
 در نود و سه مملکت جهان متنا سنا با نفوس آن بیشتر از شصت الی هفتاد ملیون اعضای این حزب عا

و صد ها مو رد دیگری که دنیای ما را بشا همراه ترقی رهنمون گردیده است .
 از جانب دیگر و در جنبه مخالف این جنبشها و نهضت های ملی روح دیو استعمار که با انتقال از کالبد هیولای فاشیزم هتلری ملتیناریزم جاپان آنوقت ، ایتالیای مو سو - لینی و بالاخره انگلیس با قدرت چهار صد ساله استعمار به بدین امریکای سرمایه دار و چین سو سنا لیزم و نیست یا مر تد انتر ناسیونال نالیست ، وعده دیگری از مر آجین بین المللی حلول نمود که می خوا هتد بار دگر جهان را بروز سیاه و فلاکت بار بکشند .
 مگر جهان آزاد ، جهان مترقی ، جهان آزادی خواه و جهان ترقی طلب از مبارزه خود با صفوف فشرده با سعی در خلع سلاح ، گوشش



دوم فیبروری ۱۹۴۳ گروه های دشمن در محاصره استا لینگراد

لمگیر رسیده است .
 ۴- فتح و ظفر الجزایر بر فرانسه و حصول استقلالش ، غلبه کانکویی ها بر استعمار ، جنگهای قهرمانی ، انکولا ، مما لك زامبیا ، روندی ، موزمبیق و غیره در افریقا جنگهای مما لك امریکای لاتین علیه استعمار ، فتح و غلبه ویتنام قهرمان بر امریکای مدعی در جه اول قیادت جهان و بالاخره انقلابهای حیشه ، ایران و زمبیا بوی با مبارزات افتخار آمیز آن ، کیو بای آزادی و مبارزات پر افتخار و قهرمانی آن .
 ۵- از آنجمله است انقلاب بزرگ و بر گشت ناپسند بر نور ۱۳۵۷ و مرحله نوین آن در وطن ما افغانستان عزیز .
 دینا نت به آنها مجال نخواهند داد ، ولو که آنها با دست و پای مذبحخانه در تلاشند که :
 ۱- ضد سو سنا لیزم تبلیغات جاهلانراه انداخته و بخوانند آفتاب را با دو انگشتم بیوشا نند ، آنها مصارف هنگفتی را در این راه از طریق وسایل دسته جمعی به مصرف میرسانند که نمونسه بارز آنها صدای امریکا و بی بی سی و غیره می باشد .
 ۲- جنگ سرد را دا من زده و میزند و به بهانه های گوناگون اغراض شوم خود را می خواهند بکار برده و جنگ گرم را تهیه بینند .
 ۳- مداخله مستقیم و غیر مستقیم در امور داخلی ، خارجی و حقوق

بین المللی" مما لك آزاد جهان و جهان سوم . از جمله به بهانه اوضاع در افغانستان اتحاد نامقدس امپریا لیزم امریکای سرمداری کارتر ، ماویزم چینی به سردمداری هوا کو فنکو و هوا نکو و ارتجاع سیاه پاكستان و دیگران می خواهند انقلاب مارفاه و آرامش ماوراء ترقی و پیشرفت ما را بخطر موا جه نما یند ولی انقلاب ما بر گشت ناپسند و آرامش و رفاه ما با تضمین آینده و ترقی و پیشرفت ما با قاطعیست

روان است و در مسیر خود از هیچ چیز نمیرسد .
 امروز نهم می را در حالیکه همه جهان آزاد و صلح دوست تبریک می گوئیم بد شمنان آزادی ترقی و زیست با همی ملل دنیا آینه عبرت قرار داده به آنها اخطار و هشدار میدهم تا با خود ، با ما با دنیای بشریت با آتش بسازی نکنند والا خود را بیشتر از همه به آتش می افروزندخواهند سوخت .

بهناسبت پیروزی اردوی شوروی بر فاشیزم

مختصر یادداشتی از وقایع مهم جنگ دوم جهانی

شب سی و یک ماه اوت ۱۹۲۹ بعد از طنین شلیک تیر ، در را دیوی لهستان ، پس از تصرف راد یو لهستان توسط سه نفر بد ستور هتلر در رادیو به زبان لهستانی اعلام نمودند که : (موقع جنگ لهستان علیه آلمان فرا رسیده) و این یک رمز هتلری بود . به این بهانه در اول سپتامبر به لهستان حمله آغاز گردیده و بتاریخ (۳۰) سپتمبر ساعت یا زده صبح انگلستان که با لهستان قرار داد همکاری داشت به آلمان اعلان جنگ داد ، و پس از شش ساعت فرا نسه نیز همین عمل را انجام داد ، و بدین ترتیب جنگ دوم جهانی آغاز گردید .
 و این بلا نها در کتاب هتلر بنام « ماین کامف » صریحا تحریر شده بود .
 داد گام بین المللی نظامی نور - نبرگ این تو طئه را علیه بشریت ارزیابی نمود و هتلر قبلا ضمن نقشه های توسعه طلبانه تصرف شوروی و کشورهای دور دست را منظور اصلی خویش تعیین نموده بود که در اوایل دول غربی ، امریکا انگلستان و فرا نسه در مقابل این سیاست ها اغماض می نمودند .
 نقشه فاشیست ها اول گرفتار کشورهای پویشالی کو چک ارض - بای مرگزی و اروپای جنوبی شرقی و شمالی بود . بعد از وا رد نمودن او لاین ضربه از آن فرا نسه و انگلستان حساب شده بود تا بسا تو نا بی هر چه تمامتر اتحاد شو-

روی را منهدم و بخاطر فر مانروایی در جهان از اروپا به نقاط دیگر سوق اداره صورت گیرد . و بعد از تصرف افریقا مقدمات جنگ علیه ایالات متحده امریکا در نظر گرفته شده بود .
 نقشه ای بنام « باز با دو سن » عنوان نقشه حمله آلمان فاشیست به اتحاد شوروی بود . که پس از اجراء ای آن نقشه به اساس دستور العمل شماره سی و دوی هتلری در ماه جون ۱۹۴۱ افریقا میدان تاخت و تاز پیش بینی شده بود تا هندوستان را فتح نماید . چندی بعد بین آلمان و جاپان سندی به امضا رسید که مفاد آن تقسیم منطقه و نفوذ دورا - هزن امپریا لیستی را در خطوط مداری هفتاد درجه طول بلد شرقی پیش بینی نمود ، بود بدین ترتیب تمام افریقا به آلمان و ایتالیا و بخش شرقی ، هندوستان به جاپان واگذار میگردد .
 در پیست و سه ژوین ۱۹۴۱ حمله به اتحاد شوروی آغاز گردید و آلمان ها آرزو داشتند بعد از جنا یسات و انسان سوز های که رهتو شسه تجاوز ایشان بود هفت نوا مبر یعنی روز انقلاب اکتبر در مسکو به رژه بپردازند ولی موفق نشدند ، زیرا مدافعان مسکو تا پای جان ایستادگی کردند . و شعار (همه چیز برای پیروزی) شعار مردم شوروی شده بود .
 قوای شوروی در سال ۱۹۴۱ با از دست دادن وسایل فنی جنگی لطفا ورق بزنید

بطرف وا لگا عقب نشینی نموده و لنینگراد در آتش محاصره مبارزه می نمود .

جنگ تا در واژه های استالینگراد دامنه دار شد و در ۹ نوامبر ۱۹۴۲ حمله متقا بل قوای شو روی شروع و چهار روز بعد سر بازان هتلری در يك حمله گا زا نیری بدم افتادند . و جر یان جنگ از بیخ و بن تغییر کرد .

تا سال ۱۹۴۳ شور وی مبدل به يك اردو گاه جنگی شده بود . سال ۱۹۴۴ به سال طرد کا مل قسوا ی آلمان فا شیست از خاک شو روی مبدل گردید . و بعد از این پیرو زی های چشمگیر شور وی در اخراج و شکست نیرو های فا شیستی در زوین ۱۹۴۴ قوای امریکا انگلیس در فرا نسه پیدا ده شده و جبهه دوم را افتتاح نمودند .

سر بازان ارتش پیروز مند سرخ پس از بیرون را ندن دشمن از خاک شوروی به اجرای وظایف آزاد بخشش خویش در ارو یا پرداخت و ملل لهستان ، یوگوسلاویا ، چکوسلواکیا ، بلغارستان ، مجارستان و رومانی را از یوغ فا شیسم آزاد ساختند .

هشتم ماه مه آلمان فا شیست تسلیم شد جشن نهم ماه می و جشن پیروزی بر فا شیسم در سرا سر جهان تجلیل گردید .
کنفرا نس تهران :

اتحاد شو روی بعد از سر راست کردن در مقا بل فا شیسم و بعد از تعقیب فا شیست ها در اخراج از شوروی و پیروزی های چشمگیری که به همت سر بازان سرخ نصیب اولین کشور سو سیالیستی جهان شده بود . در جر یان جنگ خوا هان افتتاح جبهه دوم جنگ علیه فا-

شیسم در شمال فرا نسه بود و ای این کار در سال ۱۹۴۲ عملی نشده و سال ۱۹۴۳ نیز همینطور گذشت تا اینکه مقدمات کنفرا نس وزیران خارجه اتحاد شو روی انگلستان ایالات متحد امریکا در جر یان بود و مکاتیب بین استالین ، روز ولت و جر چیل تبادل میگردید تا کنفرا نس بین آن هادر مناطق پیشنهادی طرفین دایر گردد و تصمیماتی در مبارزه علیه فا شیسم اتخاذ گردد که بعد از طی زمانی پیشنهاد استالین مبنی بر تشکیل کنفرا نس در

تهران ، در پر تو پیرو زی های شو روی در ارو پا در تهران دا یو گردید . استالین در جواب پیشنهادات روز ولت در پیام تاریخی نژده اکتبر وی نوشت (متاسفانه من نمی توانم هیچیک از نقاط پیشنهادی را بجای تهران بپذیرم درین مورد کار مر بوط به حفاظت نیست زیرا این موضوع مرا ناراحت نمی سازد .) درین کنفرانس که در خزان ۱۹۴۳ در تهران دایر گردید در باره افتتاح جبهه دوم به توافق رسیدند که در سال ۱۹۴۴ جبهه دوم در فرا نسه مفتوح شد .

نگاهی به چند جبهه جنگ در شوروی :

یک ارتش ششصد و شصت هزار نفری به شهر استالینگراد حمله نمودند . عملیات جنگی در اطراف این شهر دو صد شبانه ادا می میافت و مساحت صد کیلومتر را در بر گرفت .

خانه یا ولف که پنج و عشت شبانه روز مقا ومت قهرمانان نه نمود از جمله یاد گاهای تاریخی و فرا موش نشد نیست . ششم ماه سپتمبر ۱۹۴۱ لنینگراد در حلقه محاصره کامل قرار گرفت نهمصد روز و شب تمام از این شهر دفاع گردید ولی تسلیم نشد . ششصد و چهل و یک هزار نفر از قحطی مردند . در هجده ژوئیه ۱۹۴۳ حلقه محاصره شکاف برداشت و در ژانویه سال ۱۹۴۴ حلقه محاصره را یکی درهم شکسته و از بین بردند .

و برای مردم جهان این پیروزی معما بود ، معمای که اصلا وجود نداشت زیرا : این مردم بودند و شهری بزرگ ، شهر متفکر شهر مبارز یکی بر قوای اشغالگر فا شیست برتری حاصل نمود .

لنینگراد سی و هشت ملیا رددوبل خساره برداشته بود بر علاوه اینکه هزارها نفر بخاطر دفاع اش جان سپردند .

ماه سپتامبر ۱۹۴۲ استالینگراد مورد حمله فاشیست ها قرار گرفت تنها سب قوای بین شوروی و آلمان در شهر استالینگراد یک بر سه بود ، و شهر یکصد و چهل و سه روز جنگید ولی تسلیم تا بندیر باقی ماند .

یک سر باز شو روی در نبرد استالینگراد می نویسد :
بقیه در صفحه ۴۴



این اطفال در جنگ علیه نازیها والدین شانرا از دست داده اند.



سربازان شوروی بعد از فتسج و پیروزی بر فاشیسم با خوشحالی زاید الوصفی یکدیگر را در آغوش گرفتند .

ارتجاع خیال برگشت مردم افغانستان را ازین راه در سر می پروراند ، کور خوانده آند چنانچه در مقدمه اعلامیه مذکور گفته می شود . «مردم افغانستان با انقلاب ملی ودموکراتیک نور ۱۳۵۷ راه نهایی خود را انتخاب و مسیر ایجاد یک جامعه نوین مبتنی بر اصول مساوات و عدالت و جامعهی فارغ از استثمار فرد از فرد را در پیش گرفتند جامعهی نوین افغانی بر مبنای احترام عمیق و رعایت عنعنات ملی ، تاریخی ، فرهنگی و مذهبی خلق ما و بر پایه رعایت جدی اصول دین مقدس اسلام و آزادی مناسک مذهبی طوریکه قانون برای مسلمانان تعیین می نماید استوار خواهد بود...»

دولت و حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان با اتکا به ارادهی خلل ناپذیر خلق افغانستان بصورت مصممانه از انقلاب نور دست آورد های انقلابی آن دفاع می کند ولی بصراحت اظهار می گردد که این همه آمل را با بوجود آمدن شرایط صلح و نوسنی باهه کشور ها بخصوص کشور های همسایه و مسلمان خود ، بوجود آورد . روی همین ملحوظ بصورت مشخص و فور مو لبتدی شده در اعلامیه در مورد حسن نیت خویش در قبال کشور برادر ایران چنین می گویند : «حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان به حکومت جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد می نماید تا برای طرح یک موافقت نامهی مناسب بخاطر اکتشاف مناسبات دوستانه و همه جانبه همکاری بنفع جالبین میان دو کشور مذاکره آغاز گردد...»

اصل قراریکه در اعلامیهی حکومت افغانستان مورخ ۱۱ جدی ۵۸ اعلامیه های بعدی عنو عمومی همه هموطنان نیرا که بنا بر دلایلی خاك وطن را ترك گفته اند باید به وطن باز گردند اینك درین اعلامیه (اعلامیهی ۲۴ نور ۵۹) یکبار دیگر روی این موضوع تاکید بعمل آمده است و هم چنان حکومت افغانستان از کلیه کشورهای همسایه بخصوص حکومت پاکستان تقاضا دارد تا برای عودت ایسین هموطنان ما شرایط لازم را مهیا سازند .

هکذا دولت انقلابی افغانستان آماده است تا بجزد وصول به حل مشکلات و معاصمات کلیه مسائلی را که از سالها به اینطرف بین او و همسایگانیش لاینحل باقی مانده مورد بحث و مذاکره قرار داده و راه حل های اصولی و صلح آمیز را درین موارد جستجو نماید . البته باید دانست که پیش کشیدن شرط قبلسی ، جهت شروع مذاکرات و حل اختلافات مسورد قبول دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان نخواهد بود . در ماده پنجم اعلامیهی ۲۴ نور ۵۹ چنین آمده است : «حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان عقیده دارد که گذشته از یک سلسله موافقات دو جانبه بین افغانستان و پاکستان و افغانستان و ایران ضمانت های لازم سیاسی از طرف بعضی دولی که برای افغانستان و سایر جانب های داخل در موافقات دو جانبه قابل قبول باشد باید جسرء لاینجزای حل سیاسی محسوب گردد . که از

های کشور های دیگر منجمله ممالک همسایهی خود را منصرف ساخته باشد اراده نمود تا با در پیش گرفتن راه رشد مترقی و آزاد در جانه بهروزی و خوشبختی به پیش بروند ولی نیرو های ارتجاعی و امپریالیستی با بهانه های دروغین و دور از حقیقت نه تنها با این ارادهی آزاده خلل ناپذیر مردم ما معاصمت ورزیدند بلکه علا درین راه با مداخلات ، دسیسه ها و توطئه ها سنگ اندازی نمودند . مردم افغانستان بنا به ارادهی آهین و خلل ناپذیر خویش تا توان داشتند علیه این توطئه ها اقدام و آنرا خنثی نمودند ولی مداخلات دشمنان صلح و ترقی و پیشرفت بحدی شدت و وسعت یافت که تمامیت ارضی ، استقلال ملی ، آزادی و بالاخره انقلاب نور و دست آورد های آنرا با مخاطرات جدی مواجه ساختند ، مردم و دولت افغانستان بنا بر درك این حقیقت که اتحاد شوروی همسایهی نیک ، صلح جو و مدافع صدیق نهفت های مترقی و رهائی بخش در جهان می باشد و هکذا با در نظر داشت معاهده دوستی ، حسن هم جواری و همسایگی نیک منعقد بتاریخ قوس ۵۷ از اتحاد شوروی تقاضای کمک ها منجمله کمک نظامی نمودند که این خواست برحق طرف پذیرش کشور دوست اتحاد شوروی واقع شد . امپریالیزم و ارتجاع و عظمت طلبان جهانی که این کمک هشت هائی شانرا باز نمود و همه نقشه های شانرا نقش بر آب ساختند

خواهد شد و به موجودیت آن ضرورت احساس نخواهد شد . این چلنج بسیار شریفانه و صلح خواهانه و صادقانه است ، هر گاه نیرو های امپریالیستی ، ارتجاعی و شوونیستی واقعا حرف و عمل شان فرق ندارد و از مو ضوعات صرف بهره برداری نمی نمایند به این خواست انسانی لبیک خواهند گفت .

دولت جمهوری دمو کراتیک افغانستان هم چنان مساعی سایر کشور ها را در راه تأمین امنیت و استقرار در منطقه مورد تأیید و تمجید قرار می دهد چنانچه در اخیر اعلامیهی مذکور درین مورد چنین گفته شده است :

«... حکومت افغانستان مساعی سایر دولت ها را به منظور آسان ساختن راه برای آغاز مذاکرات سودمند میداند . به این ارتباط حکومت جمهوری دمو کراتیک افغانستان ابتکاری را که توسط جمهوری کوبا در صلاحیت آن بجهت رئیس جنبش عدم تعهد بعمل آمده و هم چنان مساعی جمیلهی آن - جمهوری را استقبال و حمایت می کند...»

آری چون موضع دولت انقلابی ما موضوع صلح جوینانه ، صادقانه و تشنج زدائی است توقع دارد که اعلامیهی فوق با عمل متقابل و با الملل مواجه گردد . ولی طوریکه در اعلامیه هم گفته شده است مردم و دولت افغانستان هرگز اجازه نمی دهد که محافل و عناصر ثبات بدون اشتراك خودش راجع به سر نوشت آن تصمیم اتخاذ نمایند .

بقیه صفحه ۵

اعلامیه حکومت...

جمهوری دمو کراتیک افغانستان با به پیروزی رسیدن خیزش ظفر مند جدی ۵۸ در هشت اوولین روز ها با کمال حسن نیت و احترام دست دوستی و برادری خود را بسوی برادران هم کیش و همسایهی ما ایران دراز نمود و بهترین منظر این حسن نیت و احترام همانا پیام برادرانه و پر از خلوص نیت ببرك کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دمو کراتیک افغانستان عنوانی حضرت آیت الله روح الله خمینی رهبر جلیل القدر مردم و انقلاب اسلامی ایران می باشد .

در مورد پاکستان هم باید متذکر شد همانطوریکه در بیانیهی ملی و تاریخی ۶ جدی ۵۸ با کمال صراحت ارادهی نیک مردم افغانستان در قبال مردم برادر و همسایهی ما پاکستان منجلی بود اینك در اعلامیه اخیر حکومت ج ، د ، ا در مورد پاکستان اینطور آمده است : «حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان هم چنان به حکومت پاکستان پیشنهاد می نماید تا برای طرح یک موافقتنامه دو جانبه در مورد عادی ساختن مناسبات بین افغانستان و پاکستان مذاکرات دایر گردد...»

آنجمله به عقیده جمهوری دموکراتیک افغان لستان می توان از اتحاد شوروی و ایالات متحده ی امریکا نام برد ...

اینك باز هم يك آزمون تاریخی دیگر در برابر کلیه دولی که در تشنج اوضاع منطقه ذیدخل اند . یعنی هم آن کشور هائیکه با تحریک و تسلیح دیگران در امور داخلی کشور ما مداخله می کنند و هم آن کشور هائیکه از خاك شان عناصر ضد انقلابی را صادر و به ماجرا جوئی و قتل و قتل و می دارند .

هکذا در اعلامیه تذکر رفته است که : «حکومت جمهوری دموکراتیک افغانستان اعلام می دارد که در چوکات حل سیاسی سوال بیرون شدن قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی از افغانستان نیز باید حل گردد ، قطع و تعیین اینکه تجاوزات نظامی و سایر اشکال مداخلات در امور داخلی افغانستان تکرار نشود و عواملی را از بین می برد که حکومت افغانستان را بر آن داشت تا از اتحاد شوروی تقاضای اعزام قطعات متذکره را به قلمرو خود بعمل آورد...»

آری اگر به رویداد های دو ساله اخیر یعنی بعد از به پیروزی رسیدن انقلاب شکو همند نور و بخصوص بعد از ۶ جدی ۵۸ بدقت نظر اندازی شود بخوبی درك خواهد شد که مردم افغانستان بدون اینکه در امور داخلی کدام کشور دیگر مداخله نماید و یا منافع خلق

با سرو صدای وسیع تر از قبل و با دروغ های شاخدار به تبلیغات سوء خویش ادامه دادند . امپریالیزم درین گیرودار پایه اصطلاح آبرو گل آلود ساختن و ماهی گرفتن پرداخت ، منطقه خلیج و بحر هند را بمثابة پایگا های خود دانسته و در آنجا ها انواع اسلحه و مهمات را جابجا نموده و در اروپای مرکزی نیز سیاست ضد صلح و سوق اسلحه و جابجا سا ختن مرعی هارا عملی نمود و این موضوع باعث نگرانی های وسیع ممالک و محافل صلح جوی جهان گردید چنانچه در اعلامیه حکومت ج ، د ، ا به این موضوع چنین اشاره شده است :

«حکومت جمهوری دمو کراتیک افغانستان در حالیکه در نگرانی سایر دول نسبت به افزایش موجودیت نظامی ایالات متحده در بحر هند و خلیج فارس شریک میباشد ، پیشنهاد های مربوط به تبدیل این منطقه را بیک منطقهی صلح و انحلال همه پایگاه های نظامی در آنجا حمایت نموده از تدابیری که غرض کاهش تشنج و استحکام امنیت آن اتخاذ می گردد پشتیبانی می نماید...»

لذا اینك دولت انقلابی ما با به پیش کشیدن اعلامیه ۲۴ نور ۵۹ یکبار دیگر به همه جهانیان اذعان می دارد که اگر مداخلات و تحریکات ضد دولت و مردم و انقلاب افغانستان ختم گردد سوال موجودیت قطعات محدود اتحاد شوروی نیز حل

بطور کلی اعلامیهی تاریخی ۲۴ نور ۵۹ حکومت جمهوری دمو کراتیک افغانستان بصورت يك کل قدمی است در راه تخفیف بحران و تشنج در منطقه و جهان و هم چنان ایسین اعلامیه صحت و سقم ادعا ها و تبلیغات محافل ارتجاعی و امپریالیستی را نیز برملا خواهد ساخت زیرا روحیه و متن این اعلامیه نشان می دهد که دولت افغانستان بصورت جدی طرفدار حل سیاسی و مسالمت آمیز کلیه مسائلی است که منطقه را تهدید می نماید .

افغانستان انقلابی و زعامت جدید آن یعنی زعامت انقلابی مرحلهی نوین انقلاب همانطوریکه در ساحهی سیاست داخلی به همه قول های خود عمل نموده و وفادار می باشد در ساحهی سیاست خارجی نیز عین موقف و ماهیت را دارا می باشد . دیگر آن حیض الله امین جا سوس که بدون دانستن استحقاق زمام امور دولت و حزب را بدست گرفته بود و نا جائیکه می توانست از دروغ و حيله و ریا و خیانت به عهد استفاده می نمود بگور نیستی سپرده شده است مردم ما هم ، سر بلند ، شجاعانه و با تواضع انقلابی به پیش می روند و هر خس و خاشاکی را که جلو این پیشرفت را بگیرد مانند امین و سلطنت های فتودالی بگور نیستی می سپارد . امید جدی و قوی داریم که نیت صادقانه و صلح جوینانه ی ما از جانب سایر کشور های مورد بحث ، بازتاب مساعد و صلح جوینانه بیابد .

زنده باد صلح ، زنده باد آزادی ، زنده باد مردم صلح جو و آزادیخواه افغانستان

دکور په لاره کی

لنډ داستانونه

دلنگستن هیوز لیکنه

دلنگوال سره پیرندنه :

درو حانی رویا ژباړه

«کارل» له هغو کسانو څخه نه و چې تل نشه وی ، له دې کبله نه چې له شراب څخه یې ا خلاقی ویره او ډار در لود بلکې ده خان د ډیرو فکرو نو ځاوند با له ، چې ده ته یې خاص غرور او مناسبت ور - پېښلی و . ده ته به تل ویل کیده چې پلار یې شراب څښل . له همدې کبله ده نشه کول ناوړ کار با له . خسرو امکان لری چې د میلمستیا په وخت کې یې ډیو گیلانس پیر څښل ناوړه کارنه با له . له دې کبله چې ده نه غوښتل په شراب څښو نکی مشهور شی نو هېڅ وخت یې شراب نه څښل .

«کارل» له خپلې مور سره ژمنه کړې چې دده ټاټوبي وښه کارونه - څښی ، دې د خپلې مور یوازنی زوی و نو له همدې کبله د خپلې مور د ډیرو مهر یا نیوتر سیوزی لاندې لوی شوی و . کارل دخپلې مور زینت زیات قدر در لود . خو له هغه کسا نو سره چې له ده سره یې سمه و ضعه نه کوله دونه ښه راشنه در شنه نه کول او به دې ځا طر چې په «سا مرویل» کې یې چې دده ټاټوبي وښه کار و نه - شوای موند لای نویوه بل ښار ته ستون شو او په هغه ځای کې په کار بوخت شو . هره میاشت به په هغه ریل کې چې په څلور بجو یې مخ په «سا مرویل» حرکت کاوه ، دې هم سور یده ، تر څو و کړای شی چې د یکشنبې ورځ هلته تیره کړی . ریل به هغه ځای ته رسا وه چې هلته یې کو چنیتوب تیر کړی و .

دې به هغه وخت ورسید چې دشپې به تیاره وه . ددوی کلیوالی خواړه لکه شیدې او کورنی و چه ډوډی وه .

وروسته دشپې له ډوډی څخه به که به داوړی وخت و دې او مور به یې دشنبې دشپې لپاره به یې سودا - بوخت شول ، ښار ته به ورسیدل او دشنبې د شپې لپاره به یې سودا - اخیستله ، او که به دژمی وخت و نو کله به د گاوند یو کورو ته ولاړل چې د مینو او به و څښی او کله به پخپل کور کې پاتې شول ځکه امکان یې درلود چې میلما نه ور گره ورشی . دمیلمنو کوټې ته یې بوزی ، خبری وکړی او پخوا نی ډول ډول سندری دخپل زاړه گراما فون له لاری واوړی لنډه دا چې ددوی میلمستیا گانې د خندا وړ او زړی وی او له هغو میلمستیا گانو سره یې ډیر توپیر در لود کولای چې په ښاری توگه یې رواج درلود .

کارل له خپلې مور او خان سره ژمنه کړې وه چې شراب و نه څښی

«لنگستن هیون» نوموتی تور پوستی شاعر او لیکوال دی . په کال ۱۹۰۲ کې زېږیدلی . کله چې ده دمنځنی تحصیلاتو وروستی کال ته دوام وړ - کاوه خپل لومړنی شعر یې یو ورځپاڼی ته وسپاره . څنگه چې ، دې پوهیده چې مور یې نشی کولای نور دده دلوست خرڅ برابر کړی ، نو دې ته اړ شو چې په کار کولو بوخت شی . د «هیوز» شعرونه دتور پوستو دغمونو او خوښیو او ددوی دژوند دڅرنگوالي انځور دی . دې په خپلو آثارو کې زیاتره دتور پوستو او سپین پوستو تضاد څرگند وی . «هیوز» لنډ داستانونه ، څوسناریو گانې او هم دکوچنیانو دپاره داستانونه لیکلی دی . دده لنډ داستانونه په ۱۹۳۴ کال کې د «سپین پوستو تگلاره» نومی کتاب تر عنوان لاندې خپاره شول . «دکور په لاره کې» دده له ډیرو ښو آثارو څخه دی چې خاص هنری بنایست لری .

خو په هغه استثنا یې ځا ښت کې چې دې دیوه شراب خر څو ونکی داوږده میز تر شا ولاړو په یوه عجیب لحن یې وړ ته وویل : «یو بوتل شراب» . خر څو ونکی وویل : «څه ډول - شراب؟»

کارل دزیرو او اوږدو بو تلو نو کنار ته چې دالما ری په منځ کې وو گوته ونیوه او ویی ویل : «له دغو څخه» او گوته یې په زیرو و اوږدو بوتلونو ودریده . ده دشرا بو نومو نه هیڅکله نه وو زده . خر څو ونکی وړ ته وویل :

«دا شراب خواړه دی» کارل غو - ښتل چې شراب واخلي او ډیر زرو - لارشی نو ویی ویل : «همدا غواړم» .

خر څو ونکی د شرا بو بو تسل په کا غذ کې ونغاړه ، پا تی شوی بیسی یې هم پیر ته وړ کړی او بیبا دیوه بل ا خستو نکی خوا ته روان شو . کارل بوتل واخیست او دباندي ووت . سره لدې چې غو ښتل یې به لږ وخت کې خپلې کوټې ته ورسیدي گامو نه یې او چمت نه اخیستل .

دده زړه به تو بو و چې شراب به څه وخت څښی ، دې ډیرو شرا بخا یو نو څخه تیر شو ، خو زړه یې نه غو - ښتل هلته ننوزی ، ځکه چې هیڅکله یې دا مسی لوبه نه وه کړې . لنډه دا چې خپلې کوټې ته ورسید .

په هغه لویه او لر غو نی کوټه کې هر هر څه تیاره او آرام وو . کله چې دکور له زینو څخه یې خپلې کوټې ته گامو نه اخیستل ، په مخه کې یې هیڅوک نه وو ، دکوټو ټول خاوندان خپلو کارو نو ته تللی وو . هغه ورځ سه شنبه وه ، او که هغه ورځ تلگرام نه وای ورته رسید لای ، چې مور یې ډیره نارو غه ده ، ښه به داوی چې خپل کور ته راشی ، نو دې به هم هرو مرو په خپل کار بوخت و . کارل بو هیده چې تر څلورو بجو پوری ریل حر کت نه کوی . اوس یوه بجه وه .

ده باید خپل ځان ډیر زر تیار کړی وای چې ولاړ شی . خو نن یې ناڅاپه شراب ته په عجیبه تو گه زړه شوی و ، ویل کیری چې نارینه د خپلو اعضا بو دآرا مو لو لپاره شرباب څښی . په داستا نونو کې قهر مانان برا ندی څښی خو کارل براندی نه څښل .

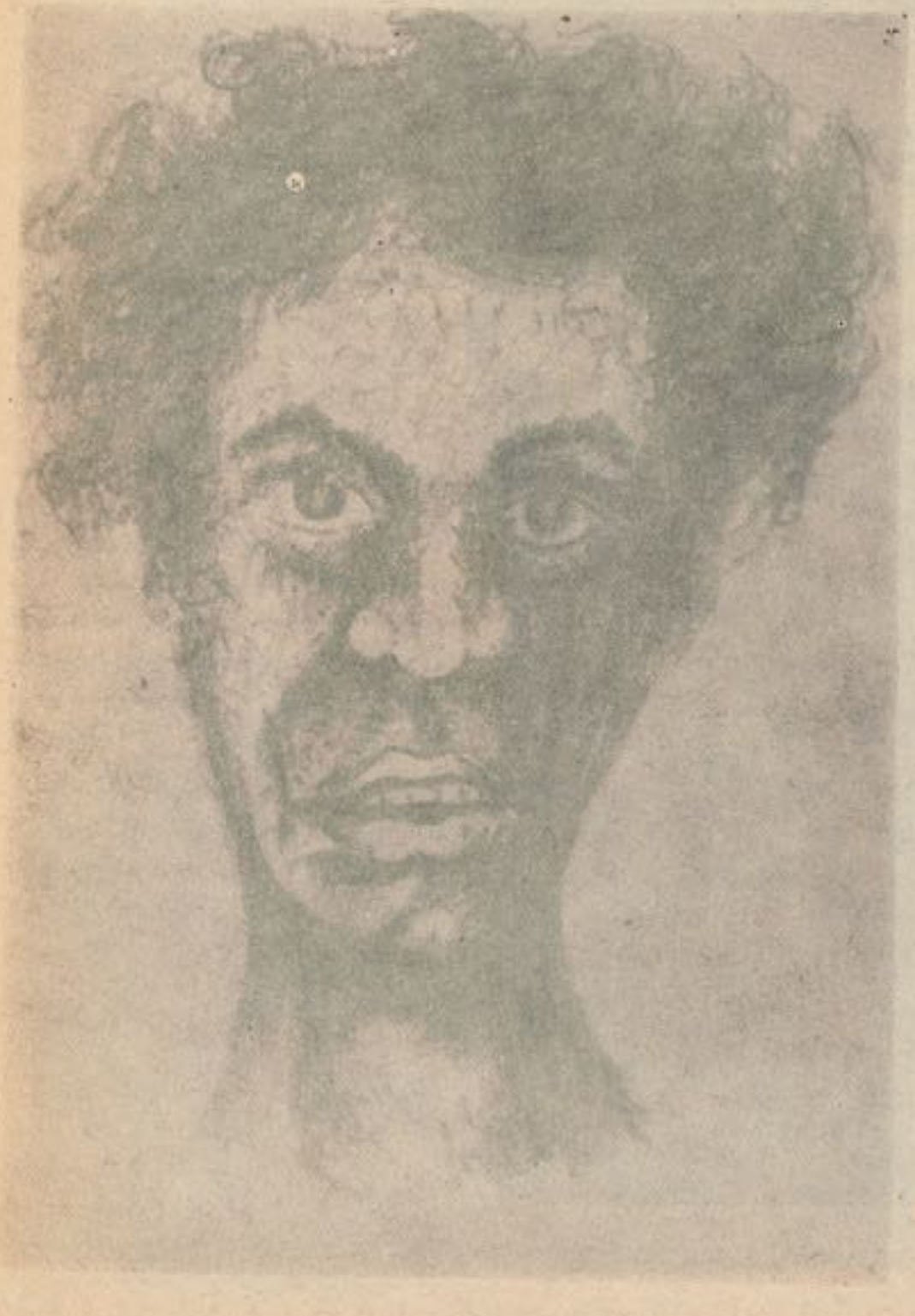
دا شراب ښه او په زړه پوری ورته

ٻنڪار ڀڃڻ . ڪارل مڪئبسي له دي چي
ان خپله خولي په کوٽ وڅږوي د
شرابو بوتل يي له کا غڊ څخه راو -
ايسټ او سر پو ٻن يي خلاص کړي .
دميز له سره يي گيلاس وروا چيست
او تر دريمي حصي پوري يي له شراب
پو څخه ډک کړي . دي په دي کو ٻنښي
کي و چي دا سوچ چي مور يي مړه
کيږي له ما غزو څخه ليري کړي .
شراب يي وڅښل او په هيله هيله
يي وويل : «نه ، هيله کوم ، په کټ
کينا ست چي دمه يي په خاي شي .
سا يي هيڅکله دا سي بنده بنده
نه کيده . په ټنډه يي خولي ورماتي
وي ، کړتي او کيميسي يي له خا نه
وايستل او خان يي دي ته چمتو کاره
چي خپل مخ پري و ښځي .
«خوته ، لومړي بايد پو څخه وټږي»
وروسته ناخا په ورپه ياد شول
چي خپلي مور ته يي تحفه نه ده
اخيستي .
ددي سوچ په نيما يي کي و چي د
يوه بل شي په فکر کي شو ، هغه
داچي هغه ورځ دشنبې ورځ نه وه له هغو
ورځو څخه چي هره ميا شت پوځلي
خپل کور ته روا نيده ، هغه ورځ
سه شنبه وه ، هغه ناخا يي تلگرام
چي ورته رسيد لي و دده د ژوند
توازن يي گډوډ کړي و ، هغه تلگرام
چي به هغه کي ليکل شوي وو «مور
دي ډيره نارو غهده ډير زر کور ته
را شه .»
«راسيتر» چي دوړکتوب له وخته
ددوي گاو نهې و . ده ته يي هيڅکله
ناوړه خبرنه ور کاوه ، نوموړي يي
بايد په رښتيا سره ډيره ناروغه وي
بايد دا فکر ونه کړي چي هغي ته
تحفه راو نيسي . الماري ته نه دي
شو چي پو څخه راوا خلي ، خو لاسو
نه يي هيڅ کارونه کړي . زير پو شرابو
په اوږده بو تل کي دميز په سر دي
خان ته رابا له ، ڪارل هم ور نږ دي و
تاوده او خواږه شراب ؟
بل هيڅوک په کو ته کي نه وو ،
اصلا په کور کي هيڅوک نه ليدل کيدل
ښايي يوازي دکور خا و نده به په هغه
خاي کي وه ، به دي ښار کي هيچا
له ده سره خبري اتري نه وي کړي .
ڪارل بيا هم خپل گيلاس له
شرابو څخه ډک کړي ، او ويي څښه
وروسته يي دالماري روک کش کړ
اود زيري خريملو لوازم يي واخستل
او په کټ يي کيښودل . له بل روک
څخه يي دوه کيميسو نه راوا يستل
«دري يا څلور کيميسو نه به ښه
وي ، هغه ورځ داوونې وروستي ورځ

نه وه دابه ښه وه چي اصلا فسي
کيميسو نه يي موم
را ايستلي وای . امکان يي در لود
چي دمور نارو غتيا يي ډيره اوږده
شي او دي اږ وي چي يوه يا څو
او ونې هلته پا تي شي . اوشايد
دابه ښه وي چي تياره کيميسو نه
را وا خلي ځکه امکان يي در لود مور
يي .
دا سي و لکه چي به خيټه يي سول
وعل شوي وي . يو ناخا يي غم
او اند ښيني يي ټول خان نيولي و .
پدا سي حال کي چي لږ زيده په کټ
کينا ست . له خانه سره به يي خبري
کولي «په سد شه ، سم شه سرپه»
په سټي تيا سره يي به هنداره کي
خپلي څيږي ته وکتل او مو سکسي
غوندي شو . «سم شه سرپه»
بيا يي هم گيلاس ډک کړ او په
يوه دمه يي به سر واږ او . وروسته
بيا ودر يد ، ور ديد او خان يي
داسي حسن کړ چي گني اوږدشوي
دي ، داسي فکر کاوه چي گني سري
پيشتمول او چټ رسيد لي دي .
ورو سته ناخا په هنداره يي ته څير
شو اوداسي به سندرو و بلو پيل
وکړي :
په بسر لي کي ، سره گلو نه
په بسر لي کي ، په سندرو و بلو
پيل کوي .
سره گلو نه ، په بسر لي کي
په سندرو و بلو پيل کوي
کالي يي را وا خيستل اود حمام
کالي يي وا غو ستل . په پام پام
يي بوتل وچ کړ له کو تي څخه ووت
او حمام ته ننوت تر او سه يي هم
سندري ويلي تشت يي له او بو ډک
کړي او په منځکسي يي
کينا ست . دتشت او به هم لکه شواب
غوندي تا ودي وي . په زړه پو دي
حالت يي احساس کړي . د يسي
چمنيزي او تياري شپي په ياد شو
چي دکور دحو يلي به يوه گو ښه
کي له يوي نچلي سره زيره څيږه يي
در لوده لوبه کوله ، مور يسي
راغله او دوي يي سره جلا کړل او
کو چني نچلي يي کورته روانه کړه .
له دي کبله چي له ښي کور ني
څخه نه وه .
ڪارل په تشت کي سم کينا ست اود
تشت او به يي له غږ سره سم نه
خپله ښااو سرا چو لي : زه مست
يم ؟ څه شوي ؟ څه بلا درباندي
راغلي ؟ د خپلي مور په هکله داسي
فکر کوي ؟ ښايد هغه مړ ، مړ...
گوره ؟ غوږ و نيسه به څلو رويجو

بايد په ريل کي ولاړ شي !
او او س يي غو ښتل چي خپل
کور ته ولاړ شي ، مست شوي و .
په لږزه را غلي زړه يي ورځيد . په
تشت کي اوږد پر يوت چي دمه يي
جوړه شي دده ټول خان په تود اوږد
کي و . يوازي سر يي له او بوڅخه
وتلي و .
ده ته داډول اوږد پر يوتل ښه
وو ، چوپ او آرام . دسه شنبې به
ورځ چي هر څوک په خپله اداره
کي په کار بوخت دي ، او دي چي ڪارل
اند ر سين دي ، چوپ او آرام د
تشت په تودو او بو کي زغيد لي .
شايد يوه ورځ له ورځو نه په هغو
لږو پيسو چي سا تلي يي دي دمور
خاوند شي او نجو ني له خا نه سره
وگر زوي . هغه هم به بسر لسي
کي... کله چي سره گلو نه ديسر لي
په وخت کي سندري وا يي .
ڪارل ښه غږ در لود اوساخکي
غږ يي په خوږو شرابو ډک و ، سرو
گلو نو ته به زړه پو ري .
په تشت کي ودر يد اود خوشالي
نه به ډک او لوږ غږ يي به سندري

ويلو پيل وکړي . به دي وخت کي يي
ناخا په دوره ټک ټک ووريد .
څه خبره ده ؟
داغږ دکور دځا وند و چي د
دهليز څخه اور يدل کيدو . نو بايد
ان له ښکته څخه يي دده غږ اور -
يد لي وي . «هيڅ محترمي دايره»
هيڅ ! يوازي فکر کوم زړه مړي
غواړي سندري ووا يم .
«ښا غليه اند رسن ! ته دورځي به
دي وخت کي څه کوي ؟»
«غوا يم چي ولاړ شم او مور مي
وو ينم هغه ...»
«تا سو تر بلبلې څخه هم زيات
خو شا له يا ست ... فکر نه کوم»
ڪارل دکور دځا وند د پټو غږ
واوريد چي له زينو څخه ښکته شوه .
«هغه ...»
سر يي به څر ځيدو پيل وکړي .
«مور مي ...»
يووړ ، ستر گي يي سر ي شوي
دتشت دوي خوا وي يي ونيوي چي
له هغه نه را وو زي . مست ، هوکي !
هغه مست و ، مست !
نور بيا



زنان کشور شایسته گی خویش را در جامعه و
 فاعیل بسدست آورند باید مبارزه دنیوار و
 طولانی را در پیش گیرند روی چنین ضرورتی
 سازمان ایجاد و به اهمیت وظایف سنگین و
 مسوولیت های تاریخی جدا توجه نمود روی
 این ملحوظ سازمان در برابر خود و در برابر
 زنان آگاه کشور د و و طبقه
 و دو مسوولیت مهم را چه در عرصه
 مبارزات مستقیم و چه در عرصه مبارزات سیاسی
 فرار داد چنانچه در کنفرانس ناز یکی هشتم
 مارچ مطابق ۱۷ حوت ۱۳۳۷ مرام ساز مسان
 و معنی بعد اساستانه سازمان اعلام گردید .

خوب نتیجه جان برای معلومات بیشتر اگر
 درباره مرام یا اهداف سازمان دمو کراتیک
 زنان افغانستان روشنی اندازید ممتون میشوم.
 در پاسخ باید گفت:

هدف یا مرام رهایی بخش سازمان مانند آن
 این مطالب را در بر میگیرد .

- تامین حقوق مساوی زنان در تمام عرصه
 ها اعم از اقتصادی ، اجتماعی ، مدنی ، سیاسی
 و فرهنگی و احترام مقام زن در کار و جامعه .
 - تامین حق کار زنان بدون قید و شرط و با
 دستمزد مساوی با مردان در برابر کار مساوی
 و اشتغال در تمام امور و حرفه ها .

- امحای بیسوادی و تامین حق مساوی تعلیم
 و تحصیل تمام زنان .

رهایی زن از قید عادات خرافی تعصبات
 ظالمانه و رسوم ضد کرامت انسانی تامین حقوق
 زن در امر ازدواج مالکیت و اطفال ایجاد شرایط
 ممتون اجتماعی بسوای تشکیل خسا نواده

مطابق رضایت واقعی زن و مرد و مساوی
 علیه ازدواج اجباری بکنار اهداف دیگر سازمان
 است .



زنان آزاده ما این

مشعل داران راه آزادی

در جامعه و هم در قایل متحمل محرومیت های فراوان می گردیدند .
 سازمان دمو کراتیک زنان افغانستان در بدو
 تاسیس خود تشخیص داده بود که برای اینکه

گفت و شنودی بانجیبه هوتکی عضو هیات
 رهبری سازمان دموکراتیک زنان افغانستان
 لفظا درباره تاریخچه سازمان دموکراتیک
 زنان افغانستان معلومات ارائه نمایند .
 سازمان دموکراتیک زنان افغانستان که
 نخستین سازمان منسکل و نیرومند زنان در
 تاریخ کشور است ، هم زمان با تاسیس
 حزب پرافتخار دموکراتیک خلق افغانستان در
 ۱۹۶۵ توسط دوکتورس اناهینا و اتسم زاد
 شخصیت مبارز و انقلابی پایه گذاری شد و
 مبارزات رهایی بخش خود را برای اولین بار
 در چوکات یک سازمان اصولی و منسکل بود
 می آغاز نمود .



سازمان ما علی الرغم مشکلات و دشواری
 های فراوان که ناشی از نظام فئودالی
 در کشور بود توانست مبارزات آگاهانه و وطن
 پرستانه زنان را بخاطر تامین حقوق آزادی های
 دمو کراتیک در مسیر اصولی رهبری کنند در
 بیکار و تضاد اجتماعی و ضد امپریالیستی در پیروی
 حزب دموکراتیک خلق دلیرانه اشتراک فعال داشته
 باشند .

سازمان مادر ملی بازده سال موجود است خود
 همواره برای ارتقای شعور اجتماعی و سیاسی
 نقش بزرگی را ایفا نموده است .
 این یک مطلب روشن است که :
 زنان کشور ما عملا از حقوق سیاسی اجتماعی
 اقتصادی و فرهنگی خویش محروم بودند هم

زنان شجاع و مبارزانه رنگ گشته چون در اسوار در برابر دشمنان رنگا رنگ استواری و مقاومت را از دست نداده و باهوشیاری به مبارزه
 توده بی اناناه تمیدادند .



نجیب هوتکی عضو هیات رهبری سازمان دموکراتیک زنان افغانستان

همچنان تأمین حقوق و آزادی های وسیع دموکراتیک مشلا حق انتخاب کردن و انتخاب شدن آزادی بیان شرکت در احزاب ، اجتماعات حمایت کسودک در برابر ظلم و استثمار و کار اجباری و مبارزه جدی علیه امپریالیزم منارلیزم و فاشیسم پشتمیانی و همدردی از زنان ملل مستعده که برای آزادی واستقلال میروند از جمله اهداف اساسی این سازمان بشمار میرود .

سازمان دموکراتیک زنان افغانستان وظیفه خود می داند که از یکسو وظایف صنفی و سیاسی خویش را به سویه ملی انجام دهد و از سوی دیگر علیه جنگ ، تجاوز تحریکات امپریالیستی مبارزه کند و از لیبست های جهانی بخشی در سراسر جهان واز میا زرات سازمان های مترقی زنان و زنان ترقیخواه جهان بخاطر صلح ، آزادی ، دموگراسی پشتمیانی نموده و هر گونه پلانیهای شوم امپریالیزم را خنثی سازد .

آیا سازمان دموکراتیک زنان با فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان ارتباط دارد؟

سالبته که سازمان ما با فدراسیون بین المللی زنان ارتباط دارد .

سازمان دموکراتیک زنان افغانستان سه سال قبل توسط فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان برسمیت شناخته شده بود . و فعلا عضو فعال فدراسیون می باشد واز پشتمیانی و کمک فدراسیون و دیگر سازمانهای دموکراتیک و مترقی بر خوردار می باشد .

تا به حال هیئت نمایندگی سازمان دموکراتیک زنان افغانستان در اثر دعوت سازمان های اتحاد شوروی به آن کشور ها مسافرت کرده اند دموکراتیک زنان کیوبا ، آلمان دموکراتیک ، و چند سازمان دیگر نیز از نماینده های سازمان دموکراتیک زنان افغانستان دعوت بعمل آورده اند .

مشکلاتی که پیش از انقلاب شکوهمند نور بان رویه رو بودید چه بود؟

سواضح است که شرایط پیش از انقلاب نور شرایط سیاه استبدادی بود و اصلا تا قبل از انقلاب نور هیچ قانون دموکراتیک و مترقی در جهت بهبود بخشیدن وضع رفیقار زنان کشور در معرض اجرا قرار نگرفته بود . و سلطنت های مطلقه ارتجاعی افغانستان نور به روز عرصه افغانستان است .

و عضویت سازمان به اساسی خواست داد . طلبانه تمام زنان افغانستان اعم از زنان کارگر دهقان ، پیشه ور و روشنفکر و زنان خانه صرف نظرات تفاوت های نژادی قومی ، قبیله ای ، مذهبی و نظریات سیاسی میباشد .

و هر تبعه زن افغانستان که سن ۱۶ را تکمیل کرده باشند و مراعاته سازمان را قبول و در راه تطبیق آن بکوشد حق عضویت بپردازد می تواند عضو سازمان شود .

در دوره ترور و اختناق امین جلال چگونه فعالیت داشتید؟

با وجود یکه قبلا تذکر دادم باز هم میگویم که سازمان دموکراتیک زنان افغانستان در طی پانزده سال حیات خود با قبول فدا کاریها بر شد دشمنان داخلی و امیر بالیزم سنگر به سنگر به پیلوی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به بیکار قهرمانانه ادامه داده است .

با وجود اختناق دوره سیاه امین و مشکلات گو نامون که باید تپیکارش در برابر ما ایجاد کرده بود سازمان لحظه ای از مشی اصولی و بر حق خود انحراف نکرد و فعالیتهای خود را



سازمان دموکراتیک زنان افغانستان این گردان پیش آهنگ و لجات بخشی زنان در افغانستان

تسلط رسوم و عادات خرافی قرون وسطایی که عملا زن را در جامعه مابرد و در بند زنجیر اسارت قرار میداد . باعث شد تا زنان را از نهضت و مبارزات آزادیخواهی شان دور نگه دارند ولی با وجود این همه موانع و دشواریها سازمان زنان با قدرت رزمندگی و سازماندهی که داشت قادر شد که یکنه داد قابل ملاحظه زنان را که در تحت شرایط فتوادی قرار داشتند منحیت اعضای وفادار خود جمع کند و در یک صف فشرده و آهنین و با استواری و ایمان راسخ به مبارزه بصورت یک پارچه و متشکل در جهت مبارزات اقتصادی و سیاسی و حتی اید لو زینک سمت دهد .

لطفا بگوئید که شرایط عضویت در سازمان به چه اساس است؟

سازمان دموکراتیک زنان افغانستان یک سازمان ملی دموکراتیک و توده ای زنان افغانستان است .

گسترده تر و وسیعتر در میان اقشار مختلف زنان روشنفکران ، کارگران ، دهقانان بسط و توسعه داد . و مسیر مبارزه را بصورت اصولی تعقیب نمود . و زمانی که مشی خائنه و انحرافی امین آدمکش احساس شد سازمان دموکراتیک زنان افغانستان با هوشیاری انقلابی ای که داشت مبارزات سازمان را شکل مخفی بخشید و با استفاده از امکانات و شرایط متنوع مخفی فعالیتهای انقلابی را تنظیم کرد و موضع گیری نامعانه و اصولی را در برابر مشی فاشستی امین اتخاذ کرد و مبارزه جدی تر علیه باند آغاز نمود و قهرمانی چشمگیری از خود نشان داد .

هر عضو سازمان در پیشبرد کار و فعالیت انقلابی و وظایف که برایش تعیین میشود ابتکارات و دلاوری خاصی از خود بخرج می داد . و کار انقلابی را موفقانه انجام میداد . با افتخار تمام میتوانم اظهار کنم که با همه ظلم و ستم ها و وحشیگری ها شکنجه دادنها و حتی قتل گروه گسرو - از جوانان انقلابی این فرزندان قهرمان وطن این دلیران مردان تاریخ کشور که نام شان زنده و جاویدان است و شجاعت شان در خاطر ما باقیست . اعضای دلیر سازمان دموکراتیک زنان افغانستان چه در زندان و چه در بیرون از زندان لحظه ای از بیکاری و اجرای وظایف دست نکشیدند و با غرور و قاطعیت و جسارت بی امان مبارزه را تا سرحد پیروزی و سرنوشتی امین جلال پیش بردند .

کدام گفتنی اگر به زنان کشور داشته باشید ؟

در اخیر از تمام زنان شرافتمند و مادران قهرمان وطن دعوت بعمل می آوریم که در گرد سا زمان دموکراتیک زنان افغانستان این یگانه سازمان با تقوا و رزمنده حلقه زنند و بصورت یک مشنت و یک پارچه در صف متحد با حزب د - خ ۱۰ علیه دشمنان جنایتکار علیه باندهای آدمکش و دشمنان صلح و آرامش مبارزه نموده و در راه تطبیق دستاورد های مرحله نویسن انقلاب نور در راه تأمین نظم و آرامش و ترقی جامعه سعی لازم را بخرج دهند .



گرچه ظلم و استبداد سلطنتی به اوجش رسیده بود مگر در عزم و اراده خلل نا پذیر زنان قهرمان مانا لیر نمیکرد



عشق و امید

در جهان عشق سعی باطل انکار نیست
در مقام جلوه حق پرده پندار نیست
(آفتاب آمد دلیل آفتاب) عشق مسا
کارما را اگر دلیلی هست غیر از کار نیست
حق نمایانست چون مه در میان اختران
معنی روشن اسیر صورت انکار نیست
سینه های خلقها آینه کردار هاست
هیچ تصویر دگرگویان از کردار نیست
کوه و کوهل میترشد وهم مانع راه ما
عشق ما خام است یاران راه ناهموار نیست

بی جهت از لیلی مظلوم دور افتاده ام
ورنه صحرای گریبانرا درو دیوار نیست
ساده لوحان ایمنند از دام لیرنگ زمان
چون صفای خلوت آینه را اغیار نیست
از کلورت با خیال خویش گردی روبرو
آنچه را بیگانه پنداری بجز زنگار نیست
میخورد خار و گل اینباغ از پاره پاره آب
در گلستان معانی فرق نور و تاری نیست
بی امید عشق هر کاریکه باشد مشکل است
یادما گر عشق گردد کارمانشوار نیست
حیدری نجشیری



کلچین میلانی

نیکویی

راه

جهالا سراسر نسولی و نداد
به تو نیست مرد خردمند شاه
به کردار های تو چون بشگرم
فسوس است و بازی نماید بزم
خنک آنکه زو نیکویی یادگار
بعالد اگر بنده گر شهریار

راه است و پای خسته من، کنش تنگ من
چاه است و چاله، یخ و خم و نام و تنگ من
کوه است و دره، جنگل آبه و سنگ و گل
دندان شیر و گمگم و تپش های درد دل
دلجاست و نا امیدی و میخ است و خار و لیش
میراندم به پیش، که میراندم به پیش؟
این هستی من است و نمیدانم از کجا است
از کجاست؟ بهر چیست؟ چنین پرخطر چراست؟
این چیست در دل من؟ میر است یا نیاز؟
پس آرزو؟ یا تشنه انگشت چسبک راز؟
دل چیست؟ از برای که این جوش و این خروش؟
این چیست و خیز نمیدم موج سرخ پوش؟
در دره های مغز من این رود های مسار
سوی کسدم؟ در یا هستند ر همپا؟

راستی

نیستی به جز راستی پیشه ام
بکزی نیاید خود اندیشه ام
به گیتی به از راستی پیشه نیست
زگزی بر هیچ اندیشه نیست

چه دانی

به هر جایکه یار درویش باش
همی راد بر مردم خویش باش
بین لبك نادوستدار تو کیست
خردمند و اندوه گسار تو کیست
پیش و ییاری و فردا مگوی
چه دانی که فردا چه آید بروی

ژولنون

در نیکی

بیایا جهان را به بد نسپریم
به گوشش همه دست نیکی بریم

نباشد همی نیک و بد پایدار

همان به که نیکی بود یادگار

به پاداش نیکی بیای بی هشت

خنک آن که جز تخم نیکی نکشت

فردوسی

کاشکی باغوان وای

کاشکی باغوان وی لو بید لم بهله کلو سره
 وم به فطرت سره ملگری خیال دینکلو سره
 نینکلی مخو نه به می نینکل وه له نسیم سره گم
 مستو نشو کی لمبید لم به لهملو سره
 یابه می غین کی تینگو له د فطرت ناو کس
 یابه تری دام دزلفو کی کا کلو سره
 کله چی بیغلو اینمو دل دعقیدت کلو نه
 تلم به مزار دشپیدا نو ته سنبوس سره
 دکه زولی به می دگلو او غنچ سووروپه
 یولالهزار به به مزار وه خما تلوس سره
 دتورو زلفو به تالو نو کی دگلوامی سل
 له لونکین سره به گپوم لسه اور بلو سره
 کاشکی باغوان وای چی د گلوغار کی سره
 دتور اور بل دپا سه خو بن بهومزا نکلو سره
 له عند لیب سره به گپ دسوز ساز به نغو
 راز او نیاز به می همیشی وه له بلبلو سره
 وم به او لس سره ملگری دخیل شعر به ژبه
 خکه او لس ته خد مت کیبری نیولیکلو سره
 شیر زی دا خو تکی ویلی دبا غوان له ژبی
 دده به هیلی بکنی و مو می کتلو سره

نامه ووداع

پرسان پرسان رسیدم از راه
 پیدا کردم نشان او را
 بشردم ذنگ ودر گنودند
 گفتم گویش آید اینجا
 دیدم کامد زخانه بیرون
 سنگین سنگین و سر فکنده
 ترسان ، چون کوند گنگار
 لرزان ، چون آهوی رمنده
 آمد رویش ز شرم گلگون
 لب های رنگت و سرد و خاموش
 چشمان تیدار و پوزش انگیز
 زلفان آشفته بر بنا گوش
 سپردم نامه را بدستش
 گفتم با طعنه ای دل آزار
 بستان ! این نامه وداغ است
 رفتم ، رفتم ، خدا نگهدار .



سره یودی

امیر یالیزم وشیو ولیزم سره یودی
 صبیونیزم او فاشنیزم سره یودی
 ماکیاولیزم وریو ولیزم سره یودی
 انار شیزم و ترور یزم سره یودی
 دوکتور زیار



شعر سپیده

پایک بهار ، رویش گلهای رحمتی
 یامن بمان که برزخ دلای غریبی
 من در کنار پنجره تفسیر کرده ام
 این قصه را که آیت زیبای جنتی .
 در جلگه های خرم این فصل نوبهار
 شعر سپیده ای وز باغ فراغتی .
 در حچم های کوچک فردای خاطر
 حقا که بی نشانه ترین مرز ساحتی .
 من در پناه غرور شبها نشسته ام
 تو باطنین روز ، ز درین کوب راحتی
 تو چون تگین ناب به انگشتر نگاه
 در هر کجای شهر چه فرخنده آیتی .
 بشیر سخاورد

شبگرد

یک شب تاریک و عالم در سکوت
 کوره باریک بود و کس نبود
 مه نبود اندیشه بود و جام بود
 شیشه بود و من بدم او هام بود
 دیدم از ظلمت سرا ی دور نور
 چهره خود می نمود اما چه سود

تار سیدم پای گور نا شنا سر
 شمع او خاموش مردی مرده بود
 نعش بیجان مجا ور سرد بود
 حیف گفتم خود به ره گشتم روان
 تاشفق شد صبح سیمین تن دمید
 پای شبگردی لب ساحل رسید
 پرنیان شن بودو بحر آرام بود
 من بدم اندیشه بود و جام بود ،

خوشه چین

شفق رادر دفتر کارش ملاقات میکنم و با او به گفت و شنود صمیمانه می‌پیرامون امور سینما می‌میزدیم که بیشتر به جدل میماند و رد و بدل اندیشه و نظر ما در باره هنر هفتم - با توجه به نظرات خاصی که او در این زمینه دارد حاصل این نشست چندساعته رابه صورت مصاحبه گونه‌ی فشرده و مفاداری پیرایه بندی قلمی که خواه نخواه سایه انداز صمیمیت وساده گویی میگردد که در صحبت ما حاکم بوده است به نگارش میاورم تاجه در نظر خواهی از شفق در باره هنر سینما آغاز میگردد.

شفق جان! با توجه به امکانات وسیعی که سینما در بازار آفرینی یعنی واقعیت‌ها و اثرگذاری در اندیشه بیننده و القای مفاهیم دارد از سوی دیگر با قبول این نظر که این هنر به خاطر ارزشترین بودنش در میان وسایل گونه گون تفریحی بیشترین گروه های مردم رابه سالون های نمایش میکشاند - هر روز ساحه مطالعه و تحقیق نیز پیرامون اثرات روانی و اجتماعی آن روی بیننده گسترده تر میگردد و نظرات تازه بی در ابعاد مختلف آن ارائه میگردد که هر یک طرفداران و مخالفانی دارد.

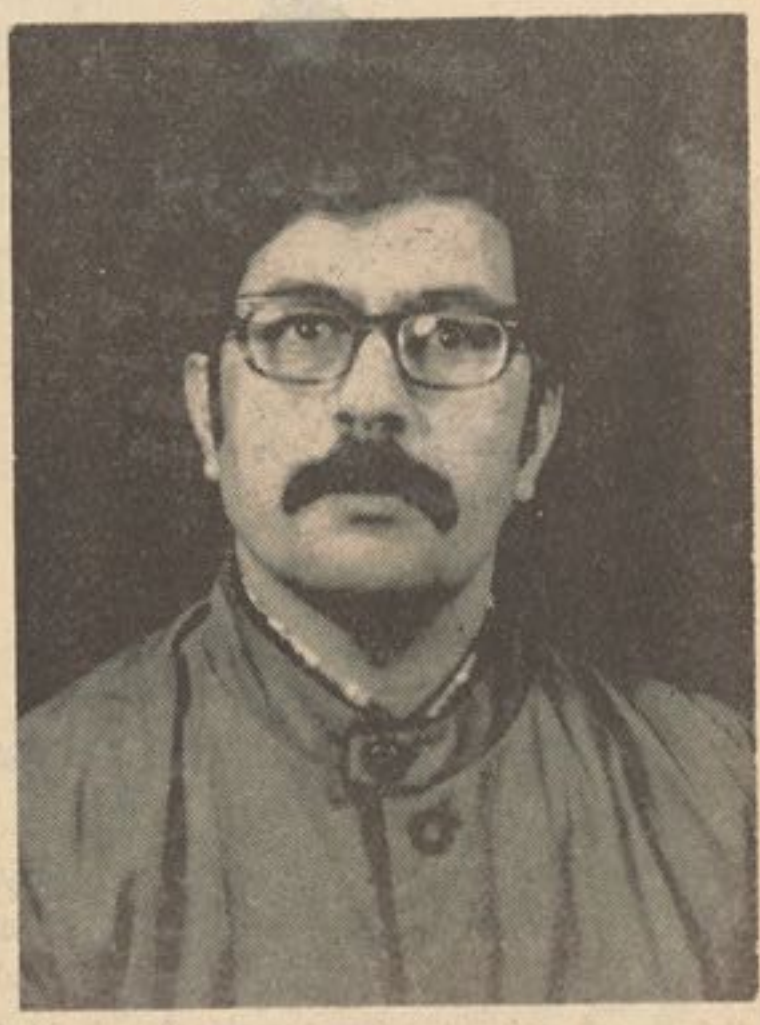
به صورت عموم امروز میتوان مجموعه این نظرات رادر دو بخش فشرده ساخت ، نخست اینکه سینما باید نقش آموزشی داشته باشد و با استفاده از امکانات فنی و کار برد وسیع خود در پروراندن یک قصه مسیر اندیشه تماشاگر را در یک جهت خاص اخلاقی رهنمون گردد و دیگر



این چهره ها و اعمال خلاف اخلاق اجتماعی مسأله‌ی است که باز مانند شرایط نابسامان گذشته به خوبی دولتم جنتیکاران مورد بررسی قرار میگردد.

سلسله مصاحبه های اختصاصی ز و ندون با هنرمندان گفتگویی با تور یالی شفق دایرگتر پرودو سر سینما

از آفرینندگی و خلاقیت و بی هدفی



تور یالی شفق کارگردان فلم جنتیکاران

* اگر به مردانندگان امور سینمایی کمالات گردد، سینمای ملی ورشکست میشود.
* وقتی سینما گر روشنگر نتوانداند یشه های مترقی دوران خود را در قالبهای ساده بیفکنند به خاطر سرگریز از قیچی سا نسور به افاده تصویر ی سببو لیک میسر دا زدوحر فئس رامیگو ید .

آشنا شو یم
تور یالی شفق بعد از آنکه تحصیلا تنس را در رشته امور سینمایی در کشور هند بیا یسان رسانید ، عملا وارد کار سینما شدو نخستین تجربه هایش را در این زمینه با مو نتاز (بیوند) فلم و کمک کارگردا نی سا خته های افغان فلم به آغاز گرفت .
روز های دشوار نخستین پرو دکشن هنری بود که وی کمک دایر - کنس آنرا عهده دار بود و بعد از آن با کارگردانی دو فلم هنری مجسمه ها می خندند و غلام عشق مستقل به پیاده ساختن تجربه های هنری خود در زمینه تو لید فلم پردا خت .
شفق اکنون صا حب امتیاز و مسوول شفق فلم است که اولین محصول هنری آن جنتیکا ران به کار گردانی خودش به زودی روی اکران خواهد آمد .
وی سو و دو سال دا رد و دو بار ازدواج کرده است .

سنگل که اراده باید باید خصوصیت باز آفرینی و بازآیی خود را از واقعیت‌ها از دست ندهد بگونه‌ای که هماناگر ربه فکر در باره زندگی و اندازد به او کمک کند که بازیدن معلول‌ها در پی علت باشد. به او بیاموزاند که زندگی هرگز در ساحه پندار‌ها، خواست‌ها و امیال او خلاصه نمیگردد. سینما باید بتواند هماناگر را از سطح به عمق بکشاند و احساسات او را برانگیزاند. عاطفه‌های انسانی را با هم‌گره زند و میان انسان‌ها در حبه جا پیوند برقرار کند. با چنین معیار‌هایی است که من به تمییز خوب ها و بد ها می‌سپارم. سینما میباید در پی پیلوی همه این‌ها به آفرینش هنری در کار سینما از روش فراوان فایده‌جنانکه اگر آفرینش و خلاقیت در سینما مطرح نباشد آنرا در حد یک ابتذال میدانم و نه یک اثر است. هنری.

من فکر میکنم نمیتوان هر خلاقیتی را در هنر به تأیید گرفت. ممکن است یک آفرینش هنری با همه زیبایی که دارد در اصل از فلسفه‌ای دفاع کند که در آن منافع انسانی در نظر گرفته نشده باشد و یا از اقلیتی دفاع کند که جبار و نگران به جان اکثریتی بزرگ افتاده باشند و یا واقعیت‌های عینی زندگی اجتماعی را مسخ کند و مانند این‌ها. شما در این مورد چگونه آفرینش را در هنر به تأیید می‌گیرید؟

گفته بیشترم را یکبار دیگر تأکید میکنم اگر سینما واقعا بازتابی باشد از عنیت‌های جامعه، خود به خود گرگ، گرگ تصویر می‌کند و بره، بره حرف شمارا قبول دارم اما در هر ردی که خود سینما و یا هنر از مسیر اصلی خود منحرف گردد، من آفرینش‌های را قبول دارم که از درون جامعه از روابط انسانها باهم، از شرایط و ضوابط حاکم و موجود در درون آن جامعه مایه گرفته باشند و نه از وهم‌گرایی و خیال‌پردازی‌های غیر واقع. لطفاً ورق بزنید

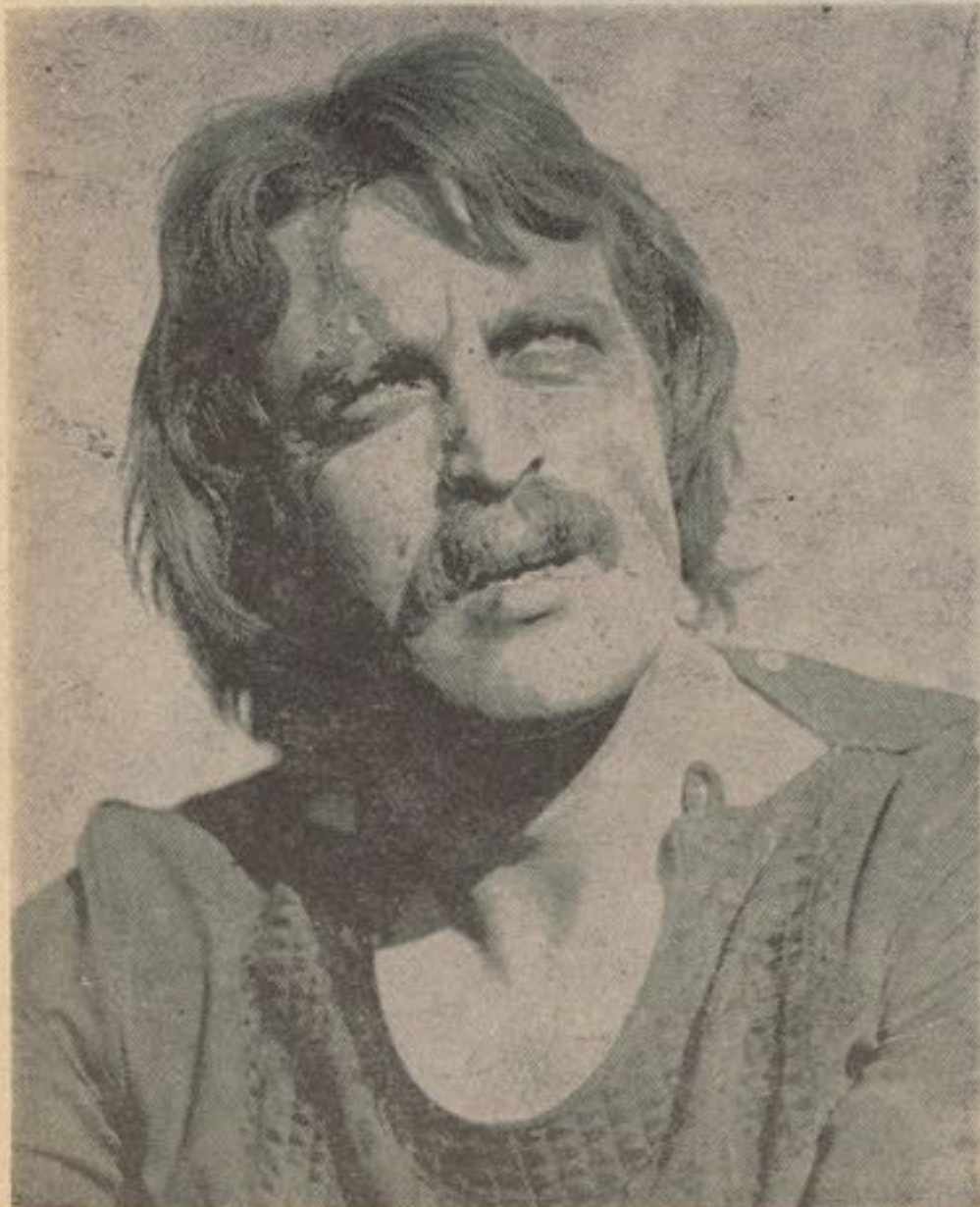


محمدجان گورن یکی از ورزیده ترین بازیگران و هنر پیشه گان سینمای ملی افغانستان است که بدون شک خواهد توانست بایگیری خود موفق یک هنر پیشه‌ای جهانی را احراز کند

چوگان خاصی اخلاقی، بلکه در یک بازی وسیع اجتماعی مطرح باشد، سینما بهر صورت و بهر

واقعیت تا در نبال رویی در سینما

* اگر هنر هفتم باز تا بسی از واقعیت‌های عینی جا معه با شند باید گرگ در آن گرگ تصویر گردد و بره، بره
* هر سازندگی و خلاقیتی را در سینما و هنر نمیتوان به تأیید گرفت. باید دید که این آفرینش چه را می‌خواهد بگوید و چه رانگی می‌کند.



ابراهیم طغیان در یک نقش مثالی فیلم‌چاپ‌کاران ظاهر می‌گردد

اینکه هنر هفتم نیز مانند هر هنر دیگری باز تابی باشد از واقعیت‌های درونی و عینی جامعه که در آن بابرش‌های قطعاتی از زندگی عادی و روزانه بیننده به عمق مسائل و حوادثی کشیده شود که هر روز به نحوی با آن سروکار دارد. اما در این نشانده‌های هرگز تمییز گر نباشد. اندرز ندهد خوب ها و بد ها را با موازین خاص اخلاقی که سینما گره آن اعتقاد دارد به خورد مردم ندهد و بگذارد که هماناگر خود به تفکر کشیده شود و در این نوع دوم، هنر بیشتر به خاطر هنر مطرح باشد تا به خاطر آموزش‌دهی. باید آوری این نکته که طرفداران چنین سینمای عقیده دارند که باز آفرینی واقعیت اگر کامل و بی عیب و هنر متدانه صورت گیرد خودبه خود هماناگر را باری میدهد که راه درست را از نادرست تشخیص دهد و انگیزه‌ها را بتواند به درک گیرد.

نظر شما در این زمینه چیست شما معتقد به نوع سینمای هستیید و خوب بود در این هنر با چه معیارها و ضوابطی تمییز می‌کنید؟

این مساله فرق میکند که سینما را در کدام جامعه، در میان کدام مردم و در چه سطحی از فرهنگ و دانش همگانی به طرح میاریم. من اعتقاد به سینمایی دارم که آموزش در آن نه در یک

سواد عادی نوشت وخوان را هم ندارند آنها چگونه میتوانند در یک فلم زبان سمبول ها را بفهمند . آنها در ک کنند واز طریق آن به افشاگری سینماگر در زمینه واقعیت های ناهنجار جامعه برسند ؟

حرف شما کاملا درست است ، اما اگر سمبول ها پیچیده نباشند و بیوند تصویری هنرمندانه باشد به گونه ای که سمبول مورد نظر بتواند ارتباط منطقی تصویری خود را با تصاویر قبلی وبعدهی فلم حفظ کند در واقع حرف سمبول را خود فلم باز میکند و ما هم رابه تماشاگر می رساند .

شما میتوانید بیک نمونه از این گونه ابداع در ارائه سمبول های تصویری در ساخته های سینمای خود اشاره کنید ؟

من مثالی از فلم «جنایتکاران» میاورم که به زودی روی اکران خواهد آمد. در این فلم دختری جوان ربوده میشود نامورد تجاوز قرار گیرد. شات های بعدی مادر این دختر را در حال کالا شوی نشان میدهد مادر بعدا تفراره را که آتش کثیف شد سرازیر میکند. کمره دوش این آپ را ناچوی آپ پاک روان تعقیب میکند و پس و ن فاصله در نسای بعدی دختر به چشم تماشاگر کشیده میشود که مورد تجاوز است . خوب این صحنه - صحنه روسی آپ های چتل در آپ پاک و تاکید تصویری که روی آن میشود یک سمبول است که نشان میدهد چگونه ندانم کاری ها کثافت ها را مجال آمیختگی با پاک ها و ناپاک ساختن آنها میدهد و بیوند تصویری فلم نیز به بیننده کمک میکند که منظور سازنده و تصویر گر را دریابد و با او رابه فکر درباره کثافت سازی ها وادارد .

آقای شفق به اجازه شما میپردازم به موضوع تیب سازی در سینما با یاد آوری این نکته که تیب سازی موفق در واقع به تماشاگر سینما موقع میدهد تا او به اصل تداعی ذهنی برسد و نمونه های فراوانی را از تیب مورد نظر ارائه شده در سینما در زندگی روزانه خود بیاد آورد. آنها را بشناسد ، بخصوصیات روانی و عاطفی شان آشنا گردد ، شیوه فکری شان را دریابد ، انگیزه های اعمال شان را بداند و ضعف ها و توانایی های شان را به بررسی گیرد من می خواهم ادعا کنم که سینمای ما تاکنون نتوانسته است تیب های زنده ای را ارائه دهد، شما این نقیسه را چگونه توضیح می کنید؟

محترم راضع، من نظرت را دردمی گفتم، اما توهم نباید فراموش کنی که مادر پرودیسوس های سینمایی با مشکلات و دشواری های فراوانی روبرو هستیم که مانع تهیه کار های خوب و بی عیب میگردد. کمبود وسایل فنی، کمبود پرسونل و مخصوصا بازیگر با استعداد در سطح که تو آنها را به طرح آورده ای ، فقر پولی وده ها برابرلم دیگر از این قبیل میباشد که نمیگذازد کارها درست به انجام آید. دایرگتر در شرایط سینمای ما باید گروه باز بکن حرحله وی سروکار ندارد که در هر نقشی بهترین ها را برگزیند و آنها را در قالب های هنری شان جای دهد ، ما مخصوصا تاجای به کمبود بازیکن زن در سینما روبرو هستیم که وقتی کسی حاضر میشود در فلم بازی کند بی توجه به سطح و میزان استعداد و توانایی او در این رشته بزرگوار میگردیم و میگوئیم تاجای امکان از او چیزی سزاویم صدر این گونه شرایط نباید سطح توقع را زیاد بالا ببریم .



لیلی در فلم جنایتکاران نقش اول را به عهده دارد

در کشور های عقب نگهداشته شده که از سوی سطح سواد و میزان آگاهی عمومی پائین است و از سوی دیگر اختناق فکری در همه جاسایه گستر است و قدرت های حاکم سیاسی میگویند هر واقعیتی را وارونه جلوه دهند به نظر شما روشنگر هنرمند و در این بهمار سینماگر روشنگر چگونه میتواند با ساخته های خود بیانگر واقعیت های عینی جامعه باشد و تصویر های گو یای خود را از قیچی سانسور بدور نگه دارد ؟

وقتی هنر مند در تنگنایی قرار میگیرد که نمیتواند حرف خود را بگوید، ناچار برای رساندن پیام خود به مردم شیوه های دیگری را مورد استفاده قرار میدهد که سمبولیزم یکی از این روش هاست، سینما گر در چنین شرایطی میتواند با ارائه سمبولیک حداقل بخشی از اندیشه خود را باز گو کند و مقداری از واقعیت ها را بر هته سازد .

به نظر من هنرمند باید درست مثل یک ماراز کوچکترین متفلهام برای رخنه کردن استفاده برد . در غیر آن او نمیتواند تحرك هنری خود را حفظ کند . هنرمند نباید در انتظار مساعد شدن شرایط باشد و باید خود شرایط را مساعد گرداند .

من دشواری را در سطح یک کشور عقب نگهداشته شده به طرح آوردم و در کسمبولیزم به آگاهی نیاز دارد . اگر در این زمینه کشور خود را مثال میاوریم ۹۵ درصد مردم محاسی



محمدجان گورین در یکی از صحنه های فلم جنایتکاران

بندسره گفتمون و سټوډ هائي...

مقصود شکورې رئيس تنظيم امور اراضي دولت .

- ۱- وجود امنځن مشکلات در شخصي مورد حکم سند هاي مختلف نظر له لېون نورم و مستندرات ثابت و واضح .
- ۲- عدم مو جو ديت اکثر مشخصات کهي و کيفي در چنين اسناد و با موجوديت آن به شکل ناقص .
- ۳- عدم شدن زمينه ترتيب و ساخت اسناد جعلي زمين .
- ۴- گريز از ماليه و مسووليتهاي زميندار .
- ۵- عدم مراعات عدالت اجتماعي نظير به مو جو د بودن اسناد مختلف در نزد اشخاص مختلف براي عين قطعه زمين .
- ۶- عدم مراعات سيستم مناسب ثبت سند و مشخصات زمين در دفاتر مربوطه .
- ۷- بروز دعاوي در وقت بهره برداري و انتقال زمين از يک شخص به شخص ديگر .
- ۸- نبودن سند متحد الشكل جهت جلوگیری

شما نظير که همه آگاهي داريد اصلاحات دموکراتيک و راديکال از سي يک عمل انقلابي بود که به اثر آن قدرت سيا سي ، اقتصادي و اجتماعي در روستا هاي کشور از قبيل دالان ، ستمگران و غنت خوا را ن به دهقانان ، کارگران زراعتي و زمين داران کو چک و متوسل انتقال ميابد که اين کار به اساسي منسب حزب دموکراتيک خلق افغانستان در پر تو انقلاب نور آغا ز يافت و تا اندازه ي هم به انجام آمد . اما با تاسف وضع اقتصادي ، سياسي ، اجتماعي و فرهنگي کشور ما در جريان زما ملدري ننگين و فقرت با رامين جاسوس شناخته شده ، سيا سي زير جنان فسر بنات شديد قرار گرفت که در تاريخ کشور ما نمونه ندارد و اثرات سوء و ناساماني هاي که اين دوره در زندگي مردم ما



وارد آورد تا مدت هاي مديد جبران پذير نميباشد .
 در زمينه ضرورت تجديد اسناد متنوع ملکيت به يک سند متحد الشكل رسمي قانوني ياد آور ميگردم که کشور عزيزما داراي مقيا سهاي مختلف عنعنوي الذا زه گيري مساحت زمين ما تند «يکال تخم ريز» (قلسبه) ما لييه (يسالما و شنگل) و الذا زه گيري حقا به ما تند «شبانه روز» «يار شب» «ساعت» «کاسه» «کاريز و در چه زمين به نام هاي (سير) (من) (پيمانه) وغيره ميباشد که اين امر باعث تشتت در محاسبات ملي و سنجش هاي روز مره شده و در تعديلات آن مشکلاتي را بار مي آورد .
 به همين ترتيب سند ملکيت زمين نيسز در کشور ما متنوع بود و به نام هاي : «فرمان» «توليقه شرعي» «ترکه خط» «تمليك خط» «سند عرفي» «سند ماليه ده» «تبت املاک» و غيره ياد ميشوند که تنظيم ، تعديل و بر رسي آن موجب ضياع و وقت دواير وسر مرداني ميرا جمان ميگردد اين مشکلات را ميتوان به صورت فشرده در اين موارد خلاصه کرد :

۹- تعديلات و ييرو گراسي پيچيده به منظور ترتيب اسناد زمين .
 ۱۰- در گذشته چون کميت و کيفيت، حدود اربعه ، حق ابيه ، و ديگر مسايل قطعات زمين زميندار در دفاتر و اسناد معتبر درج نبود - احتفال جعل کاري موجود بود - اما اکنون سند رسمي ملکيت زمين اين احتفال را کاملا از ميان ميبرد . به منظور رفع مشکلاتي که از آن ياد کردم و رفع دعاوي بيشما رو لا ينقطع زمين - دولت جمهوري دموکراتيک افغانستان ، اسناد ملکيت را به نحو مطلوب و به منظور بر آورد شدن اهدا ف اصلاحات از سي طور متحد الشكل ديز اين گردیده و مطابق احکام قانون تنظيم امور زمينداري و مقرره شفا ره دو م فرمان شفا ره هشتم مورد تطبيق قرار مي گيرد .

محمد رحيم نما ينده دهقانان ده سبز :
 متحد الشكل شدن زمين ملکيت چه اثراتي در از ميان برداشتن مشکلات دارد ؟

سمسور سپاهي زوي

دندري دپو مختک په هکله

در رسم بنسټيز ارزښت

نود همنې گړي څخه يې دخپل چار - پير يال دپيژندلو او خپل ژوند ته دودي اود پر مختک ورکولو خيال او فکر يې هم ددماغ په هاغزو کسي ورو گر خيد .

که انسان دندري دمخي دټولو - اجتماعي چارو دپر مختک په هکله ژور فکر وکړي نو په پای کې دى - حقيقت ته رسيدى چې دپسر دپيدا - پښت نه آن تر ننه پوري بشر بريالى شويدي چې دهمدي رسم په سکيل او چوکات کې خپلي غو بنسټني او اړتياوي خاي کړي او هغه ته وده ور کړي او پر مخبو ځي .

ځکه که چيري په لومړي سر کې ديوې سا ختما ني چاري لپاره يو سکيل او چوکات موجود نه وي نو بيا هغو دسا ختما ني چاري مخ په وړاندې تللي نشي . په لومړي سر کې همدا سکيل دى چې درسم په ډول بنسټونه شو يدي او يا په بل عبارت رسم دى چې انسان د هغه

به لوبښي کې خپل ټول مرا مو نه او غو بنسټني بنسټونه کوي او بيا په بيلو ډولونو او بنسټونو يې پر - مختيا يې او د هغه دپد لوند سره جوخت دپسر په ټولنيژ ژوند بنسټيز - بدلون او تحول منځ ته را ځسي دپسرې کهول معا صره ترقي او پر مختک خاص درسم له لوبښي څخه دسکيل له لوبښي څخه راوتلى بنسټي نښي نري لوبښي پر مختکو را ضي او قانع نه بنسټي شپي او ورځي هاند اوز حمتو نه گالي شپي او ورځي هڅه کوي تر څو درسم دنيا لاسي ارته او پراخه کړي او ددى لوبښي په چوکات کې خپل خانو نه هغو پر او نو ته ور نړې دى کړي چې دوى يې دپو هي له مخي اټکل کوي . د مثال په توگه که چيري مونږه ديوې ودانې او يا يوې آلوتکي او يا يوه - مو ټرا صلي جوړونې ته په بنه شاني ژوره کتنه او با ملرنه و کړو نو مونږ ته پته لگيدى چې په لومړي سر د هغوى پاتې په ۴۴ مخ کې

کله چې انسانا نو دندري پر مخ سترگي پرا نمتلي نود نري پر مخ يې راز ، راز شيان تر سترگو ورځي په هره اندازه چې زمان بدلون وموند او بشري کهول دزمان په غيږه او د مکان په لمنه کې عمرو نه تير کړل نو بشري کهول ورو ورو دندري په ډيرو پټو او پيچلو رازونو پوه شو . چې پدى ترڅ کې بشري کهول پدى راز هم پوه شو چې وکولى شى درسم په واسطه خپل ليدلى اجسام او يابه بل عبارت خپل دتصوراتو او تخيلا تو مجموعو درسم په ذريعه خلا تده او بنسټونه کړي . دغه کار دتاريخ په اوږدو کې به ډول ډول سره خپل خان بنسټونه کړي يدي کله رسم يوازي دگر بنسټو او کله دبنسټونه اجسامو او کله دمحض تصور او تخيل په چوکات کې داجسامو او خيرونو په څير دندري دمخي دانسانان - نو له مخيلو نه څر گند او بنسټونه شو يدي .

دندري دمخي هغه انسانان چي درسم په واقعي ارزښت باندى يوه شويدي هغوى هڅه کړي يده چې رسم يوازي درسم په دنيا کې زندا نسي ونه ساتي بلکې کړي په کسري رسم ته دپسرې دژوند اړيکو او - او بنسټون سره سم او جوخت بدلون او او بنسټون ور کړي اودر سم به ذريعه چې دندري دمخي دټولو اجتماعي ، او بنسټونو بنسټ او زير بنا - گڼل کيږي زړه پوري او بيسازي بد - لون ور کړي .

همدغه راز چې دندري دمخي حالات گړي په گړي اوږي او رااوږي بشر اود بشر ذهن اود ماغ او انفعالات او ضرور تو نه هم اوږي او رااوږي او په هره شيبه کې خپل رنگ او اړخ بدلوي . بشر پخوا هرڅه ته په ابتدا يې او طبعي صورت کتل خو کله چې دطبعيت جريان او سرو او تودو بشر پدى پوه کړ چې همدا - خار چې نري ده چې دانسان په يو - هولو او رابو هولو کې لوى لاس لري

در محکمه فامیلی چه خبر است؟

یک ماه اجرای سردرگم

اینبار تعداد زیاد مرا جمعین در دهلیز محکمه فامیلی توجه ام را جلب میکنند که انتظار ملاقات با رئیس محکمه را دارند.

چهره ها حالات مختلف دارند کسی از گریه چشم و روی سرخ رنگ پیدا کرده ، کسی لبخندی روی لبانش دیده می شود و غرق تفکر است و دیگری با صدای بلند می خندد و بلند بلند حرف میزند، زنی با چادر نماز کودکی را به آغوش گرفته است و در حالیکه چادرش را سخت بادندان گرفته بدیوار مقابل دروازه رئیس محکمه تکیه نموده است . آنطرف تر دو مرد ، یکی جوان و دیگری میانسال گسوسه ای را انتخاب نموده وساکت نشسته اند ، مرد جوانی هم با قدمهای آهسته طول دهلیز را می پیماید و گاهی می ایستد و با خود زمزمه ای میکند ... دوزن چادری دار هم که معلوم میشود نوبت شان اول بود به اتاق رئیس داخل می شوند .

از میان همه توجه ام را بیشتر زن جوانی که چادرش فوسولادی و پیراهن سبز کوتاه بتن دارد جلب می کند زیرا آوازش بسیار بلند و توأم با خنده و گریه بود .

بطرف اونزدیک می شوم خود را معرفی نموده و میپرسم که میتوانم سوال کنم که برای چه مقصد به محکمه آمده اید ، میگوید : دهرچه میبرسی بیس و قبل از اینکه مرا مجال سوال نمودن بدهد فوراً سرگپ می آید :

- اوه همشیره ! دلم کوفست کده . اگر بقچه دلمه پیشت بازکنم و تو قصه مره بشتوی تاشو خلاص نمیشی . مگم اگر میخای مه کمشه برت میکم ...

همومرد که ره که می بینی (بطرف مرد جوانی اشاره میکند که کمی دورتر نشسته بود) به سرمه دعوی کده و میگه که مه زنت هستم

اصل قضیه اینطور است که همی خواهر مه که شش ماهی بینید دو ماه پیش از شوهرش طلاق گرفته و به خانه مادامه مراد خانسی آمده و با ما زندگی می کند ده روز قبل بود که بچه خاله ما ببهانه مریضی بخانه ما آمد و گفت به شفاخانه خود رانشان میدهد . چند روز از آمدنش تیرنشده بود که از خانه ما قهر کرده و رفت ...

چند روز بعد بود که به محکمه جلب شدیم ...

برادر زن در حالیکه خیلی جدی حرف میزد سخنانش را اینطور دنبال کرد ..

خواهر مه ببین و اینرا ببین به کدام روز و حال خود میخوای که شوهر خواهرمه شوه... مگم مه زنده نباشم . دگه نمی خواهم که خواهرم زجر بکشد همی بچه خالییم از خود زن و اولاد داره ، مگم خواهرمه خوش کده و میگه ما اوره برش داده بودیم ، باش که قاضی صا حب چه میگوید ...

به طرف مرد مخاطب که تا هنوز سکوتش را حفظ نموده و یگان دوو دشتام راهم می شنود مگر مثل اینکه هیچ کلمه ای نشنیده باشد بروی خود نیاورده و خون سرد ایستاده است . به اونزدیک می شوم و می پرسم :

- شما حتما سخنان اینها را شنیده اید . چه نظر دارید ؟

میگوید . بنی شنیدم ، ای خواهر و برادر راست نمی گویند هر دو کنی که گپ های شانه باور نکنی هر چه گفتن راست نبود . چند وقت پیش خالیم همی دختره بمه داد چهل هزار افغانی طویانه خواست که قدری از آنرا نقد و چیز شه جنس (مثل قالین و گلیم و چیز های دیگر) برایشان دادم چند وقت هم همراهی شان بودم ، درست است که زن و اولاد دیگر هم دارم تصمیم داشتم دختر خاله خوده هم که نامزد شده بود طوی کده ببرم همی بود که برای کار ضروری و بانجام کارهای که داشتم به هلمند که جای اصلی ام است رفتم همی که پس آمدم وضعیت اینها بسیار تغییر کده بود که بعد از اینکه خوب به خود معلوم کردم که اینها از خیال خود و کرده خود پشیمان شدن و دختر را به من نمی دهند از خانه شان به کوه ...

بر میدارد من اشکی ویا آثار اشکی به چشمایش نمی بینم حتما گریه بی اشک بود !

مرد جوان که کمی دور تر بود حرفهای زن را بخوبی شنیده می توانست در حالیکه چهره اش حاکی از خستگی و ناراحتی زیاد بود و زهر خندی بر لب داشت هیچ گپ نمی زد فقط طرف زن نگاه میکرد .

مرد جوان دیگر که قد بلند ی داشت و کالای نوبه تن و لنگی به سرداشته خود را برادر زن جوان معرفی نموده سخنان خواهرش را با اشاره سر تایید نموده میگفت :

راس میگه ، راس میگه
موصوف به سخنانش چنین ادامه داد :



این خواهر و برادر میگفتند که آنمرد دروغ میگوید و قطعاً طویانه و یا چیز دیگر بها نداده و اصلاً مساله نامزدی و اینطور حرفها درست نیست.

مقصر از دو جهان نافر جام کیست؟

بی قید و بند بد هد ممکن عوا قب نا گوار
و خطرنا کی بیار آورد.

والدین یا بد بدانند که برای ورود ندر
اجتماع ، عرسن از خود اقتضای خاصی دارد
در ست نیست که آنها پسر و دختر نوجوان
خود را که هیچ نجر به و آمادگی قبلی

ندارند و ارد اجتماع بزرگتر ها میکنند و
انتظار هم دارند که گمراه و منحرف نشوند.
روا شناسی در بنیاده گفته است: پدران
و ما درانی که در جوانی با اندازه نوسان
و انسانان شان سوگسه مقبولی و باصفا د بگر
نداشته اند، همیشه در وحشت و ناراحتی این
پسر می برند که میباید دختر و با پسر
شان نیز دچار چنین وضعی بشوند
واز ترس آنها ننگد چنین چیزی پیش بیاید
فرزند خویش را تشویق میکند که هر چه
بیشتر از جوانی و شادابی جوانی استفاده
کند و هم این را برای خود تو عسی
افتخار میدانند که خواستگاران متعدد به
بست دروازه شان صف ببندند و جوانان
برای بدست آوردن دختر شان سرودست
هدد بگر را بشکندند .

روانشناسان و جامعه شناسان برای
آنده پدران و مادرانیکه دختران و پسران
جوان دارند بعد از تحقیقات و مطالعات
وسیع تو صیه ها یی نموده اند تا آنها با
بکار بردن این توصیه ها تا اندازه یی
مانع از دواجهای نافر جام
وقبل از وقت آنها گردند و به آنها اجازه
بدهند تا تحصیلات خود را تمام و با عقل
و فراست همسر آینده خود را انتخاب
کنند .

۱- از معاشرتهای بی قید و شرط ختران
جوان با پسران مخصوصا در سنین پانزده
جلو گیری نماید و ازین بیم نداشتن باشد
که دیگران شما را کینه فکر و قدیمی
بگویند بلکه آیند فرزندتان اهمیت
بیشتر دارد . وهم متوجه باشید که
دختران تان چگونه دوست و خواری خواننده
بی دارند بی بردن به شخصیت و طرز تربیت
دوست شان نیز مهم می باشد .

۲- دختر و پسر جوان باید بدانند
که اوقات بیکاری خود را چگونه سپری
نمایند و چطور به اجرای کارهای مثبت
اقدام نمایند .

۳- هرگز به فرزندان تان اجازه ندهید
که از بزرگترها تقلید بی جاوی موقع
کنند مخصوصا در قسمت حرف زدن ،
رفتار ، کردار و همه کارهای شان متوجه
باشید سن نوجوانی بسیار خطرناک
است کوچکترین لغفلت سبب لغزش و انحراف جگر
گوشه های تان می گردد که بشما نی
سوتی نخواهد داشت .

بقیه در صفحه ۵۰

از دواجهای قبل از موقع نه تنها برای
خاک لوده ها و طفلان با عت مشکلات می
گردد بلکه سبب بروز بعضی پرابلم ها
برای جامعه نیز می شود و سوالی که
پیش میاید اینست که این عجله برای
چیست ؟ عوا مل آن چه می باشد ؟
به عقیده روانشناسان و جامعه

شناسان عوا ملی که بعضی از پدران
و مادران را تلامذند به از دواج فرزندان
خود در سنین کوچکی می سازد برای
خودشان هم واضح نیست بسا دید هشده
که والدین نا خود آگاه و غیر معقول به
از دواج فرزندان خود در سنین پانزده
اقدام میورزند .

بعضی از والدین خودشان در ایام جوانی
کمبودهای داشته اند مثلا آنها نظر به
ایجاد بات و شرایط محیط و زمان ، سطح
وسویه زندگی شرایط خانوادگی در قسمت
معاشرت و برخورد با محیط اجتماعی تهیه
لباس و غیره محدودیت ها یی داشته اند که
میخواهند با جامعه عمل بوشانند و آرزو
های دیرین با لای فرزندان خویش محرومیت
های نوره جوانی خود را جبران کنند .

برخی هم با فراهم نمودن شروط نشاط
در اطراف خود میخواهند خاطرات جوانی
خود را زنده نگه دارند و برای اینکار سرگرمی
های برای پسر و یا دختر جوان خود فراهم
می سازند و فرزندان هر چه بخواهند
بدون کوچکترین ممانعتی میتوانند انجام
بدهند مثلا فرزندان آنها با خا طرسر
آسوده دوستان خود را در پارک های رقص
سگرت و حتی قمار دعوت می نمایند که
چنین وضع سبب لجام گسیختگی و انحراف
در جوانان گردیده و اکثری به عشق های
آتشین و ازدواجهای قبل از موقع منجر
میگردند .

در قسمت تهیه لباس نیز گاهی والدین
بی توجه میباشند مثلا برای دختران
شان لباس های انتخاب میکنند که
خیلی بالاتر از سن شان میباشد و یا
آنها را آزاد میگذرانند که هر چه خواستند
بپوشند و خود را بیارایند طبعی لباسهای
چلغ و نیمه برهنه و یا خیلی تنگ و آرایش
غلیظ در کوجه و بازار و مجالس و مهمانی ها
نظرها را بطرف خود جلب نموده و زمینه
خواستگاری و ازدواج برای دختران بوجود
می آید .

گرچه هم طرفدار این عقیده هستند که
معاشرت پسر و دختر از آوان کودکی سبب
میشود تا در بزرگسالی آنها
از همدیگر شرم و وحشت نکنند در حالیکه
جامعه شناسان مخالف این عقیده
بوده و مستقیما میگویند که : با زیبای
ساده کودکی ، درس خواندن پسر و دختر
در مکاتب به جای خود مگر در صورتیکه
عمین بازیهای کودکی تان سنین بالا تر
انامه بیاید و جایش را به معاشرتهای

نموده و برادرش هم در پهلو ی
خواهر خود قرار گرفت و گفتند .
عکس ما را تنها بگیرید .

بعد زن جوان رویش را به طرف
پسر خاله اش نموده گفت حالی تو هم
عکس بگیر .

گفتم با هم گپ دارین هنوز ؟
زن گفت: بلی خدازده بچه خاله
مه اس .

و درینوقت نوبت اینها می رسید
و به اتاق رئیس داخل می شوند .

من برای اینکه ما جرای اینها را
بدانم که بکجا اینجا میاید جریسان
اینها را که چندی قبل تهیه نموده
بودم بچاپ ندادم و مدتی بعد در باره
اینها از رئیس محکمه فامیلی
پرسیدم - در جواب گفت بعد از
همانروز تاکنون مرا جعه نکرده اند.
انشاء الله که بیک توافق مثبت
رسیده باشند .

سرای رفتن و یگرا ست به محکمه
فامیلی عریضه کدم که چرا چی گپ
شده و بول مه خواز او نامده و
دوباره ساکت شد .

زن جوان گفت : چشم دروغ گو
بترقه اینطور انسان بی چشم وزوی
ده عمرم ندیدم - مگم مار سرمه
خورده که تره بگیرم چه علاقه پس

بشو دارم ؟
پروگمشو ای فکر هاره ازسرت
دورگو .

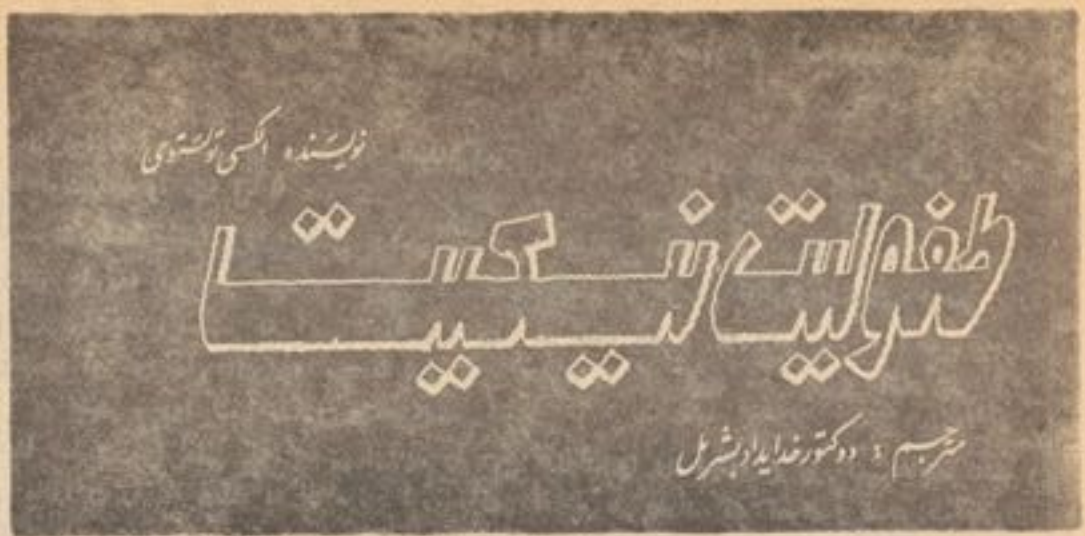
برادر زن گفت : ما هیچ از ی پول
نگرفته ایم خود ما روز کار خوب
داریم بلاتریدیم که خواهر خودمان
داده نتوانم - ضرور نیست که حتما

شوهر کنه صمی فعلا خوش اس و مه
خوشی خواهر خود می خواهم
حالی باشد ...

وقتی خواستم عکسی از آنها
بگیرم دختر چادری خود راجا بجا



این مرد ادعا میکرد که من چهل هزار افغانی چیزی نقد و چیزی جنس
طویانه داده ام .
شماره ۹



را حشرات آبی، کرم های حشره و بیه های
چوپه تشکیل میداد، در زیر قایق شنا می
کردند، عنکبوت هابر روی آب می دویدند،
زاغ ها از آشیانه های شان از فراز بیدها
بسوی شان میدیدند.
واذیلی نیکیتویچ طناب حلقه دار شخصی
دریا سالار را بریسمان بادبان کشتی بست،
بالای آن يك بته که برپا های غبی اش
بريك زمین سبز ایستاده بود رسم شده بود،
در حالیکه گسونه هایش را باغ نموده بود
به کشیدن ریسمان بادبان پرداخت، طناب
کوتاه حلقه دار بالای دیرک قرار گرفت و در
قلعش منتشر گردید، زاغها از آشیانه های
شان از بید هابرواز کردند، با اعلان خطر
فریاد نمودند.
نیکیتا برقایق سوار شد و جایش را در
مکان قایق انتخاب کرد، ارکانی چمچه
هارا گرفت، قایق در آب عمیق تر نشست،
بعد پلاشیده از ساحل دور گردید و بر سطح
آبینه وار حوضی که بیدها، سایه بان سبز،
پرنده ها و ابرهارا منعکس می نمود سبک
تر حرکت آمد، قایق بین زمین و آسمان
شنا می کرد، يك جمعیت بته بالای سر نیکیتا
جمع شد، آنها گردهم هجوم آورده و با قایق
راه می رفتند.
«سرعت نام به پیش، سرعت نام، واذیلی
از ساحل فریاد زد:
مامی نست هایش را حرکت داد و خندید،
ارکانی چمچه زد و از میان تر دار سبز و
کوتاه به مرغابی ها رسید، با فریاد و ترس
نیمه آب بازی می کردند و نیمه در پرواز
بودند.
«برکنشی سوارش کن، سالاریقه ها،
هورا! سواذیلی نیکیتویچ فریاد زد:
زیتوکین ...
زیتوکین بریک توده گیاه در آفتاب پس
کنج دالان و دیوار خانه نشسته بود، اونیکیتا
را با هر آبی که در دلتش بود می دید.
سر زیتوکین (يك نوع مرغی است) بر پشتش
آرمیده بود، منقارش با تریشه زرد مستقیماً
باین بره های ابوه و کونا هاش قرار داشت.
تمام بره های زیتوکین زولیده بود، با هایش
به بالا بزیر شکمش گش شده بود، وقتیکه
نیکیتا بسویش خمید او منقارش را باز کرد
ناجیه را برساند. نیکیتا او را بین نودستش
گرفت. او يك سار بود، هنوز رنگ خاکی
داشت. معلوم بود که می خواست از

آشیانه اش دورتر پرواز نماید، چو تکه بال
هایش هنوز مهارت کافی نه داشتند بر زمین
افتاده بود در کنج بالای برگهای کاسنی که
بر زمین هوار بود پناه گاه اختیار نموده بود.
قلب (زیتوکین) در نا امیدی سر به می زد
«قبل از اینکه نفس بر آرم» او تصور کرد
«اومرا خواهد خورد» - اوابته می دانست
که چطور کرم ها، مگس ها و کرم های
درخت را بخورد.
پسر او را بدهنش بالا کرد (مراد از پسر
همان نیکیتا می باشد) چشم های زیتوکین
بایک پرده پوشیده بود، قلبش در زیر پر
هایش پرید، اما نیکیتا تنها بر سر او پف
کرد و او را با خود بخانه برد، باین معنی که
او گرمته نبود و او زیتوکین را بعد تر
خواهد خورد.
زمانیکه الکراندرا لیرتینفا - سار - رسید
آن را مانند نیکیتا بالا کرد و بردست گرفته
بر کله اش پف کرد. «اوسیار خورد است،
بیچاره» او محبت «چنین منقار زد، زیتوکین»
آنها سارا را بر آستانه کلکین که بسوی
باغ باز شده بود و با پرده حمایت می شد
گذاشتند، داخل کلکین نیز از نصف بالا
با يك پرده پوش شده بود، زیتوکین
فورا چابلسانه فروتنی کرده تلاش کرد که
نشان دهد او حیات خود را از آن نخواهد
فروخت، در بیرون، آن طرف پرده سفید،
برگ ها در اهتزاز بودند، گنجشک های
حغیر دزدان و ردیل ها، دوتبه هادادوبی دادمی
کردند، طرف دیگر، همانطوریکه در غناب
برده، نیکیتا بطرف اومی دید و چشمانش
بزرگ بود، نفهمیدی و افسوسگر بودند ...
«من گم شده ام، من گم شده ام» زیتوکین
تصور کرد.
هنوز هم نیکیتا شام او را نخورد، نام
زیتوکین از کلمه روسی «زولتی» بمعنی
زرد گرفته شده زیتوکین بسوی کرم کور
سرخ که در جلو بینی اش مانند يك مار پیچ
و تاب می خورد از زیر چشم دید، «او را
نخواهم خورد، آن يك کرم حقیقی نیست،
این يك فریب است»
آفتاب غروب کرد او ا هنوز هم چشمان
خواب آلود زیتوکین، با آستانه کلکین متوجه
بود، و باینجه هایش محکم جسیده بود
چیز دیگر نبود که دیده شود، پرنده های

باغ خاموش شدند. يك رایحه شبانه از آن
رطوبت و گیاه احساس می گردید، سر روی
عمیق تر و عمیق تر در پرهایش فرو رفت.
با حواصن ناگهانی، زیتوکین به جلو و بعد
به عقب بالای دمش تکان خورده بر هایش
را از غضب درهم و برهم نموده دو باره بخواب
میرفت، اما گنجشک ها او را بید کردند،
آنها آشوب برپا می نمودند، پر شاخه های
درختان از غوغا با هم می جنگیدند. يك
سار هم با شترک هدهد در يك فاصله دور
با صدای خوش و شیرینش به سرودن آغاز
نمود. «تحملش را ندارم، آفتاب گرمته ام
که احساس ناخوشی میکنم. زیتوکین
تصور نموده و کرمی را دید که در میان درز
آستانه کلکین فرورفته، بالایش جست زده
و از دمش گرفته آنرا بیرون آورد و بلع نمود.
«بد نبود، يك کرم لذیذ» در خاطرش خطوط
کرد.
نور آفتاب به شعاع آبی تبدیل شد، پرنده
ها برودن پرداختند، يك شعاع روشن و
گرم نور آفتاب از لابلای برگهای درختان
بر زیتوکین افتاد. «خوب، هنوز هم زنده ایم»
در تصور زیتوکین آمد، به جست و خیز
شروع کرده مگس را قاید و بلع کرد.
در همین لحظه آواز قدم های کسی بگوش
رسید، نیکیتا به کلکین آمد و دست بزرگش
را به عقب برده دراز کرد، او انگشتانش را
کشود و مگس ها و کرم هارا که روی آستانه
کلکین بود منتشر نمود، زیتوکین از ترس
دوباره به کنج خود رفت، بالهایش را کشود،
«پس با اینکه او می تواند مرا نخورد،
پس او پرنده ها را نمی خورد، پس جای
ترس وجود ندارد»
زیتوکین بقدر کفایت خورد، پرهایش
را با منقار خود صاف نمود - با منقار آستانه
کلکین بجهت و خیز بر ناخ بیرون به
گنجشک هادید - گنجشک پیری بنظرش خورد
که پره های سرش زولیده بود - به آزاداندیش
شروع کرد سرش را با انقیاد پیش و پس
میکرد: «فیوت، چسک، فیوت» گنجشک
قهر شد - سینه اش را باز نمود و با منقار باز
بسوی زیتوکین پرواز نمود - نیکیتا دو باره
آمد، دستش را پشت پرده برد اما این بار
دستش خالی بود و آن را نزدیک پرنده برد
زیتوکین بالایش جست و يك انگشتش را
بانعام قوه اش نول زد - به عقب جست و آمانه
جنگ شد اما نیکیتا تنها دهنش را باز نمود
و فرید: «ها، ها، ها» روز به بین منوال گشت،
چیزی نبود که برسد، غذا باینکه کمی
یکنواخت بود باز هم خوب بود - زیتوکین
بمشکل برای غروب انتظار کشیده می توانست
و آن شب بسیار خوب خوابید. روز دیگر
بعد از ناشنا - او خواست از پشت پرده دورتر
بگریزد، او دورا دور تمام کلکین جست و
خیز زد اما يك درز کوچکی هم نیافت سپس
بطرفش پرید و به نوشیدن آغاز نمود -
منقارش را از آب بر کرد - سرش را به عقب

برد وقت کرد - از گلویش يك چیز منور
کوچک پائین رفت.
این يك روز دراز بود - نیکیتا کرم های
زیادی آورد و کلکین را با بره های فاز پاك نمود
بعداً گنجشک بايك زانچه جنگید و چنان
ضربه خورد که مانند يك سنگ از لای برگ
ها پائین بر زمین افتاد و در حالیکه همه پسر
هایش سیخ شده بود، به بالادید.
يك ذاع دیگر نیز بعلت نامعلومی مستقیماً
نزدیک کلکین پرید، چند آهنگ زمزمه
کرد، تندتر پرید، دمش را چنانچه و کدام
حرکت معنی داری از او سر نزد - يك سینه
سرخ برای وقت زیانی سرود و با شریلی راجع
به شعاع گرم آفتاب و در مورد خواص عمل
نغماتی سر داد - این کار زیتوکین را
غمگین ساخت، بجای که در گلویش غرغر
می کرد - او هم درخواست بسراید لیکن او در
کجا می تواند این کار را انجام دهد! نه
در کلکین، نه در يك قفس ...! دو باره
در آستانه کلکین سفرش را آغاز نمود و يك
حیوان ترسناک را دید: او بالای پاهای کوتاه
و نرمش می خزید - شکمش روی زمین کش
میرشد - سرش مدور بود، موهای پراکنده
اش شب به بیرون برآمده بود، چشمان سبز
داشت و حلقه های کوچکش از شرارت شیطانی
روشنایی می داد - زیتوکین بر زمین هوار شد
و تکانی هم نخورد.
واذیلی واذیلی و یج (پنک) بازمی جست،
به کنار آستانه کلکین خود را باینجه هایش
چسباند، از لای پرده بسوی زیتوکین دید
و دهانش را باز کرد ... اوه خدایا! نیش
های دراز تر از منقار زیتوکین ... در دهن
بود ...! پشک باینجه اش مجادله نمود و گاز
را پاره ساخت ... قلب زیتوکین فرو رفت،
بال هایش پائین آویزان گردید. در همین
وقت: نیکیتا پیدا شد و پشک را از پوست لرم
گردنش گرفت و بطرف دروازه پرتاب کرد
واذیلی با غضب نالید، در حالیکه دمش را
بود که در آب غرق نمی شد - او با احتیاط
پائین گرفته بود، رو بفرار نهاد. زیتوکین
بعد از این تصادف تصور می کرد، «هیچ
حیوانی قوی تر از نیکیتا وجود ندارد»
وقتیکه نیکیتا دوباره آمد او گذاشت قابر
سرش دست بزند باینکه از ترس برهنش
عقب نشست. باین شکل این روز پایان یافت.
صبح دیگر زیتوکین که بسیار خوش بود
در حدود قلعه خود برای تفتیش به سفر
رفت و ناگهان سوراخی که گریه در پرده
ایجاد کرده بود بنظرش خورد - زیتوکین
سرش را از سوراخ بیرون کشید، اطرافش
را دید، بیرون شد، بچریان هوای ملایم
فقط روی زمین خاله می پرید ... وقتیکه
بلدوازه رسید باطاق دیگر که چهار نفر دور
يك میز مدور نشسته بودند پرواز کرد آنها
در حال خوردن بودند و پارچه های کلان غذا
را گرفته در دهن شان گذاشتند، هر چار
آن سر های شان را دور دادند و بدون حرکت
زیتوکین را تعاننا می کردند. او می دانست
که باید در هوا توقف کوتاه نموده بر گردش
اما او این نور مشکل را در پرواز نمی توانست
انجام دهد - بايك بالانس زد و بر میز پس

طرف مریا و کاسه قند نشست - بعد آید که نیکیتا در مقابلش نشست - بدون تأخیر بطرف مریا پرید ، از آنجا به شانه نیکیتا و همانجا با پرهای نامرب و چشمان نیمه باز نشست . او بر شانه نیکیتا مدتی نشست سپس زیر سقف پرواز نموده مگس را گرفت ، بردستگاه رابری که در کنج گذاشته شده بود فرود آمد ، دور شمع دان چند شاخه چرخ زده ، احساس گرمگی کرده و دو باره به کلکتیش پرواز کرد که در آنجا گرم های تازه انتظار او را داشتند .

طرف شام - نیکیتا مدل یک خانه چوبی کوچکی را که یک دالان و یک دروازه و دو کلکتین داشت با خود آورد و بر کلکتین گذاشت . زیلنوکین از آن خوشش آمد - درونش تارک بود - او بداخل آن پرید - دوسه بار دور خورد و بعد بخواب رفت . در همان شب واز بلی یعنی آن گربه نسبت به جرمی که کرده بود در یک ذخیره خانه (نحویلخانه) محبوس شده بود ، با خشونت میومی می کرد و حتی نمی خواست موش بگیرد . او فقط نزدیک درنشته بود و آنتندر با عجز میومی می گفت که حتی خودش هم احساس نا راحتی می کرد . حالا خانه عضویت سوم قلمرو حیوانات را هم پیدا نمود - بر علاوه خار پشت و پشاک - زیلنوکین نیز جا گرفته بود . او بسیار خود مختار ، ذکی و با تدبیر بنظر می رسید - او علاوه داشت با شخصیتی که حرف می زدند گوش دهد و وقتیکه آنها نزد میز می نشستند او گوش می داد ، سرش را به یکطرف کج می ساخت و به شکل یکنواخت چهچه می زد ، «زاشا !» می خمید . - الکزاندرالیوتینسنا تصور می کرد او برای وی خیم می شد . او هنگامیکه زیلنوکین را می دید او برایش می گفت : «سلام ، سلام ، پرندگم که کو چک! پر از حیات و سرور ... زیلنوکین فوراً بجای معین خود روی لباسش می پرید و در هوای آزاد با او می رفت . بهمین ترتیب او تا خزان زمست - کلان شد - پروبال سیاه و بزرگ پیدا کرد - روسی را خوب یاد گرفت و تمام روز در باغ بسر می برد ، همیشه بخانه کوچکی که در تاریکی بر آستانه کلکتین گذاشته بود مراجعت می کرد .

در ماه اگست - مینا های وحشی او را اغوا نموده در قطار خود در آوردند و پریدن لازم را برایش آموختند ، وقتیکه او باغ رازک می کند او با طلوع روز روی دریا بسوی افریقا در راهرو پرندگها پرواز می نماید .

کلیو پک
فعالیت های بهاری در کنت زار ها به پایان رسید ، باغچه های پر زده شده و آبیاری شدند و دیگر چیزی باقی نمانده بود تا اجرا شود مگر فرا رسیدن روز سنت ایتر که وقت درو است - گله های یابو های پارکنس به چرا گاه های آنطرف تالاب که گیاه های خوش مزه داشت برده شدند ، صیغکاهان بخار آبی رنگ به کنت زار ها بنظر می خورد و درختان سیاه و بزرگ کاج که هر کدام از یکدیگر دور تر قرار داشتند ، طوری معلوم

می شد که از اثر هوای شفاف نو کرده و بالای زمین معلق اند .
ملیشکا گوریا برای واریسی از اسب ها با گله ماند - در حالیکه پاهای پرهنه اش بر رکاب و آرنج هایش در هوا حرکت می نمود بربک زین قزاقی سوار بود . با متداد کنت زار های سبز از پشت یک مادیان جوان که از گله دور شده بود چارنعل نموده و همچینش را مانند فیر تنگچه به صدای می آورد و او را فریاد می زد تا بر گردد - بعداً از اسب سرکنس که فوراً با پرسه و آواز به کندن گیاه شروع می کرد فرود می آمد و بر یک تپه کوچک خاکریز کنار نهر و جوب های تراش شده می نشست و با اینکه پاچه های پتلونش را بر زده داخل تالاب می شد و ریشه ها و پیاز های نی ها را از آب گرم تالاب بیرون می کشید . ریشه های نی مانند مار سیاه و دراز بودند - پیاز طعم ترش اما رینه ها طعم شیرین و معطر داشتند لیکن زیاد خوردن آن معده را بدرد می آورد - نیکیتا تمام روزش را با ملیشکا در کنت زار آنسوی تالاب گذراند و اسب سواری را آموخت . بالاشدن بر زمین مشکل نبود . اسب پیر خاکستری که مگس ها او را می گزید با آرامی می ایستاد و اتفاقاً برای راندن مگس های خود - برای عقبی اش را نزدیک شکمش می برد - اما وقتیکه بر اسب سوار می شد جلو را بدست می گرفت و اسب را می راند - نیکیتا گاهی به یکسو و گاهی بسوی دیگر می لغزید - زمانیکه اسب خاکی در حدود سی قدم برمی داشت تا گمان توقف نموده بخوردن گیاه شروع میکرد - نیکیتا از قاشق زین با تمام نیرویش محکم می گرفت و گاهی نیز بالای گردن اسب می لغزید و پاهایش را بر پاهای مادیان تکیه می داد . اسب به همه این ها باری تفاوتی کامل عکس العمل نشان می داد . ملیشکا گفت :

«زمین افتادن درد نمی کند ، ترس ، تنها اینقدر که گردنت را کنت نموده و سعی کن که زمین را بدست هایت بگیری ، خود را مانند توب بطرف بالا پرتاب کن - نشانت خواهد داد که چطور بدون زین و جلو بر اسب بالا شده ببری»

ملیشکا بطرف یک گروپ اسب های سه ساله که گاهی برای سواری از آنها استفاده نموده بود دوید و در حالیکه دست هایش را بسوی شان دراز کرده بود صدا می زد : «فید ، فید ، ... درین انا سننار - یسک مادیان خاکی خالدار که پاهای باریک ، گوش های هموار و لب های بخملی داشت با مید آذوقه بسویش آمد سننار کله زیبایش را بطرف نیکیتا پرتاب نمود و برای اینکه ملیشکا را از خود خشنود کرده باشد شانه هایش را با دندان خود خارید - ملیشکا دستش را بر پشت اطلسی اش کشیده او را نوازش نمود - سننار با اخطار به عقب گام گذاشت - از

شانه اش گرفته بر پشتش جست ، سننار با حیوانی غضب بیک سو خیز زد ، سرش تکان داد و بقوت پرید ، بعد به عقب رفت و به دوش با یک چارنعل نیز از گله گذشت . ملیشکا خود را بر پشت آن چسبانده بود - ناگهان مادیان بر روی پاهایش توقف کرد و سپس به عقب رفت - ملیشکا مانند توب بر گیاه افتاد در حالیکه خون راز خراشیدگی رویش پاک می نمود بجانب نیکیتا ننگان ننگان می رفت .

«مستقیماً به شاخچه ها رفتم که از تند وزیدن آنها مادیان مرا بزمین انداخت ، او گفت ، اما چون تو بسیار چاق هستی این کار را نمی توانی انجام دهی .»
نیکیتا با خود گفت «گردم را خواهم شکست ، اما اسب سواری را بهتر از ملیشکا یادخواهم گرفت .» او راجع به سننار بالای میز نان صحبت کرد که مامی را در تشویش زیاد انداخت .

«گوش کن ،» او گفت ، «برایت گفتم که حتی نزدیک اسب هائیکه بسواری عادت ندارند نرو ،» و با التماس بسوی وازبلی نیکیتویچ دید .
«وازیلا ، حداقل از من پشتیبانی کن ... او دست و پایش را خواهد شکست»
«خیلی عالی ،» وازبلی نیکیتویچ جواب داد . «وقتیکه اینقدر باو علاقه داری از سواریش وگرفش او را منع کن زیرا او خواهد افتاد و بینی اش را خواهد شکست - او را نزدیک مرتبان انداخته در قح به پیچان و به یکموزیم بفرست .» همین را توقع داشتیم ،» مامی گفت ، «می دانم درین تابستان یک لحظه آرام نخواهم داشت ...»

«زاشا! تو باید متوجه شوی که بچه ده ساله شده است ...»
«لطفاً ، مرا ببخش ، من نمیخواهم او یک آدم نازدانه بلر آید ...»
«کاملاً درست ، اما این باین معنی نیست که او را فوراً تحفه کلیو پک سازی ...»
«اولتر از همه ، یک صغیر هم می توانست سوار کلیو پک شود»
«اولنل شده است ...»

«من دستور داده ام که نعل نشود ...»
«درینصورت هرچه میخواهی بکن ، بر اسب های وحشی سوار شو ، گردنت را بشکنان ، چشمان مامی از اشک پر شده از کنار میز فوراً برخاست و باطاق خواب رفت .

وازیلی نیکیتویچ بسرعت ریش خود را بدو بخش نوازش داد ، دستمال کاغذی اش را انداخت و عقب مامی رفت ، ارکادی که تمام وقت در همانجا نشسته بود طوری که گویی مباحثات با او کاری نداشت ، به نیکیتا دید ، عینک هایش را مرتب نموده به نجوا گفت :

«حالت خوب نیست ، برادر ،»
«ارکادی ایوانوویچ ، مامی را بگو من نخواهم افتاد ، قسم می خورم ، نخواهم ...»

«شکیبایی ، تحمل و ثبات شخصیت ،»
ارکادی ایوانوویچ بازرنگی یک مگس را که مکرراً میخواست بر بینی اش بنشیند گرفت ، سه صفتی است که اگر می خواهی سوار کار خوب باشی برایت ضروری است ،» در عین زمان با صدای بلندی که در اطاق خواب مشغول گفتگو بود به آواز بلند گفته شد «درین سن بچه ها کاملاً آزا دانند ،» در کجا آزاداند ؟» مامی با یاس گفت : «در امریکا آنها آزاداند ،» حقیقت ندارد ،» من میگویم که در امریکا بچه ها آتقدر آزاداند که ما و شما هستیم ، خدایا ، اما - اما در امریکا نیستیم ...»

صحبت بر سر آزاده یک هفته طول کشید . مامی تسلیم شده بود و با غمگینی بسوی نیکیتا می دید ، گویی که یقین داشت نیکیتا برای نجاتش ترتیب اثری خواهد داد . در جریان هفته نیکیتا متداوماً در میدان کنار بزرگ ، در قسمت بالائی در جائیکه دوشنبه تالاب درس های سوار کاری را فرا میگرفت ، ملیشکا او را تعجب نموده و چال تند سوار شدن را برایش نشان داد ، بانویدن ، جستن و بر نهایت عقبی پشت اسب نشستن را ، مانند چنک بازی .

«او ترا انداخته نمی تواند - در همین وقت این کار را کرده نمیتواند ، وقتیکه میخواهد تریابین اندازد بر کفل آن سوار شده می باشی ...»

بعد از مدتی در ختم ناشنا در بالاخانه در جائیکه ثبات هندی (مانند عشقه بیجان) بر تار بالامی شد و سایه اش بر روی میز ، پیاله و روی آنها افتاده بود ، مامی ، نیکیتا را نزش خواست او را پیش رویش ایستاده نموده با آواز پر از قهر گفت : «تو میدانی که ده ساله شدی ، تو باید آزاد باشی ، درس تو بچه های دیگر کاملاً ، کاملاً ، صدایش لرزید و با ترش رویی بجانب پدر تگسریست . «مختصر اینکه پدر راست میگوید تو دیگر یک طفل نیستی .» وازبلی نیکیتویچ چشمانش را پایین و بر کنار میز به طبل زدن پرداخت . «فردا ، مایه کیمبولاتووا می رویم و تو میتوانی بر کلیو پک سوار شوی ... تنها پرسیدم ، مامی ، قسم می خورم هیچ چیزی بمن رخ نخواهد داد ،» و نیکیتا چشمانش ، رخسارهایش زنج و دستهایش را که بوی انگور را می داد بوسید ، روز دیگران شام را وقت تر خوردند وازبلی نیکیتویچ به نیکیتا گفت تازین را بردارد ، یک زین انگلیسی خاکی که از پوست بزکوهی ساخته شده بود و در عیند مسیح برایش تحفه داده شده بود ، و در وقت رفتن به اسب خانه ها برایش گفت :

«تو باید مهربی اسب ، زین کردن و مالیدن او را بعد از سوار کاری یا د بگیری . از اسب باید مراقبت لازم صورت گیری ، او باید پاک شود ، اگر چنین شود ، تو یک سوارکار خوب خواهی بود ...»

خوشبختی خانواده به چه عواملی ارتباط دارد؟



پیوست گذشته

هیله

از تاریخ باید آموخت

جوانان رزمندگی وطن!

بنظر نگارنده تاریخ سرزمین المانوی و باستانی هند هرچه بیشتر، میسوا تر و وسیع تر تشریح شود و از زاویه های جداگانه بررسی و تحلیل شود به همان اندازه مفید و آموزنده است زیرا این رویداد های تاریخی در پهلوی آنکه چگونگی مبارزات مردم شریف هند را با استعمار انگلیس نشان میدهد چهره واقعی استعمار، ارتجاع و امپریالیزم را هم می نمایاند و به ما و بخصوص جوانان می آموزاند که استعمار چون هیولای خطرناک و سفک هندی جامعه ی را که بر آن مستولی شود برباک می دهد و در ظلم و استبداد و استعمار هیچ رحم و مروت و قناعت از خود نشان نمیدهد، برای آموزش خویش گفتمان بالا و مستند شدن کلام بخشی از نوشته ی «ویل تورانت» فیلسوف و نویسنده ی امریکایی را در اینجا نقل می کنیم: «وی در کتاب معروف خود بنام اختناق هندوستان» می نویسد:

تا سال ۱۹۰۷ بودجه ی تمام معساکر هندوستان که تحت اداره ی انگلیس بود دو میلیون دالر بودجه نظامی آن برعکس چهل و سه میلیون دالر بود ولی باید دانست که مقصد انگلیسی دهند، معارف ابتدایی نه بلکه نویل مدارس عالی بود که بتواند هندی را انگلیسی بسازد... مالیات روز افزون انگلیسی نیم عایدات دهقان هندی را به اسم و رسم گوناگون از دستش می گرفت و مردم را مجنون و وحشی می ساخت. با وجود آن انگلیس جدا می کوشید، هندوستان را یک کشور زراعتی بسازد نه صنعتی زیرا خود انگلستان صنعتی بود و باید محصول صنایع آن در هند مصرف می شد. واردات انگلیس در هند از پرداخت مالیه کاملاً معاف بود، در حالیکه صادرات هند باید مالیه ی گزالی می پرداخت. در فابریکه های هند انگلیسی دو میلیون هندی (بشمول اطفال و زنان) در هفته ی ۵۶ ساعت کار می کردند، زنان کارگر اطفال خود

و با خوردن تریاک می خوابانند تا خودشان بتوانند در فابریکه بیشتر کار کنند. مشروبات عمدا از طرف انگلیس در هند ترویج می گردید و تریاک از طرف خود انگلیس ها در هند کشت می شد و فروش می رسید و از درك فروش تریاک يك نهم بخش عایدات دولت استعماری بدست می آمد.

زعمای هند لوایحی را جهت منع کشت و استعمال تریاک ارائه می کردند ولی از طرف انگلیسها پشت رد می شد. انگلیس به حیل و توطئه های گوناگون مبارزین آزادیخواه هندوستان را به تریاک معتاد می ساختند. در هند رسماً هفتصد دکان تریاک فروشی مفتوح بود و در برما مردم را جبراً و مجاباً تریاک می ساختند.

آری استعمار و آنهم استعمار امپریالیزم چون حیوان درنده خوی و دروغین حال و پویه محیل هر آنچه ملت و مردم تحت استعمار را ترسو، تنبل و بدبخت می ساخت بر آنها تحمیل می نمود. جوانان مادر پهلوی آنکه از رویداد های زمان تسلط انگلیس بر هند به ماهیت اصلی استعمار خویش پی میبرند يك حقیقت دیگر را نیز می بینند و آن اینکه اگر انگلیسها در زمان استعمارگری خود برهند و سایر نقاط جهان مخدرات از جمله تریاک و جرس و غیره را ترویج می کردند و با زور و حیل مردم و بخصوص مردم آگاه، وطن پرست و مبارز را به آنها معتاد می ساختند اینک حالا خود دولت های ممالک امپریالیستی چیزی را که کشت کرده بودند فرو می کنند. و بگفته ی سخنور نامدار شیراز یعنی شمس الدین محمد حافظ شیرازی که چه خوش گفته است: / مزرع سبز فلک دیدم و داس مهی نو / یادم از کشته ی خویش آمد و هنگام دو / هر که در مزرع دل تخم وفا سبز نکرد / زرد رویی کند از کشته اش هنگام دو / و یاسخن بر مضمون پیر خرد مند عبدالرحیم / بابا که گفته است:

ادامه دارد.

دست یافتن بیک زندگی دلخواه و ایده آل آرزوی هر خانواده و بخصوص آرزوی هر زن و شوهر است. زیرا حیات خانوادگی اگر توأم با خوشی و سعادت نباشد از بدترین و جانگداز ترین لحظات زندگی انسان بشمار خواهد رفت و به یقین هیچ خانواده و هیچ زن و شوهری را سراغ نداریم که نخواهند زندگی شان دلخواه و دوستداشتنی باشد ولی گاهی اتفاق افتاده که این روابط شیرین و سعادت بار خانواده را بعضاً مسایلی بظاهر بسیار کوچک و پیش پا افتاده کمزور و تاریک میسازد.

برای اینکه از اینگونه مسایل جلوگیری بعمل آید چه باید کرد؟

این سوال را بهتر است از زن و شوهریکه در طول زندگی خانوادگی شان کمترین ناراحتی داشته و همیشه خوشبخت و سعادتمند زندگی کرده اند پرسید.

زن میگوید: به عقیده من بهترین راز خوشبختی يك خانواده موجودیت يك یا دو کودک در خانواده است. زیرا وجود کودک نشاطی را برای خانواده می آورد که قابل تخمین نیست. بپر حال باید هر زن و شوهر که خواهان زندگی سعادتمند خانوادگی می باشند باید بیشتر از يك تا دو کودک بیاورند.

این امر دو مزیت دارد: اول اینکه پدر و مادر میتواند از تربیت سالم کودک بدرستی بدر شود. دوم اینکه مادر با داشتن يك یا دو کودک

بعضی از خانواده ها و بخصوص بعضی از پدر ها و مادران برای اینکه پسری داشته باشند اولاد های زیادی را بدنی می آورند، که این امر بعد ها باعث ناراحتی و مشکلات فراوان برای خانواده میگردد. همانطوریکه قبلاً تذکر دادم داشتن يك یا دو کودک برخاسته از حلاوت و شیرینی و گرمی می بخشد و بیشتر از پیش خانواده را سعادتمند میسازد اما همیشه تعداد کودکان در خانواده زیاد شد، چون پرورش و تربیت آن مشکل است این وضع باعث يك سلسله ناراحتی های برای پدر و مادر میگردد که محیط و فضای خانواده را بیشتر

تحت تاثیر خویش قرار میدهد. هر پدر و مادر که به سعادت خانواده شان علاقمند اند و به آینده کودکان شان توجه دارند باید این موضوع را بخاطر داشته باشند که تربیت و پرورش کودک در شرایط امروزی کاری سهل و ساده نیست، بدین مناسبت باید هر پدر و مادر توجه نماید که داشتن کودکان متعدد و بدون تم قدر و علاوة اینسکه تربیت و پرورش سالم انسان مشکل است ممکن است این امر باعث ناراحتی های زیاد خانوادگی گردد.

شوهر در این مورد میگوید: من حرفهای همسر را قبول دارم و در ضمن علاوه میکنم که تنها وجود کودک نیست که خانواده را خوشبخت میسازد، شاید باشند



به امور منزل و اداری کرده میتواند زیرا تنها مسایل تربیت کودک نیست که خانواده را خوشبخت می سازد، بلکه ده ها مساله دیگر است که همسریك آن به نوبه خود در امر خوشبختی خانواده نقش مهم و ارزنده دارد.

يك موضوع را نباید از نظر دور داشت که

خانواده هاییکه اصلاً صاحب کودک نباشند اما در زندگی و حیات خانوادگی شان خوشبخت اند.

پس من چنین عقیده دارم که یگانه مساله خوشبختی بین خانواده و مخصوصاً میان زن و شوهر دوستی و رفاقت بین آنهاست. وقتی زن و شوهر از همدیگر شان شناخت داشته

آیا بخاطر فرار از تنهایی باید به خواب و خیال پناه برد؟

مبارزه نماید و در لابلای این مسایل راه حقیقی و لازمی زندگی را جستجو نماید . جوانی که عنان احساسات خود را خود بدست ندارد ، در زندگی موفق است و در آینده هم موفق خواهد بود . زیرا استقامت در مقابل مشکلات زندگی جوان را وا میدارد تا در آینده نیز این استقامت را داشته باشد اما برعکس آن عده جوانانیکه اختیار اراده خود را بدست ندارند همینکه کوچکترین عملی به او وارد شد خود را در مقابل آن عمل زبون

آبانه غفیده شما بخاطر فرار از تنهایی توسل به خواب و خیال کار معقول و درستی است ؟ درست است که دوره جوانی دوره مخصوص و خیلی احساس زندگی است ، در این دوره است که احساسات مختلف بر او هجوم می آورد و وی را در خود می پیچد . اما بانام این هاراه حقیقی راهیکه میتواند جوان را به سر منزل مقصود و به آرزوهایش برساند قبول کردن حقایق زندگی است با وجود اینکه این



مقاومت را از دست میدهد و این امر باعث میشود که گوشه گیری و انزوا را اختیار کند و خود را به خواب و خیال بسپارد این عمل باعث میشود که جوان از راه حقیقی که استقامت در برابر مشکلات است دور شود و ای بسا که ادامه این وضع او را به ورطه سقوط بکشاند و بیشتر این سقوط و کشیدن هاسوی نابودی بخاطر عشق یا شکست در عشق بوجود می آید در حالیکه جوانان نباید چنین باشند .

امروز در روشنی حقایق زندگی جوان ما باید خوب و بد زندگی را بهتر و خویشتن تشخیص نماید زیرا همین تشخیص است که آینده او را میسازد پس پناه بردن بخواب و خیال علاوه از اینکه هیچ دردی را نوا نمیکند بر عکس او را عاقل و باطل بار آورده از او موجود میسازد که نه بدرد خودش می خورد و نه بدرد اجتماع .

و اگر این وضع دوام یابد او را به نابودی و بی چارگی میکشاند .

بنابراین حقیقت جوانان ما باید این موضوع را درک نمایند که وطن و اجتماع بیشتر از هر چیز دیگر به جوانان معقول صاحب عزم و اراده و توانا ضرورت دارد و وقتی این مأمول برآورده میشود که جوانان ما بیشتر به مسایلی فکر کنند که خیر ملت و مملکت در آن باشد تا موضوعات خصوصی و غیره ...

حقایق برایش شوار باشد . اما پناه بردن به انزوا و خود را در خواب و خیال قرار دادن کاری درست و معقول نیست . زیرا شرایط امروز با گذشته تفاوت کلی پیدا نموده و امروز جوانان مارسلت مهم وارزنده بدوش دارند که با خواب و خیال نمیشود این رسالت را به پایان رسانید و انجام داد .

قرار احصایه های بدست آمده بیشتر دختران به انزوا طلبی و پناه بردن به خیال علاقه دارند تا ایران . شکست در عشق یکی از عللی است که دختران را بیشتر وامیدارد تا گوشه گیری اختیار نمایند و به خیال و خواب پناه ببرند ولی حقیقت اینست که نباید جوانان ما در این مراحل حساس زندگی بیشتر به موضوعات عشقی فکر کنند . زیرا در این مرحله کمتر میتوان به مفهوم حقیقی عشق پی برد و بیشتر عشق های که در این دوران بوجود می آید سطحی و زود گذر است البته نباید این حرف را صد در صد نایید و تصدیق کرد ، زیرا در همین دوران است که عشق های واقعا حقیقی و محکم نیز بوجود می آید اما بصورت کل در این سن و سال کمتر انسان موفق میشود که عشق حقیقی و راستین را از هوس های زود گذر تشخیص دهد .

بنابر آن جوان امروزی ما این صبر و حوصله و استقامت را داشته باشد تا با این مسایل

است در کار های خانه سهم نگیرد . دیگر زمان مرد سالاری سپری شده امروز زن و مرد هر دو در تمام مسایل زندگی دوش بدوش هم کار میکنند و عرق میریزند پس آن شوهرانیکه با عقاید گذشته که مرد نباید به امور منزل دست بزند و این تنها وظیفه زن است که در منزل کار کند بداند که اگر واقعا می خواهند خوشبخت باشند زندگی خانوادگی شان سرشار از لطف و صمیمیت و یکرنگی باشد باید در امور منزل با همسر شان کمک کنند و هرگز اینطور فکر نکنند که چون مرد در خارج از خانه مصروفیت های دارد پس نباید در کار های خانه با همسرش کمک کند . چه دیده شده که زنهای مانند مرثان مصروفیت های اداری دارند و مانند آنان کار میکنند ، زحمت میکنند و عرق میریزند ، بناء زن هم از خود خستگی دارد و انرژی صرف میکند پس باندک این حقایق است که مرد نباید یکجانبه قضاوت کند و کوشش نماید که زن را در امور منزل یاری دهد و همین مسایل کوچک است که تضمین کننده خوشبختی خانواده محسوب میگردند .

عبدالخلیل رومان

جوانان و نقش آنها در جامعه

و عصریکه انسان توانسته است طبیعت را به نفع خویش بکار بیاورد ، زندگی دیگر برای جوانان ماجای گموشه گیری و انزوا باقی نمانده است . باید بایک تکان از خواب گران بیدار شد و همراه با آهنگ گسا روان عصر خویش به پیش تافت . باید بطوراعظمی از نیرو و قدرت خویش استفاده نموده و در راه آبادی وطن و جامعه خویش گام بگام با سایر وطنپرستان کشور عزیز ما افغانستان - افغانستانیکه قصاد بنا بر مداخلات امپریالیزم و ارتجاع عقب نگه داشته شده بود ، به پیش رفت .

جوانان ارجمند

بباید یکجا و باهم متحد و فشرده مشت های کوبنده ای بدهن ارتجاع و امپریالیزم بگویم و نگذاریم باز ارتجاع و عناصر ضد ترقی سد راه ما گردند ما دیگر بروی زندگی شرافتمندانه بیکار می ناییم ، حاضریم تا در مقابل دشمنان وطن و خاک ، دشمنان آزادی و شرف ، دشمنان ترقی و عدالت اجتماعی جان خویش و اقربان ناییم . طوریکه هزاران شهید قهرمان در این راه دلیرانه و سربازانه به پیش رفته اند و راه فروزان ما را با ریختن خون سرخ خود رنگین نموده اند ، ما نیز در تعقیب راه این دلیران و شهیدان سهل انگاری نمانیم و بیرقی عدالت اجتماعی - برابری رشادات را تا آخرین لحظات زندگی با اهتزاز و سر بلند نگه داریم .

راه صادقانه ما راه هزاران انسان شریف و وطنپرست ، راه دلیران و آزاد گمان است . راهیکه هرگز دلیران و راهبان این کاروان ترقی و عدالت خستگی احساس نموده اند و تا سر حد مرگ از آن غنول نموده اند . با ابراز وفاداری به این راه روح شهیدان خویش اطمینان بخشیم و بیک آواز بگوئیم که: هر قیق شهید ! من راه ترا تا آخرین لحظه حیات تعقیب خواهم گردم .

باشند این امر بین آنها علاوه از ارتباط زن و شوهری نوع دوستی و رفاقت را بوجود می آورد که در امر خوشبختی خانواده رول بسزایی دارد . شکی نیست که بسیاری از جوانان امروزی ما که تشکیل خانواده را میدهند بدین نکته ملتفت اند که دوستی و رفاقت و هم نظری و توافق های روحی عوامل مهم خوشبختی در خانواده محسوب میگردند .

زمانیکه بین زن و شوهر علاوه از روابط زن و شوهری رابطه رفاقت وجود داشته باشد بسیاری از مسایل و برابری های زندگی کسه خواه ناخواه هر خانواده به آن سردچار می گردند بدون کدام مشکلی حل میگردد .

اشتراک مساعی در امور منزل یکی از مسایل بسیار مهم در امر خوشبختی خانواده محسوب میگردد . وقتیکه زن و شوهر بین شان صمیمیت و رفاقت موجود باشد کارهای منزل را با اشتراک هم پیش می برند و این امر بیشتر بر دوام و استحکام خانواده می افزاید امروز که ایجابات عصر و زمان حقوق زنان را با مرثان مساوی ساخته است پس مرد نباید فکر کند برای اینکه مرد بر همگان معلوم است که جامعه دارای یک سلسله قوانین میباشد که ناگزیر طبق آن باید تکامل نماید . برای ساختن یک جامعه امر ضروری است که باید پدیده های کهنه جای خویش را به پدیده های نو بگذارد . یا بعباره دیگر سر انجام پدیده زوال یابنده پایه سر آغاز پدیده های رشد یابنده باشد ، از نیرو برای ساختن جامعه نیروی خروشان که بطور جدی آن را باید در نظر گرفت همانا نیروی جوان میباشد . این نیروی محرکه در جامعه و زندگی اجتماعی رول بسزایی را دارا میباشد که باید طوری سازماندهی شود که بتواند برای هر نوع فداکاری خدمت و از خود گذری آمادگی جسمی و معنوی داشته باشد . از آنجاییکه جوانان سازندگان جامعه خویش میباشد و فردای کشور به جوانان امروز تعلق میگردد و جوانان چرخانندگان چرخهای آینده کشور خویش میباشد ، بیشتر جوانان طرف توجه قرار میگیرد باید طور آگاهانه و فداکارانه از آوان جوانی قسمی خود را در پرورش نهمیم تا از قضاوت نسل های آینده سرفرا زبند آیم و هر عملی را که انجام میدهم سطحی نگرییم و در کار های خویش نظر انتقادی داشته باشیم . جوان امروز دیگر بیشتر از دیروز باید آگاه ، با شهادت متین و متواضع باشد تا از یک طرف برای وضع نظریات و اندیشه های خرافاتی و غیر معقول مبارزه نماید و از جانب دیگر قوانین جدید و میرم حیاتی را کشف نموده بکار اندازد . دیگر جوانان با تمام آزادی میتوانند در همه مسایل اجتماعی اعم از سیاسی ، فرهنگی ، اقتصادی و کلتوری ابراز نظر نمایند و نقش فعال در تمام عرصه های زندگی داشته باشند . قوانین رشد یابنده را پی ریزی نموده و برای رفع عقب ماندگی جامعه خویش فعالانه سهم میگیرند .

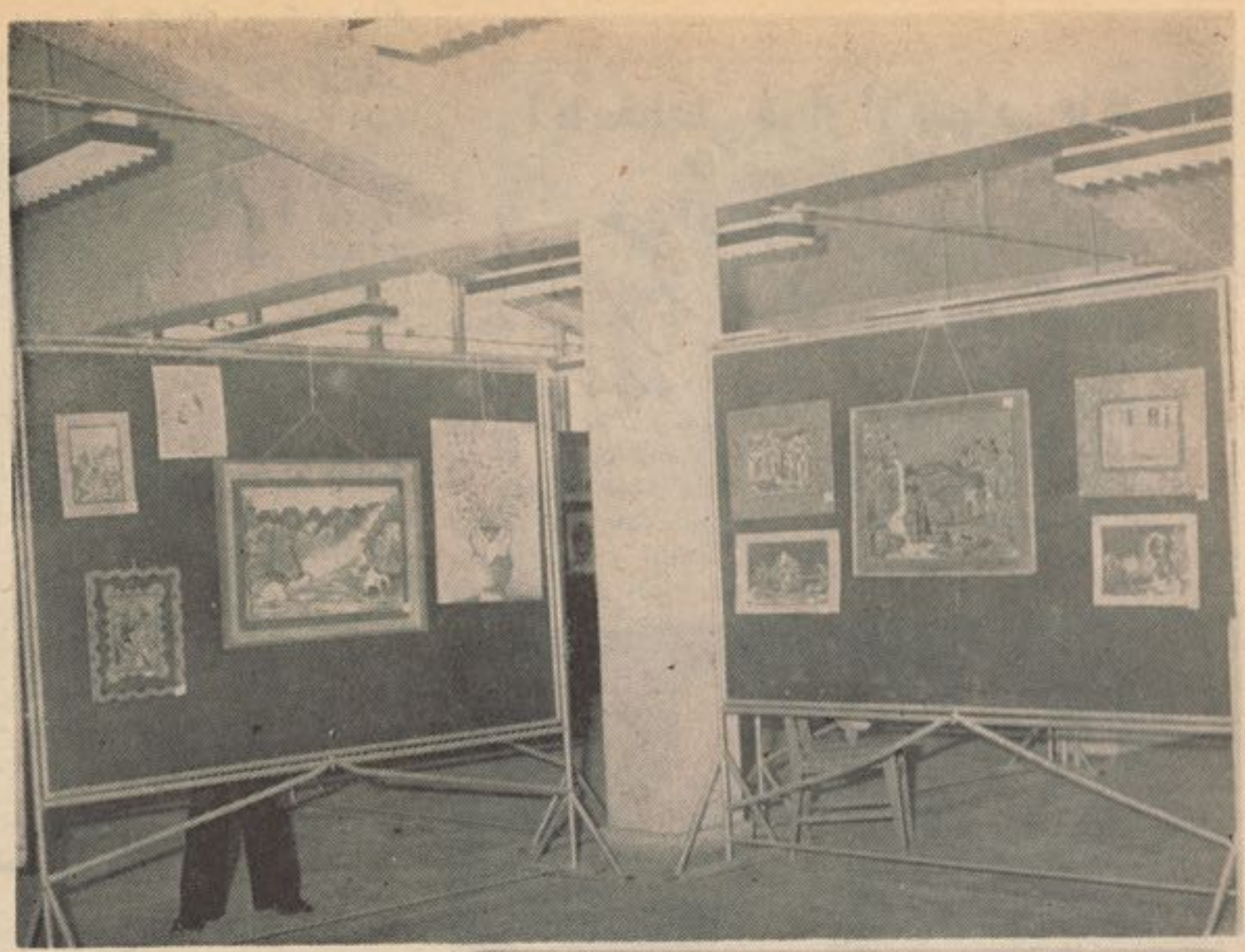
در شرایط امروز جامعه ما ، در دوران آتوم شماره ۹

به اساس بر تسيب ارتباط با تباد فرهنگي کشور های دو ست و برادر ، افغانستان و اتحاد شوروی ، اينک انجمن دوستي افغان- شوروی وانجمن دو ستی و ارتباط فرهنگي شوروی با افغانستان ، نمايشگاه بزرگ آلبوم مشترك هنر مندان افغانستان و شوروی را در حالی بر پا کردند که يكصد و نهماد از تولد رهبر کارگران جهان و اولین مؤسس کشور سو سیالستی در جهان میگردد . نمايشگاه مشترک کيکه به اشتراك بيش از چهل تن از هنر مندان افغانستان و چهل تن از هنر مندان شوروی دایسر گردیده ، در حدود دوصد اتر هسزری از هنر مندان افغانی : يكصد تن از نقاشانی معروف کشور دوست اتحاد شوروی و از جمله صد تا بلو از شاگردان هنر های زیبای پوهنخی ادبیات به نمايش گذاشته شده که انعکاس دهنده حیات مردم این سر زمین ها میباشند .

خير نگار هنری مامری به این نمايشگاه که به تاریخ ۲۳ حمل افتتاح شده و تا سوم تور ادامه دارد ، زده و گزرا رشی تهیه کرده که خدمت شما تقدیم میگردد :

در شروع عنایت الله شهبانی آمر ديبار تمنست هنر های زیبای پوهنخی ادبیات و متصدی نمايشگاه در جواب سوالي چنین گفت :

درین نمايشگاه آثار هنر مندان معروف



گزارش از : ضماد

نمایشگاه نقاشی آثار هنرمندان افغانی و شوروی

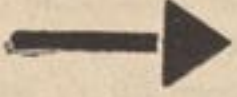
کشور چون استاد غوث الدین ، خانم شکورولی ، استاد غلام محی الدین شینم ، آقای گندمی ، استاد قربان علی عزیز کی دیگر استادان به معرض نمايش قرار گرفته و همچنان آلماری از شاگردان سازمان هنری غلام محمد میمنگی نیز درین نمايشگاه به چشم میخورد که خیلی دلچسب میباشند .

ساین آثار از کدام سبکهای هنری نمايندگی میکند ؟

هنر مندان شوروی اکثرا از سبک ريباليزم پیروی مينمايند و انعکاس دهنده واقعیت های زندگیست و هنر مندان از شرایط محیط و ماحولش متأثر میباشند .

اگر به تاریخ کشور عزیز ما افغانستان نظری انداخته شود ، نقطه پر توجهی به چشم میخورد که روزی برای اولین بار دست های رهبران دو کشور وای. لینن و غازی امان الله به منظور تداوم در تعاون و رعایت حقوق همسایگی همه جا نیه ، باهم فشار عمیق و با یه داری را احساس نمود .

یقیناً نهال دوستی پراگه این رهبران دو کشور شصت سال قبل غرس کردند ، بایرونی انقلاب شکوهمند تور ریشه عمیق تر و مستحکم تری گرفته است .



یکی از تابلو هاییکه درین نمايشگاه نظر عربیننده را بخود جلب می کرد .



فرهنگی
افغان و
افغان-
افغانی
بزرگ
شوری
و ده سال
اولین
چهار
استرال
افغان
دایس
شوری از
شانی
روی و از
ر های
گذشت
رد این
مایشگاه
و تا سوم
سینه دیده
آمر
هنج
جواب
معروف
خانم
بینم
یزید
رگرفته
از مان
مایشگاه
بیا شد
سری
سبک
دهنده
شرایط
سف در
مثال
به
سازندگان
مندان

افغانی نیز موافقانه توانسته اند شرايط
محيطی را در آثارشان طور شایده و باید
انعکاس دهند .
- آیا بعد از ختم نمایشگاه ، این آثار
به فروش میرسد یا چطور ؟
- يك تعداد آن قبلا ریزری شده و به
فروش میرسد و يك تعداد دیگر آن به
موسسات نشان دوباره سپرده خواهد
شد .
- آیا از هنر قدیم افغانستان هم آثاری
در این نمايشگاه جا دارد ؟
- استاد همام چون اعتمادی که از میناتور-
نیت های پررنگ کشور ما هستند پس
آثارشان که از هنر قدیم افغانستان عزیز
یا بهتر بگویم «هنر مینا توری» استراک
کرده اند که تا بلو های شان زیاد طرف
توجه واقع گردیده است .
باید تذکر دهیم که يك تعداد شاگردان
هنری از ولایت هرات با آثارشان درین
نمایشگاه که میناتور گار شده حصه
دارند .
از عنایت الله شهرا نی خواستیم تا به
طور نمونه از چند تا بلوی خوب این
نمایشگاه را نام ببرد که در پا سنج
گفت :
هنه آثار این نمايشگاه قابل قدر و
توصیف است و به طور نمونه از چند تا بلو
یاد آور میشویم که عبارتند از : «سال
۱۹۶۱ مداخله فاشیست ها در شوروی ، روز
بیروزی ، و لدنگ کاران ، شب بهار ،
دهنا نان ، زندگی دهانی ، مراسم بعد از
تدفین ، در راه نبرد ، سواران انقلاب ،
بیر می فروش ، دختر افغان ، مر وارید
های بیابان ، فالین ، طفل و مادر ، خرابه
های لشکر شاه ، نونی نواز و غیره که با
روغنی ، شبکه ، نوش ، نوک آهنی ،
جوب برجسته ، گنج ، کولاز ، رنگ آبی ،
موزاییک ، خطاطی ، چاپ دستی ، ذغالسی
سلکسکرین و پا رسل کار شده است .
از غلام عمر اسحاق محصل صنف چارم
دیوار نمت هنر های زیبای پوهنخی ادبیات
و علوم بشری که سه تابلو درین نمايشگاه
نارد پرسیدم :
کدام تا بلوی شما درین نمايشگاه زیاد
تر جلب توجه نموده است ؟ گفت :
- يك تا بلویم به نام «ستدیوی
هنرمند» است که راستی طرف علاقه
هنردوستان قرار گرفته است . درین تابلو
کوشیده ام طفریک هنرمند را تمثیل نموده و چنانچه
خود دیدید ، بیننده هنرمند را ناقص می بیند که
درهم و برهم بوده و تابلو های نیم کاره نیز
به چشم می خورد همچنان چشم نیز بین
تماشاچی می بیند که هنرمند به چه
نوع مشکلا تی در زندگی رو بر و ست که
همه این ها دست به دست هم داده و هنرمند
را زهیر و پیرتر ساخته است .
ساز کدام نوع رنگها استفاده مینمایند ؟
ساز رنگهای گرم .
ساز رنگهای گرم را اگر کمی توضیح
دهید ؟
ساز رنگهای گرم عبارت از رنگهای است
که زود تر به چشم بیننده کار کند و عبارت

از رنگهای سرخ ، نارنجی و زرد .
- آیا تا حال از آثار خود نمايشگاه
دایر نموده اید ؟
- نمايشگاه مستقل از آثار خود دایس
نگرده ، اما در دو نمايشگاه که در پوهنتون
دایر شده استراک نموده ام .
- نظر شما به صفت يك هنرمند در مورد
این نمايشگاه چیست ؟
- این نمايشگاه و سبک است تا
هنرمندان با هم در مورد هنر شان تبادل
افکار کنند و از یکدیگر بیاموزند ،
همچنان این نمايشگاه در مجموع بیانگر
زندگی واقعی مردمان دو کشور دوست
و برادر می باشد .
- سدر طول چار سال در پوهنخی چند
تابلو کار کرده اید ؟
- فقط پنج تابلو !
- بسیار کم نیست ؟
- ممکن کم باشد ، اما مواد اولیه اشرا
در دست ندا شتم تا زیاد کار کنم امیدوارم
در آینده زیاد تر آثاری به وجود آورم .
از عیدالسمیع مسعود محصل صنف ۲ هنر
های زیبا پرسیدم :
- شما درین نمايشگاه چند تا بلو دارید ؟
- شش تا بلو ! از جمله : سلما نی ،
دهقان و تابلوی فرامین همت و همت .
- از کدام سبکها نمایندگی میکنند ؟
- از کو بیزم و میناتور .
- یعنی دو سبک متفاوت ، چرا نمیکواید
از يك سبک به صورت درست استفاده کنید ؟
- چون فعلا محصلم ، میخواهم از هر
سبک نمونه ای داشته باشم و در اخیر يك
سبک را انتخاب نموده آثار ادامسه
میدهم .
- شما کدام يك آثار انتخاب خوا هید
نمود .
- فکر میکنم ، میناتور را .
به آرزوی موفقیتش صحبت را با فریدکمالی
يك تن دیگر از هنرمندان این نمايشگاه
دنبال میکنم .
- او میگوید درین نمايشگاه يك اثر
به نام «بشکبا» اند که یکی از خصایل
طبیعی این زنده جان را تمثیل مینماید .
سوی بیرو سبک ریالیزم بوده و عقیده
دارد که يك هنرمند باید با لای انتر
زیاد کار کند تا تابلوی یا اثری به
وجود آرد که به هنرش لطمه نزند .
عبدالشریف عزیز یار که تا بلو های
کوچه هندو گنر ، جنگ گوزن و طبیعت
بیجان را درین نمايشگاه به معرض تماشا
قرار داده است میگوید : از ریالیزم آثار
زیادی دارم اما میخواهم بیرو سبک امیر-
سویو نیزم باشم .
- آیا آثاری از این سبک مدرن کار کرده
اید ؟
- سخر ، اما در همین نزدیکی نزدیک تر از
کدام نیکه درین رشته معلومات کافسی
دارد ، آثاری ازین سبک هنری به وجود
خواهم آورد .
- ومن با آرزوی موفقیت تمام هنرمندان
این صحبت را به پا یان رسانید و مسعادت
و کامیابی برای شما خوا ننده های
عزیز نیز از بارگاه ایزد متعال تمنا دارم .

پیروزی تاریخی

از زمان بیروزی بر فاشیزم جرمنی
تا نیم ماه می سی و پنج سال می گذرد
به هر اندازه که زمان از جنگ بگذرد
اهمیت تاریخی شاهکار ابدی خلق شوروی
وقوای مسلح آن در امر سقوط فاشیست
ما شین جنگ جهان سر ما به ناری وقوه
ضربه امیر یا لیزم جهانی در پیشگاه
چهار نیان رو شتر می گردند در نبرد
دریغ که يك هزار و چهار صد هزده
شبا نه روز طول کشید اردو و بحر به
شوروی نه تنها از سر زمین خود دفاع نمود
بلکه بشریت را از جنگال فاشیزم نجات
داد .
اردوی هنر در اثر مبارزات اردو وقوای
مسلح شوروی تا بود شد بلخاصه قوای
زمینی آن نقش فاطمی را ایفا نموده فعالیتهای
بحریه شوروی در مناطق ساحلی به
ستیز پرداخت ملاحان در حصه خسود
فعالتهای چشمگیری را برای از هم
پاشیدن قوای دشمن و نابود ساختن
شبکه های مخا براتی آن انجام دادند
بحریه شوروی درین نبرد در خدمت قوای زمینی
قرار گرفت و همه سواحل را که قوای
زمینی شوروی نیز در آن قرار داشتند نیرو-
مندانه حراست نمود مسلحان شوروی در
اوراق تاریخی قهرمانی نبرد قوای مسلح
خاطرات روشنی از خود بجا گذاشتند
و خود را نمونه جرات ، شهامت و فداکاری
وقهرمانی ثابت کردند .
اردو و بحر به شوروی درین بیروزی به
اقتصادی سوسیالیستی اتکا داشت اقتصاد
راش سوم و اقدامش در آن زمان نسبت
به اقتصاد واحد شوروی نیر و مند تر
بود در سالیان جنگ صنایع شوروی از
يك ولیم تا دو چند ظرفیت تولید تا نك ،
تولیدخانه ها ، وان و طیارات را نسبت به
آلمان فاشیست داشت .
بیروزی اتحاد شوروی بر آلمان هتلری
به الیات رسانید که تشکیلات عسکری
این کشور سوسیالیستی بسوزن شک
حایز تفوق بسر اردوی دول امپریالیستی
بود . قوما ندانی سوق الجیشی شوروی
نسبت به قوما ندانی هتلری بهتر بسود
علاوه بر آن موضوعات جنگی جنگی
از طرف شوروی ها عمیقاً ارزیابی می شد
ستراتژی و فن جنگی شوروی فوق العاده
قوام گرفته بود و ظرفیت آرا داشت تا با
حوا دلیکه در آن زمان سترا تیژی و فن
جنگی آلمان قادر به مقابله با آن نبود

فست و گر بیان شود . صد ها عملیات سوق
الجیشی از طرف اردو و بحریه شوروی که
مدیرانه صورت پذیرفت بیحد نمونه فسن
نظامی در اوراق تاریخی جا گزین شده
است .
ضربه محکمی در بیکر دشمن و متحدین
آلمان وارد شد افراد جنگی پولند ، چکوه
سلواکیا و یوگوسلاویا و دیگر کشور
های اروپایی که برای نجات سر زمین
شان قیام کرده بودند علیه نازی ها
دلیرانه جنگیدند .
سر کی گور شکوفی که در سال ۱۹۱۰
تولد یافته از سال ۱۹۲۷ به بعد در خدمت
قوای مسلح اتحاد شوروی ایفای وظیفه
میدارد در زمان جنگ وی قوما ندان يك
دسته نیروی بحری شوروی بود بعد از جنگ
موصوفی قوما ندانده بحیره سیاه را عهد
دار بود . از سال ۱۹۵۶ به بعد او قوما ندان
اعلی بحری و معاون وزیر دفاع گردید
او يك قهرمان عضو کمیته مرکزی حزب
کمونسیت و معاون صدر هیئات رئیسه
اتحاد شوروی است .
مردم شوروی سهم گیری همه کسانی را
که در امر شکست آلمان فاشیست اشتراک
داشتند به قدر دانی یاد می کنند .
با آنهم اوراق تاریخ به صراحت ثابت می
کند که قوای آلمان از جبهه مشخص
خوش جنگ را علیه شوروی ها آغاز
کردند و تا شکست نهایی در حمله و تجاوز
بودند درین تجاوز آلمان صرف قوای
فاشیستی آن دخیل نبوده بلکه متحدین
آن در عرصه چهار سال جنگ از موقع
آلمان هتلری حمایت داشتند و درین نبرد
مسلحانه تا پای جان از تجاوز کنار رفتند
و جبهه جنگی شوروی و آلمان نسبت به
جبهات دیگر عرض تر و وسیعتر بسود
جبهه شوروی و آلمان که يك ساحه
شش هزار کیلومتر را احتوا می کرد چهار
برابر جبهات ما ندان افغانی شما لی و
ایتالیای و کشورهای غربی بود .
در نو در آن جنگ که در آن آلمان
فاشیست سیزده میلیون و ششصد هزار
نفرس خود را از دست داد تنها در جبهه
شوروی و آلمان ده میلیون نفر ازین
رفت در جبهه شرقی سه حصه از طیارات
دشمن از بین رفت همچنان تانک و توپخانه
دشمن کاملاً فلج شد . ارتش سرخ عساکر
بقیه رصفحه ۵۰

عشق بیجانسان

ترجمه: میرحسام الدین برومند

گرچه فصل شکار پرند ه های دریایی آنجا فرا برسیده بود، باوصف این، پیوتر ریابینسکی یک قازوحتی شکار شده از بحر را با خود همراه داشت. پیوتر به نحوی که گویی نام از کرده خود است. پرند مذکور را نظاره داشت... متعاقب آن نگاه های غصه آلودش به دور دست ها کشیده شد. از نگاه های رقتبار مرد پیدا بود که او به دنیای پرندگان دریایی می اندیشید و به اینکه بعضا چه بیرحمانه این پرندگان را شکار میکنند.... «تلیانیکوف» مفتش ساحه شکار از پس یک جزیره کوچک ظاهر گردیده و قایقش را بسوی او میراند، نگاه های مرد مذکور عم آلود مینمود. او همان نگاه های سرزنش آلود و ملامتبارش را بسوی پیوتر اذرائی داشت. مفتش وظیفه داشت، ناظر بحر بوده و بدون از فصل شکار و مساعا متعین شکار پرندگان دیگر به هیچ فردی حق شکار قازوحتی وحتی آن بحر را نمیداد.

«تلیانیکوف» اصلا پیوتر را نمی شناخت فقط این سومین باری بود که وی را با قایقش در آغوش بحر مشاهده مینمود. پیوتر در دفعات قبل بجز اینکه بیسوده باروت با فرزند، کار دیگری نتوانسته بود انجام بدهد انگار شکار و نشان گیری را بلد نبوده باشد... پیوتر چون نزد برادرزاده کوچکش از زیبایی قازوحتی های وحشی بحر تعریف کرده بود، پسرسک او را به غصه نشانده. برادرزاده اش که سخت متماثل برقتن با او گردیده بود تا توانست اصرار نمود. پسرسک که نامش «هولگا» بود هشت سال پیش نداشت، هولگا را از شکار بیحد خویش می آمد معذالك او در شکار و نشان گیری دست کوتاهی از شکارچی ماهر نداشت. هولگا پرندگان زیادی را که برشاخه های درخت منزل می پریدند همیشه شکار

کرده بود، از طرفی قشنگی قازوحتی های وحشی هولگای کوچک را وسوسه کرد... آنروز هولگا با کاکایش نيزدل بدریا زده بود، راستش اینکه لحظاتی بعد این هولگا بود که قازوحتی را صید داشته بود، نه کاکایش پیوتر. «تلیانیکوف» که از ابتدای ورود با قایق خود، ناظر و مشاهد قایق کوچک آندو بود بوضاحت دریافته بود که هولگا شکارچی خوبی است. او صدای پیوتر را شنیده بود که از هولگا تعریف کرده و با تحسین مخاطبش ساخته، میگفت:

- آفرین پسرم، تو واقعا نشان زن ماهری هستی، مرخیا!

پسرسک بدون آنکه بر خود بیالد فقط جواب کاکایش را با خونسردی تحویلش میداد:

- هان، نشانم خوب بجان قازوحتی است. هولگا بعضی اینک نگاه های «تلیانیکوف» بسوی کاکایش دوید دریافت که میان آندو يك دیوار وجود دارد... يك دیوار باریک که هر آن باریکتر شده میرود. پسرسک دریافته بود که نگاه های مرد بیگانه، نگاه های عادی نیست، نگاه های ملامتبار است... پسرسک هر آن متجسس تر شده میرفت، دلش میخواست این مرز را بشکند، میخواست بفهمد نگاه های مرد چرا ملامتبار است و سر انجام به واقعیت این امری برد... آری او فهمید که کاکایش کار نامناسبی نموده، قانون را رعایت نکرده چونکه شکار قازوحتی ها ممنوع بود. پیوتر در حالیکه سراپا خاموش بود و غافل از اینکه مردی بخاطر حرکتش از وی رنجیده، قازو

در گوشه قایق گذاشت، درین اثنا صدای «تلیانیکوف» توجه اش را بخود کشید که مدعی بود:

بایستی تو مطابق پروتوکولی که همین اکنون من و تو امضاء میکنیم، پس از پس عمل کنی. پیوتر با آرامش ظاهری که در پشت آن یکنوع شرارت نهفته بود، گفت:

پروتوکول... درنگ دیگر برای چه؟

«تلیانیکوف» که خود انسان رموز فهمی بود متوجه گشت که پیوتر حالتی بهم خورده و نزدیک است اصحابش متلاشی شود، ابتداء بانگاه های دلسوزانه بسوی «هولگا» نگرست... بعد از تو بسوی پیوتر رخ نموده، گفت:

- تو خود مقصر هستی، مقصر برای آنکه قانون را خوب بلدی و می شناسی ولی بدان عمل نمیکنی، علی الرغم اینهمه بی توجهی ها سعی میکنی خودت را خصما کین چلسو. دهی... مطمئنا وقتی پروتوکول را امضاء نمایی، بدین حوالی دیگر سری نخواهی زد، و آنکسی «تلیانیکوف» بلا درنگ قلمش را بیرون آورد... دست پیوتر روی کاغذ دویده، درین میان پیوتر از توبه باز آمدن قایقش متوسل گردید... قایق پیوتر بسان صاعقه از قایق مفتش فاصله گرفت... قایق مفتش حالت نوسانی داشت، شخص تصور میکرد که

قایق در حال غرق شدن است اما خیر، لحظه بلحظه سرعت قایق تندتر گشته و دل آب را راپاره میکرد... موتور هر دو قایق قوی بود و مطمئن، منتهی از نگاه ساختن قایق ها از هر متفاوت بود و تفاوت سرعت میان دو قایق را همین عامل باعث شده بود. قایق ها بطور اصرار آمیزی در میان امواج بحر بسازی میکردند. «هولگا» خودش را روی عرشه کشتی بسوی بحر آویخته بود، گویی او میخواست با امواج بحر برزمد... طبیعت منظره دلغریبی به بحر داده بود، نور و سایه بحر را در بر کشیده بود، انعکاس نسوز بردخشش آفتاب از بالای قله «آلین» در آب

بحر، برای رویا های کودگانه «هولگا» رویایی و برانگیزنده بود، نور مهتاب پس از عبور میان شاخه های درختان و اشجار کنار ساحل که روی آب بحر افتیده بود، منظره وجدآوری برای «هولگا» ساخته بود، «تلیانیکوف» همینکه دید پسرسک خودش را روی عرشه قایق خم کرده و با رویاهایش در جدل است. اینبار برخلاف سرعتهی که قایقش را پیدان سرعت میراند، نه تنها از سرعت قایق کاست بلکه متوقفش ساخت. حالانکه درین اثنا، قایقیکه پیوتر و برادرزاده اش «هولگا» سوار آن بودند با سرعت هر چه بیشتر میرانندند. قایق دل آنها را پاره میکرد، آنها را کنار میزد و بجلو راه می پیمود، انگار قایق با دو سرشین اش قصد پرواز داشتند. «هولگا» باردیگر از جهان تخیلات و رویا هایش بجهان حقایق برگشت، از خودش پرسید: چرا اینهمه ناراحتی! بزودی متوجه گردید که این غصه و ناراحتی را قازوحتی آورده است و آلی درین هوای سرد و توفانی، سرگردان در بحر قایقراندن، هیچ لزومی نداشت... آنان از قانون سر پیچیده بودند چه قانونا حق شکار آن قازوحتی وحتی را نداشتند، «هولگا» پس حساسی بود، در بخش لحظه به لحظه فزونی میگرفت، با خودش میگفت: از قانون سر پیچیدن، بعدش هم فرار کردن ابد اعاتانه نیست.

«هولگا» تصور کرد که چیزی در درو نش است که می آزارش این نهادند. باطنش بود، ندای فرار و گریز از قانون، ندایی بخاطر بی التفاتی در برابر ضابطه ها و مقرره های اجتماع. قایق عقبی باز هم براف افتید و تندتر و تندتر حرکت کرد انگار می خواست. قازوحتی را که هولگا شکار کرده بود از ایشان باز ستاند. به یکبارگی پسرسک ازین اتفاق متحیر گشت، التماس کنان از کاکایش خواست قایق را متوقف سازد. و آنوقت دو قایق بسایه کسو می بهمیدیگر چسبیده باشند، کنار هم قرار گرفتند.

برخلاف حدس و توقع، «تلیانیکوف» با نگاه های ملامتبار آندو را نگاه نکرد، بلکه این نگاه ها نگاه های دلسوزانه بودند. «تلیانیکوف» وظیفتا بایستی آندو را توبیخ و نکوحتش میکرد که چرا بدون اجازه و فرار رسیدن موعده شکار، به شکار پرندگان پرداخته بود و نه لا کس تلیانیکوف بر کاکا و برادرزاده مذکور سخت

چنگ گرفته بود خواست از ماهیان شوربایی دست کند ... آتش را روشن کرد . درین میان صدای خشن خشن برکهای درختان توجه «هولگا» را بخود کشید . «هولگا» نزدیک آتش زانورده بود ، هولگا درین هنگام به آتش و حرارت آن فکر می کرد و به جرقه های آن . سوالی چون آتش چگونه تولید میشود ، قاز هارا چرا نباید شکار کرد ... می اندیشید . درین میان رشته افکارش به یکبارگی از هم گسست .

به بازوی پیوتر چسبیده و پرسید : - آیا مابه قایقرانی درین بحر برای شکار گاهی دیگر هم خواهیم آمد ؟

«پیوتر» که او هم مسرور آشپزی بود فقط با جنبانیدن سر ، تایید کرد که حتما اینکار را تکرار خواهند کرد . «تلیانیکوف» خطاب به «هولگا» گفت :

- پسر من اینکه هرگاه هرکس برای شکار قاز ها اینجا بیاید مطمئنا پس از مدت

یک گوشه طبیعت را کاسته باشیم ، کساری نکرده ایم ، اگر بیرحمانه پرند ها و موجودات و حیوانات را که به طبیعت زیبای می پخشند ، محیط باغها و باجرا را تماشایی میسازند ، از بین می بریم جز اینکه نسل پرندگان و حیوانات مذکور را از بین برده

باشیم کار دیگری را از پیش نبرده ایم . تلیانیکوف متعاقبا از نگاه های سرافراخ در فکر و بهت زده پرسگ فهمید که او تاچه حد نادم است بناء محزونانه گفت : ما شتاب کردیم ، طبیعت زیبا و دوست داشتنی است باید قلبا طبیعت را دوست داشت . «هولگا» از مرد مفتش پرسید :

- این قاز ها بعضا دورتر از بحر پرواز میکنند برای چه ؟

- برای ادامه حیات ، برای چیدن دانه . اگر این پرندگان بالای چمنزار ها به پرواز می آیند ، روی سبزه و علف هامی نشینند



کوتاهی هیچ پرند بی درین بحر نخواهد ماند . مگر ما چرا بیسوده نسل این پرندگان را از بین ببریم ؟ آیا این عقل زیاد مضحک نیست ، هرگاه این پرندگان بیرحمانه شکار نشوند تا سال دیگر شمار این پرندگان دو چند می شود «هولگا» گرچه ظاهر اوسط «تلیانیکوف» مخاطب ساخته شده بود لکن چشمان کاوشر او ملتسانه به آتش که به رنگهای زرد سرخ میسوختند ، خیره شده بود . باز هم

برای آنست که محل مناسبی را برای گذاشتن تخم هایشان بیابند ، تو «هولگا» اگر روزی تخم پرند بی را دویک ببشه پیدا میکنی که صاحب تخم آنرا پنهان کرده بدان آسبیبی مرسان . پیوتر که میدانست با متوسل شدن به شکار قاز وحشی مرتکب یک اشتباه شده ، نیز پسان «هولگا» نادم از کرده اش بود . قلب کوچک پرسگ برای خوبی ها می تپید . او دیگر مضمم شده بود که همیشه پرسخوب و مطلوبی باشد . پرسگ دوامی را که قیلا با

خوبی های آن بیتفاوت مانده و بعضا طبیعت از وجود چنین اشخاص کم التفات صدمه وزیان می بردارد ، معذالك به «هولگا» گفت : اگر کلی را از گلبته جدا کنیم جز اینکه حیات کل مذکور را گرفته باشیم و بخشی از زیبای

دلت سوخته بود مخصوصا بیچاره هولگای کوچک بیمورد و بخاطر هیچ چرا چنین کار شاقه را پسر میرسانید و در بحر سر گردان میماند . همچنان تلیانیکوف دلت بحسال آتانی میسوخت که در پسر طبیعت و

بیر ، لحن
ک آب ما
بوی بسوز
ها از هم
فایق را
بظور
سازی
عرش
گویی او
طبیعت
و وسایه
سور
در آن
تو بایی
سور
ساحل
جدآوری
سکون
شده فایق
است
بدان
کاست
الناس
سوار
باندند ،
را کنار
یق باهر
هولگا
بجهان
چرا
بید که
رمانست
دان در
آتش
شکار
گاه
لطف
از قانون
عاقبت
رو نش
صدای
نون
له ها
هم برآه
کار می
ر کرده
پرسگ
کنان از
سازد
همدیگر
با نگاه
که این
نیکوف
میکرد
دشکار
کن
ورسخت
ژوندون

تصویب اصول اساسی

بخش مهم دیگر در اصول اساسی ج، د، ا حقوق اساسی و مکتبیت های مردم افغانستان میباشد. درین بخش وظایف و حقوق و مکتبیت های اتباع بشکل دموکراتیک و مترقی آن تشریح شده است. در اصول اساسی حقوق تمام اتباع ج، د، ا در برابر قانون مساوی اعلان شده است این تساوی حقوق را هیچ چیزی از قبیل فرق نژادی، قبیله ای، زبان، جنس، متوطن بودن در هرجا، دین، مذهب، سویه تحصیلی، نسب، دارایی و موقوف اجتماعی نمیتواند برهم بزند. همچنان در افغانستان هیچکس حق ندارد تا با استفاده ازین حقوق علیه منافع جامعه و دولت و آزادیها و حقوق سایر افراد استفاده نماید. در پهلوی این حقوق مکتبیت هایی از قبیل احترام بقانون و رعایت آن، رعایت اصول اجتماعی و انسانی، انجام صادقانه ی وظایف و واجبات، احترام به حقوق و آزادیهای سایر افراد جامعه و غیره درج گردیده است. همچنان کار مفید و اجتماعی نیز وظیفه انتخاب آریز هر فرد قلمداد شده است. در اصول اساسی ج، د، ا، خدمت در راه دفاع وطن قهرمان و مقدس مایه یعنی خدمت زیر بیرق اردوی ج، د، ا یک عمل پر افتخار دانسته شده است. هم چنان وظیفه ی اساسی اردوی قهرمان وطن دفاع از تمامیت ارضی، دست آورد های انقلاب شکوهر آفرین نور، استقلال ملی و حاکمیت ملی و وطن و امنیت وطن و مردم می باشد و هکذا دولت مکتبیت دارد که در راه تقویه و رشد سیاسی و اجتماعی و مادی منسوبین قسوی مسلح ج، د، ا مساعی بخرج بدهد.

برای رفاه و بسر بردن حیات مطمن شهوستان شریف ما ایچان نظم دموکراتیک دولتی واداری بچیت یکی از اهداف اساسی دولت ج، د، ا قبول شده است. لویه جرگه (شورای عالی دولتی) که به اساس رای گیری مستقیم، سری، عمومی، آزاد و مساویانه تشکیل خواهد شد. در اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان تذکر رفته است که لویه جرگه طی اولین اجلاس خود سند مهم یعنی قانون اساسی ج، د، ا را به تصویب میرساند.

در مورد حقوق و آزادیهای دموکراتیک مردم ماده ی بیست و نهم چنین می گوید: « برای الحاق جمهوری دموکراتیک افغانستان حقوق و آزادیهای دموکراتیک ذیل تعیین و تقسیم میگردد:

- ۱- حق زندگی و معنویت. ۲- آزادی کامل ادای مناسک دین مبین اسلام و همچنان ادای مراسم مذهبی برای پیروان سایر ادیان مطابق به قانون. ۳- حق کار ... ۴- حق وقایع صحت و تأمینات اجتماعی ... ۵- حق تحصیل ... ۶- آزادی فعالیت های علمی، تخنیک، کلتوری و هنری مطابق به اهداف انقلاب. ۷- حق بیان آزادانه و علنی فکر، تشکیل اجتماعات و تظاهرات مسالمت آمیز و هم چنین حق اتحاد و تطهرستانه در سازمانهای دموکراتیک و مترقی اجتماعی. استفاده از حقوق مذکره در چوکاتیکه نظم اجتماعی، آسایش

مختصر

یادداشتی

در روز های دفاع از استالینگراد من معتقد شدم که: سر پا زی که برای امر حق بیکار می کند قویتر از آتش و فلز است و نیرویی وجود ندارد که بتواند او را بزانوند آورد. محاصره شهر از سیزده سپتمبر سال ۱۹۴۲ تا سی و یک ژانویه سال ۱۹۴۳ تا ابد، الهام بخشش تمام مردم آزاد روی زمین خواهد بود. زیرا مقاومت و حمله متقا بل آن هانقطه تحول در جنگ ملل متفق بر ضد نیروی متجاوز واقع شد.

نیرو های جنگ دوم جهان و پایداری های از تش و خلق شوروی و اضمحلال فاشیسم صفحات درخشان و جاودانی را بر تاریخ جنگهای عادلانه افزود که ورق ورق آن از شهادت و مردانگی پایداری و خود گذری میهن پرستی و انتر ناسیونالیستی مردمی سخن می گوید که فاشیسم را نابود نموده و بشریت را از خطر نا بودی نجات داد. و این پیروزی در بهار سال ۱۹۴۵ با اهتزاز پرچم سرخ بر فراز برلین شکست فاشیسم را بجها تیان اعلام داشت ...

بیست و چهار جون ۱۹۴۵ پیروزی در میدان سرخ مسکو بر گذار شد. بیرق ها و نشانه های لشکر و خورده فاشیسم در پای آرا مگاه لینن کبیر بزمین ریخته شد. زیرا فاشیست ها بدون قید و شرط تسلیم شده بودند. رئیس جمهور ایالات متحده امریکا در اخیر جنگ نوشته بود: (بدون شک از تش شو روی و مردم شوروی، نیرو های مسلح هتلر را وادار ساختند که در راه شکست نهایی حرکت کنند). مردم شو روی در ین جنگ بیست میلیون نفر قربانی دادند.

مقتنه و قضایه می باشد در مورد لویه جرگه و طرز العمل بیان آمدن آن قبلا تذکر داده شد و بعد از لویه جرگه عالی ترین ارگان با صلاحیت دولتی شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان شناخته شده است. شورای انقلابی مطابق به احکام اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان وظایف قوهی مقتنه را اجرا می نماید. اموری را که شورای انقلابی پیش می برد عبارتند از تشکیل هیات رئیسه ی شورای انقلابی، حکومست و سایر ادارات عمده ی دولتی، بمیان آوردن پروگرام های اکتشاف اقتصادی و اجتماعی و منظوری بودجه ی دولت و غیره. باید دانست که در خلال مدت بین جلسات شورای انقلابی، هیات رئیسه ی این شورا عالی ترین ارگان با صلاحیت دولتی میباشد. همچنان اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان به صورت ماده وار صلاحیت های هیات رئیسه ی شورای انقلابی را متذکر شده است. همچنان درین فصول اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان وظایف و صلاحیت ها و طرز العمل خاندنالی و قوهی قضایه بروشنی کامل بیان شده است. و هکذا در فصول بعدی صلاحیت ها و طرز العمل حکومت و ادارات محلی بیان شده است.

بامروز کوتاهی که فوقا از اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان صورت گرفت دیده می توانیم که اولاً دولت انقلابی ما هر آنچه می گوید در عمل پیاده می نماید و ثانیاً تصویب این اصول اساسی را می توان آغاز دوران جدیدی در رشد سیاسی و حقوقی جمهوری دموکراتیک افغانستان نامید. همچنان تصویب و نافذ شدن این اصول دموکراتیک، ملی و مترقی بنشانه کامی فراحی است در جهت تأمین حیات سعادت مند، معشون و مطمن و خوشبخت برای همه مردم شریف افغانستان. مادر حالیکه تصویب این اصول اساسی را نمایانگر انقلابی بودن، دموکراتیک بودن و ملی بودن حزب، دولت و حکومت ج. د. افغانستان می دانیم آنرا به شهوستان تبریک می گویم. زنده باد مردم

دنیوی پر هختگ...

بنا کور و نکو او جوړوو نکو یو سکین
رسم کړی او بیا هغه سکیل یسی
دډول او شکل او ما هیت له مخی
دودی وږ گرځولی ترڅو دهغه له مخی
و کولی شی چی ژوند دار تیا و لری
کولو ته یی په کار وا چوی
تاسی چی دا پور تنی خیره گوری
داد یو هلك پور تربیت (رسم) دی
چی په خپل لاس کی یوه کو تره لری
او په (۱۷۸۲) کال کی ترسیم شوی دی
په ژوند کی منع ته را غلوسی دی
دغه رسم اوس دو ارسا په ملی
موزیم کی موجود دی اود پو لنډ دیو
مشهور نقاش «انتولی پردوسکی»
واسطه رسم شویدی.
ختگه چی: ددی رسم د کنبلو خخه
خه کم دوه سوه کاله تیر پزی اوس
نو تاسو ددی پته لگولی شی چی
دپو لینډ په هیواد کی خومه ترقی
او پر مختگو نه دهغه هیواد دو گرو
په ژوند کی منع ته را غلوسی دی

۲۲ مخ پاتی

از پنج تا ده سال



دول تربیوی که دارند مساله کمبود پر سول با تربیه دو کتوران جوان تکمیلش - لبرانت ها طی دوره های معینه ترینگت جبران میگرد چه دسته یسی از استاذان متخصص دسپلین های مختلفه طب طی دو سال گذشته یا جام شپادت نو شیده اند و یا از وطن و کشور متواری گشته ویا از ساحه طب وطبابت کنار کشیده شده اند روی ایسن اصل دسته ی از دو کتوران که از دم سا طور امین خون اشام در قید حیات با قیما تده اند واز مسلک بطور نگهداشته شده بودند وایسن به ادای و جایب مسلکی ووظیفوی ایشان گماشته شده اند و برای ازین بردن سابعات علمی و فرهنگی تعداد قابل ملاحظه ییوی پر سول تابع پروگرامهای تر بیوی فوق الذکر قرار گرفته اند در شرا یف کتونی دو کتوران ما در رشته های آتی زیر تربیه قرار داده شده اند:

رشته جراحی عمومی - ارتو پیدی-جراحی عصبی- جراحی قلبی وجراحی اطفال-
رشته داخله عمومی - داخله اطفال
امراض ساری بشمول توپر کلسوز ریوی -

رشته طب عدلی و بیی رشته چشم- رشته عقلی و عصبی وهم چنین در دسته های رادیو لوژی وخدمات لابراتواری وانستیزی وپنا لوژی ومدیکل ریکارد تیز پر سونسل درداخل خدمت زیر تربیه میبایند.

رشته طب عدلی و بیی رشته چشم- رشته عقلی و عصبی وهم چنین در دسته های رادیو لوژی وخدمات لابراتواری وانستیزی وپنا لوژی ومدیکل ریکارد تیز پر سونسل درداخل خدمت زیر تربیه میبایند.

غالباً مرا جعان مراکز معالجوی کشور و خاصاً مرا جعان شفاخانه های و لایسان شکایاتی دارند که میتوان انگیز عمده ترین موارد آنرا در کمبود متخصصان وکلدر مسلکی - کمبود دوا وبستر ووسایل لابرا تواری - عرضه خدمات نا کافیه ناقص برای بیماران و مقدار ی هم بی مبالائی و بی توجهی کارکنان ایسن مراکز خلاصه کرد بدون شك تجویز شفاخانه ها به وسایل مورد نیاز بسط و توسعه ساحه خدمت های آن و افزایش بودجه و پر سونل بایک مراقبت جدی از نحوه کار میتواند در رفع این شکایات موثر

با شد شما برای از میان برداشتن این نواقص چه طرح عملیاتی را برای تا سیسات معالجوی و شفاخانه ها پیش بینی کردید؟

بر یاست طب معالجوی هدا بتداده شده تا در این زمینه عملیاتی علمی را که درآن درحد امکانات بتوانیم مشکلات مراکز معالجوی را رفع سازیم در دست اجرا بگیریم.

تکات مهم این پلان در این موارد خلاصه میگردد:

همه موسسات صحی معالجوی ولاراتی مرکز کتری کشور را از لنگاه وضع تسهیلات تربیکی سامان ولالات طبی ،ادویه، و قسوی شری و وضع مالی و بودجوی زیر مظالعه بگیرد.

سوم ریاست ستو مائو لوژی ، طرح و تطبیق لایحه مواد غذایی ورژیم غذایی مریشان ، پرسونل بادر نظر داشت پر سونل تو کروی اول رو غنون های مرکزی ولایات ،
و طرح و ترتیب لایحه مینی بر کمیته تنظیم وعرضه خدمات صحی موسسات مر بسوط

بقیه صفحه ۱۹ نگرشی کوتاه

های رنگی در کاغذ چلا دار که به فراوانی در متن مجله به چاپ رسید و حتی یک سوم آنرا احتوا میکند قیمت مجله را بلند میبرد که این در شرایط اقتصادی کنونی نمیتواند مورد تأیید قرار بگیرد و از سوی دیگر این گمان را به وجود میآورد که گردانندگان «طفل ومادر» بسه فوروم وشکل نسبت به چگونگی ارائه محتوای مجله ارزش گذاری بیشتر می کنند.

دو مطلبی که پیرامون ارزش دیکورادسیون «دیکورشن و تأثیر آن بر روح» آسیاب بازی با لای کودگان «تقتشی بازیچه ها در انکشاف ذکای کودك» به نشر رسید است نشان میدهد که توجه کمتری به وضع اقتصادی و سوبه زندگی همگانی مردم ما شده است چه آنچه در این دنگارش مطرح گردیده و مخصوصاً کلیشه های رنگینی که از آسیاب بازی

طب معالجوی و تجدید نظر در مورد مقرره پرکتس شخصی اطباء و منسوبین طب در دست اجرا بوده وبقین دارم باعصلی شدن ایسن کار بخشی عمد های از شکایات در زمینه حل و رفع گردند.

وفورم دیکور اناقی ها به چاپ رسید هاست فقط میتواند مورد پریش یک اقلیت کوچک نیم فیصد جا معه ما قرار گیرد و بس وجه خوب بود که در این مورد سطح اقتصادی عمومی مردم مادر نظر گرفته می شد.

نشر و چاپ مجله وزین «طفل و مادر» به وزارت تعلیم و تربیه ریاست کودکستانها کارکنان آن وهه ی اهل مطبوعات صمیمانه شاد باش میگویم و آرزو داریم این مجله در شماره های بعدی خود بادرک شرایط ذهنی و عینی جامعه وخصوصاً شرایط فرهنگی واجتماعی واقضای که دارد با شناخت هر چه بیشتر عوامل ناراسایی در میان خانواده ها و آنچه که سلا منی و پرورش طفل و مادر را ملطه میزند و با نشر مطالبی پیرامون «سه بعد صحت» بسبب تمام حالات بدنی روانی واجتماعی هر چه بیشتر روی هدف نشراتی خود استوار باشند ودر زمینه های آموزشی و پرورش نقش ارزشمند خود را برای مادران و خانواده ها بسه ایفا گیرند.

خرید نان

خانمی برای عسایه اش درد دل میکرد :
 راستی خواهر میدانی چه بلای به سرم
 آمده است ؟
 - تا حال درست يك ماه میشود كه شوهرم
 برای خرید نان رفته و هنوز نمانده است .
 - عجیب حوصله ای داری اگر به جای تسر
 می بودم دیگر منتظرش نمی ماندم خودم میرفتم
 نان می خریدم !

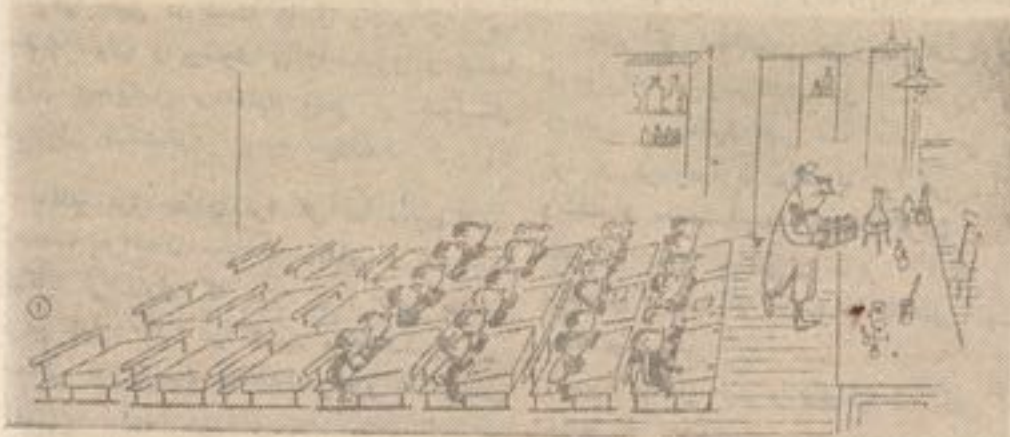


بدون شرح

عیب ندارد

خوبی بکنند ...
 در رستورانتی ناگهان مشتری چشمش به
 یکی از گارسون ها افتاد و دید که می خواهد
 بشقاب هارا با دستمال جیبش پاک میکند ...
 او را صدا زد و گفت :
 - آقا این چه کاری است ؟
 مگر دیوانه شده اید ؟
 - نخیر قربان عیب ندارد !
 - چطور عیب ندارد !
 - آخر دستمال هم خودش کثیف است !!

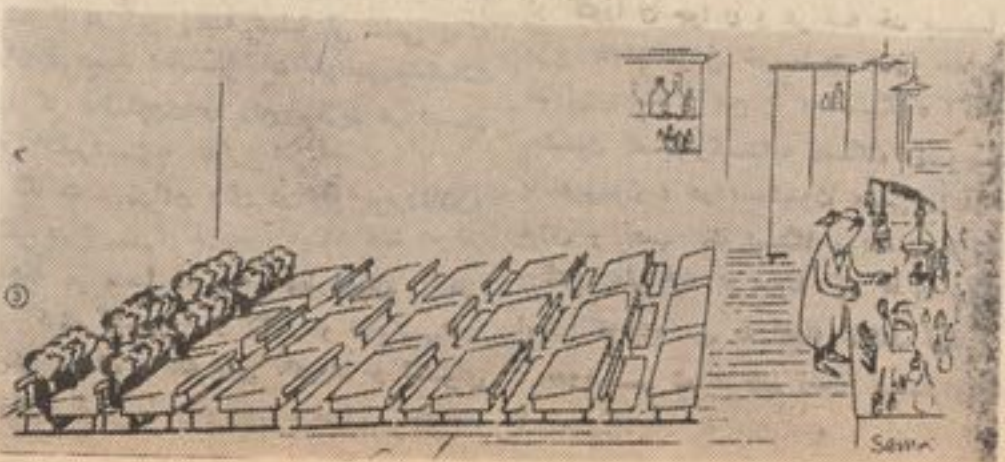
داکتر به خانم ... شوهرتما احتیاج به
 استراحت دارد !
 لطفاً این نسخه را که چند تابلیت مسکنی
 است ازدواخانه بگیرد .
 - زن - آقای داکتر ... شوهرم چه وقت باید
 این تابلیت ها را بخورد ؟
 داکتر - خانم این تابلیت های مسکنسی
 را خودتان باید بخورید تا شوهرتان استراحت



يك تجربه کمیاب



بدون شرح



از بالا به پایین بدون شرح



دلیل قوی

احمد که برای دیدن اسپهال خود به طویل
 رفته بود، دید نوکرش بیده بسیار خراب و
 پدی برای اسپهال خریده است ... باعصبانیت
 او را صدا زد و گفت :
 - این چه قسم بیده است که خریده بی ؟
 نوکر جوابداد !
 آقا ... بیده بسیار خوب است !
 احمد گفت :
 - نخیر ... بسیار خراب است .
 نوکر قدری از بیده ها را بر دانسته و نزدیک
 دهان اسپهال برد و اسپهال به استهال آنرا خورد .
 نوکر گفت :
 قربان ، ملاحظه کنید .
 اسپهال باید بیده را بشناسد نه ما و شما .



گریه و ازدواج

دو مرد راجع به زندگی گذشته شان صحبت
 میکردند .

یکی از آنها گفت :
 راستی از دوران طفولیت تا اکنون گاهی برای
 اتفاق افتاده که گریه کنی ؟
 مرد دومی قدری فکر کرد و بعد جوابداد !
 نی تا بحال اصلاً چنین موردی برای من
 پیش نیامده خوب ، خودت چطور ؟
 مرد دومی سری تکانداد و گفت :
 من از بچگی تا حال دوماً گریه کرده ام .
 - چطور دو بار ؟
 - یکبار خودم وقتی که زن گرفتم ، و دفعه
 دیگر هم برای دامادم ، موقعی که با دخترم
 ازدواج کرد !!

داستان خوشو

رئیس محکمه پرسید :
 فرمودید شوهر شما گم شده است ؟ پلیس
 آقای رئیس !
 چند روز میشود ؟
 - سه روز یعنی از روزی که مادرم بمنزل
 ما آمده و گفت خیال دارد يك ماه پیش ما
 بماند شوهرم مفقود الاثر شده است .
 رئیس محکمه فکری کرد و گفت : بیزحمت تا
 بیست و هفت روز دیگر مراجعه نکنند . اگر
 خبری نشد ، آنوقت مجدداً مراجعه فرمائید .

بچه بیلی، اجازه میشی من ساندویچ را
 بخورم ؟

دختر متجدد

یکی از دختر ها پرسید :
 - خوب ... پس ازدواج تو با احمد چه
 شد ؟
 دختر دومی جواب داد .
 - من تصمیم گرفته ام که دیگر شیجو گت
 با او ازدواج نکنم .
 دختر اولی با تعجب پرسید .
 - چرا ... برای چه ؟
 دختر دومی آهی سوزناک کشید و جوابداد .
 - برای اینکه هر چه سعی و کوشش کردم
 نه نتوانستم او را وادار کنم که از من بخواست
 ماری کند !



بچه مادر جان يك مرده ... بالاخره من
 تکیس آن دورا گرفتم

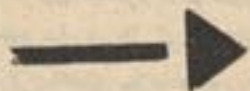
خانم اسمیت ، در لباس سیاه ، اشک ریزان وارد اسلحه فروشی شد و عرق کتان به اسلحه فروش گفت:
 ساره مستر، دیدی چه به سرم آمده... شوهر بیچاره دیشب رفت وزیر موترشد و جا به جا علاک شد .
 اسلحه فروش حاج وواج گفت :
 - بسیار متاسفم هستیم ... تسلیت عرض می کنم ... ولی از دست من چه کاری برای شما ساخته اس ؟
 - لطفا تفنگچه را که بریشب از تان خریدم پس بگیرین .

گفت و شنودها

خانم - بینیم ... تو میدانی که شوهرم باسکرتو جدید ش سرو سری پیدا کرده است .
 بیشخدمت - نی خانم ... این غیر ممکن است ... شما برای اینکه من حسادت کنم ایسن حرف را میزنید !

• • •
 مریض - آقای داکتر ...
 این عملی جراحی بسیار خطرناک است:
 داکتر - نی جانم ... مگر باسیصد افغانی میتوان عمل جراحی خطرناک را انجام داد ...
 بچه اولی - در اینصورت بدنیا آمده ای ...
 برای تو قصه بگویند ؟
 بچه دومی - بلی بسیار دوست دارم .
 بچه اولی - در اینصورت بدین آمده ای ...

بدون شرح



استخدام

رئیس موسسه پس از آنکه معرفی نامه ها واوراق واسناد مردی که برای استخدام به آنجا مراجعه کرده بود دید سری تکان داد و گفت :
 - بسیار خوب . شما از هر جهت برای کاری که مادر نظر داریم مناسب هستید . ولی من نمی توانم شما را استخدام کنم .
 چرا آقای رئیس برای چه ؟
 - برای اینکه شما ازدواج نکرده اید .
 مستخدم من ازدواج نکرده ام ؟
 - بلی جانم . چون من کارمندی که به اطاعت کردن عادت کرده باشد ضرورت دارم .

عشق زود گذر

پس فیضی هفده ساله وارد معاینه خانه داکتر شد وگفت :
 داکتر جان نجاتم بیسن چی شد ؟
 - دخترک گریه کنان گفت :
 داکتر من عاشق پدرم شدم ولی او متاسفانه قبلا ازدواج کرده .

در صنف

معلم : فصل رختم را برای تان می گویم گوش کنید :
 معلم به شاگرد ان تشریح کرد .
 - یکی از شاگردان حواسش جای دیگر بود و به حرف معلم گوش نمی کرد .
 معلم : حسن از اینکه گفتم چه فهمیدی ؟
 حسن : فهمیدم همه رفتند ، فقط من و شما ماندیم !





سرگرمی ها و مسابقات

تجه و تنظیم از صالح محمد کبیر

جدول کلمات متقاطع

افقی :

۱- دشمن خطرناک زحمتکش جهان - بر اعظم است - امر میان تپی - مرکز یکی از ولایات کشور ما - واحد پول خارجی - ۲- اله انتشار اخبار - کشتی بان - از آنطرف از شعراى متقدم کشور ما - فوت نشده - زهره - بی سر و پا شده يك حرف در دو خانه - ۳- سرش را قطع سازید تا ماه کوچک شود - مرکز یکی از ممالک اروپایی از آنطرف نوعی از سنگها است - از حروف مفارقه انتخاب کنید - ناقل آب - نصف حیرت - محبت خودش - نصف کردن - ۴- ضد خیر - جدید - منظم آن اهدا است - ضمیر اشاره - از آنطرف دو پانزده - منظم آن در هاست - تکرار آب مقدس است - ۵- حالا به پشتو روز اول آن بنام کارگر تجلیل میشود ماتم دار - خلال پراکنده - نشر نشده - نوعی از گوسفندان خان در هند وستان شروع اعداد - ۶- مکتوب - نوونا تمام - منسوب به یمن است - سال - از کتابهای مقدس - يك حرف و دو خانه - ۷- رهنمایی به جوزجان منسوب است - در ردیف اول افقی قرار دارد - رفیق سوزن - از کشور های امر -

عمودی :

۸- آکا - اسپ به پشتو - از شهر های سوروی - از مراکز افریقائی - ۹- از آلتاریخی کشور ما - از خواننده گان ایرانی - دو ستاره سینمای هند - یکی از انواع کریم ها - سرزمین فلاسفه - ۱۰- بین دو خانه - جسم کوتاه - ۱۱- نصف اسم نویسنده کتاب مادر - ردیف تیز است - سر حد بین کشور ما و اتحاد شوروی - از ممالک اروپائی - از فزیکدانان مشهور جهان - ۱۲- نویسنده کتاب اعترافات - در مکتب خوانده میشود - در گوشت میباشد - خود ما - از حروف آهنگر انتخاب کنید - ۱۳- يك حرف و دو خانه - تیز نامکمل - بین غزنی و زابل - تنبل به زبان عوام - نداف سر بریده وقت آن گذشت - مرکز اروپائی - خوک بی سر - ۱۴- با يك حرف ولد میشود - از آن طرف محل کارسکرتر را گویند - پوش درختان شکر معکوس - با تغییر حرف چهارم براتی میشود - ۱۵- اسم بی آغاز از آنطرف یکی از وزارتخانه های کشور ما - از ولسوالی های بدخشان - دست به پشتو - قصر - از کشور های شرقی - ۱۶- دو ولایت از کشور ما - رفیق شبان -

این شخص کیست؟



مابو گرافی یکی از شخصیت های جفا ترا برای شما شرح میدهم بعد از خواندن بیوگرافی و مشاهده فوتوش اسم او را برای ما بنویسید: مردی که شهره عام و خاص است و شما خواننده گان عزیز نیز حتما با نام او آشنایی دارید زیرا همه ساله جوایز بزرگی را به مختصر عین و مکتشفین و همینطور به داکتران به بهترین نویسندگان و یابان اشخاصی که در راه صلح در جهان گام نهاده اند تعلق میگیرد - او در سال ۱۸۳۳ در کشور سوید متولد گردیده او هوش و لیاقت را از پدر خود اما نوبیل که بوظیفه مهندسی تعمیرات مشغول بود آموخت - مدت کمی به مکتب رفت و تحصیلات کلاسیک را ادامه داد اما تاسن شانزده سالگی بطور خصوصی به تحصیل علم مشغول بود و در سن بیست و يك سالگی بدون اینکه کدام شهادتنامه به دست بیاورد در رشته کیمیا لیاقت خود را نشان داد و هم با لسانهای فرانسوی - انگلیسی - آلمانی و روسی تسلط داشت - با آنکه علاقه او به ادبیات بود اما بیشتر توجه خود را صرف تحقیق در باره مواد منفجره (نیتر و گلسیرین) کرد تا آنکه موفق به اختراع دینامیت گردید چندی بعد یعنی در سال (۱۸۷۵) (ژلاتین منفجره) را اختراع کرد که قدرت انفجار آن از دینامیت بیشتر بود - سیزده



طرح از خالده عالمی صنف نهم و سیده عالمی صنف هشتم کیسه جهان ملکه ولایت غزنی -

شکل (۵) نشان میدهد: شما حتماً و یا فرضاً به یک مهمانی میروید و در مهمانی شوهران باید دختر زیبا سر گرم میشود و حرف های خوش مینویسد و میگوید در آن وقت چه عکس العمل را نشان میدهید؟

الف: همانجا از او باز خواست میکنید و برایش چنین درسی میدهید که هیچ گاه آنرا فراموش نکند.

ب: با مردی دیگر آنقدر میر نصید تا شوهر متوجه شما شده وحسد ببرد.

ج: تا وقتی که در آنجا هستید اتفاقی نمی افتد پس ناراحت نشده و هم بگذارید تا هر قدر دلش بخوابد تفریح کند.

۱۰- شوهر تان از شما میخواهد مانند یک خان از او بد را برای کنید و همیشه خدمتگارش باشید مانند شکل (ششم) عقیده شما چیست؟

الف این چنین کار را تحمل کرده نمی توانید و عقیده دارید که هر کس مسؤولیت خود را خودش انجام دهد.

ب: اگر شوهر شما هم متقابلاً عمل کند باکی ندارد زیرا خدمت دو جانبه است.

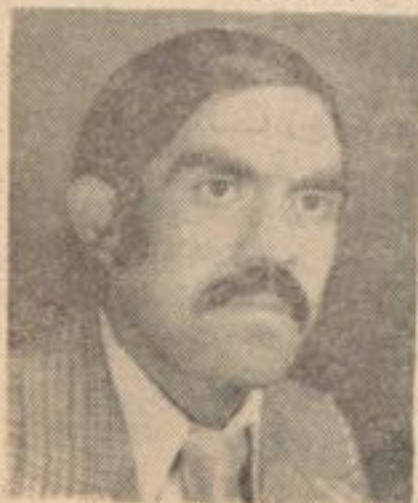


شکل ۴

ج: از خدمت کردن به شوهران لذت فراوانی میبرید و در مقابل هم توقع از او ندارید چرا که یاد گرفته به آدرس مجله زوندون باید یک قطعه فوتوی خویش برای ما ارسال دارید و هم تا گفته نمائید که این تست تنها برای زنان و دختران نامزد میباشد.

حل کنندگان

حل کنندگان جدول و مسایل شماره های قبلی زوندون عبارت انداز: حمیده، محمود، ضمیره، ولی العسید، عطاء الله، روح الامین، گل احمدیوبیل و غیره که از جمله فقط فوتوی گل احمدیوبیل برای ما رسید که در پسین صفحه چاپ نمودیم.



گل احمد (بابل)

واز دستشان بگیرد.

ج: سرخ شدن مردها معنی بخصوص ندارد زیرا هم بعضی اوقات زود سرخ میشوند.

د: به نظر شما کدام یک از ادعاهای زیر واقعیت دارد؟

الف: وقتی که زن با شوهرش گاهلاً رفتار مادرانه داشته باشد شوهر آنقدر رام و انعطاف پذیر میشود که زن میتواند او را مطیع و فرمانبردار خود بسازد و هر چه را که بخواهد بدست بیاورد.

ب: مردهای مو طلایی نوستان خوبی میباشند.

ج: مردها طالب حسیق شناسی هستند و آرزو دارند از کارهای خود داجا تعریف و تمجید کنند حتی اگر قابل تعریف و تمجید هم نباشند.



شکل ۵

۶- در شکل (دوم) سه مدال طلا را که به شکل مدرن ساخته شده میخواهید به تناسب روز تولد و یا عروسی خود با زنجیر طلایی در کردن شوهر خود به اندازه کدام یک را انتخاب میکنید:

الف: ب یا ج را؟

۷- در شکل (۳) سه شکل هندسی را مشاهده میکنید که هر کدام سمبول یک رمز است فرض میکنیم که شروع اسم شما (ظ) و اسم شوهران



شکل (۵)

(ب) باشد کدام علامت را انتخاب میکنید که علامت روز نامزدی تان باشد. الف، ب، و یا ج را؟

۸- شما و شوهر تان به اتفاق یک زن و شوهر دیگر از دوستان و یا همکاران او که آنها را تا بحال ندیده اید و نمی شناسید به مناسبتی به یک مهمانی دعوت میشوند. مجلس رقص و یا کوی آغاز میگردد مردها جمع میشوند و همسران خود را یکی فراموش میکنید مانند شکل (۴) در آن شرایط چه عکس العمل از خود نشان میدهید؟

الف: مهمانی را ترک و بخانه میروید.

ب: نزد مردها میروید و به آنها سر گرم میشوید.

ج: گوشش میکنید تا با زنان دیگر سر گرم شوید.

۹- فرض کنید در شرایطی فراد میگیرید که



شکل (۱)

میشوند و دنبال زنان دیگر میروند چیست؟

الف: آنها میخواهند انکای بنفس بیشتری داشته باشند و به این منظور جذابیت خود را آزمایش میکنند و یا به منظور اینکه در بین زنان دیگر محبوبیت دارند و یا به خصوص در مورد افتخار همسر و یا نامزد شان قسرا گرفته و بیشتر در ترس و هراس شده اند.

ب: چون دیگر علاقه به همسر و نامزدشان نداشته و مایل اند در کنار معشوقه ای دوست داشتی دیگر وقت خود را بگذرانند.

ج: چون زنها او را بدام می اندازند؟

۳- کدام رفتار مرد را نمیتوانید نادیده بگیرید:

الف: به شما اهمیت قابل نباشد.

ب: وقتی که او دوستاش را بخانه بیاورد و به خوشگذرانی با آنها بپردازد.

ج: در وقت بیکاری از خانه خارج نشود و دایماً بیش تلویزیون بنشیند و در عین حال او آرزو دارد همسرش چپوراست به او خدمت کند بدون آنکه متوجه باشد که همسرش از او توقعاتی دارد.

۴- به عقیده شما چرا مردها خیلی سریع روی نشان سرخ میشوند و به اصطلاح خجالت میکشند؟

الف: چون دروغ میگویند و خودشان از دروغ خود خجالت میکشند.

ب: چون میترسند کسی به امرار شان فهمیده



شکل (۲)

شکل (۳)

سال بعد او موفق به اختراع (پالستیت) شد که اولین باروت بیود نیترو گلسرین می باشد و در سال ۱۸۹۶ دیده از جهان فرو بست ولی یکسال قبل از مرگش وصیت نامه مشهور خود را که از بزرگترین وصیت نامه های تاریخی میباشد تنظیم کرد و در وصیت نامه اش تاکید کرد که بیش از ۳۱ میلیون کرون لروتنش را به صورت نقد در آورده و آنرا بعنوان سرمایه بکار بزند که از عواید آن برای اشخاصیکه متشاهزترین لایحه برای بشر بوده اند جوایز تهیه گردد. زمینه که وی مایل بود در آنها مهربان بشیرفت شود عبارت از تزیک سکیم یا فزولوزی و یا طب ادیان و صلح. در وصیت نامه خاطر نشان کرده که جوایز بین شایسته ترین افراد هر کشور داده شود و امر توزیع آن به سه موسسه سریندی و یک کمیته مخصوص منتخب پارلمان ناروی واگذار گردید این زندگی مردی بود که در زمان حیات خویش کلیه وقتش را صرف ساختن و بدست آوردن مواد منفجره کرد در حالی که فلسفی ازین کار فقط و فقط این بود که ازین مواد برای خورد کردن سنگها و کوه ها و راه یافتن بداخل آنها و استخراج معادن و کارهای ساختمانی استفاده نمود. او هیچگاه نمیدانست که اختراعات او روزی برای از بین بردن بشر نیز بکار میآیند و از جمله مهم ترین و سیله حرب شمار می رود. حالا اسم او را برای ما بنویسید

یک تست بسیار جالب برای زنان و نامزدها

این رامیدانیم که هر زن آرزو دارد که عشق و علاقه او و شوهرش عشق دایمی و جاودا نه باشد و همیشه کانون زندگی مشترک شان را گرم و پایدار نگهدارد برای آنکه گل عشق همیشه ساداب و روح نواز باشد لازم است همراه احساسات ظریف زنانه از خردمندی و عقل بهره ور بود به کمک زیر کی از چالشها و موفقیت های خوب برای حفظ عشق استفاده نمود. درین مورد مهم اینست که تعادل میان پیروی از احساسات و منطق را در زندگی خود حفظ کنید شما به تست ما جواب بگویید تا بگوئیم که تاجه حد زبرد و دانا در زندگی زنا سویی خود هستید. ما یک سوال مینمائیم به آن سه جواب داده شده است شما هم یک جواب را انتخاب کنید. اینست هم سوالات:

۱- تصور میکنید کدام اشخاص از دیدن شکل (۱) لذت میبرند؟

الف: مردان احساساتی مهربان و آرام.

ب: مردانی که همیشه خود را خشن و سرسخت نشان میدهند تا نقاط ضعف خود را بهتر پنهان کنند.

ج: همه مردها بطور کلی.

۲- به نظر شما علت آنکه مردها خجالتکار

۶۰۷ فرقه آلمان نازی و متحدین آسرا
کسما از بین برد و قسما اسپر گرفت
نیروهای بریتانیا و آمریکا یکصد و هفتاد
شش فرقه دشمن را در عملیات جنگی
در افریقا و اروپا تا ختم جنگ شکست
داد.

پیروزی جنگی اتحاد شوروی نیرومند
توانایی سیستم حکومتی اجتماعی و سیاسی
سوسیالیستی قاطعانه بر ملامت
دولت شوروی یک دولت طرفدار
تهداب اجتماعی آن را اتحاد ناگسسی
طبقه کارگر با دهاقین، منورین و اشخاص

مسلکی تشکیل میدهند که البته در
آن نقش طبقه کارگر عمده است. چنان
و حدی در آن حکمفرما است که در کشور
های سرمایه داری و انحصار بورژوازی
وجود ندارد. لیونید بریتزف طی سخنرانی

در یک گرد هم آیی انتخابی در حوزه
باومن مسکو بنا ریخت و دو فروری
۱۹۸۰ در زمینه چنین گفت: «یکبار چه
گویی و وحدت جامعه سوسیالیستی لزوم
بی نظیر سوسیالیسم را تشکیل میدهند
که نیروی گرانبها و شکست ناپذیر ما است
دشمنان ما بایستی در سپاه تاریخ را
بیدار داشته باشند بگذار این دشمنان بدانند
که وحدت خلق های شوروی مظهر توانایی
خاص در هنگام تهدید است.»

ایجاد سیستم مترقی و شرایط مطلوب
برای پیشرفت قاطع جنبش آزاد بختی
ملی و زوال سیستم استعماری امپریالیزم

یک روند مهم پیروزی شوروی و جنبش وسیع
انقلابی آن درختم جنگ و سالیان اول
بعد از جنگ به شمار می آید. تحولات
عمده که در صف بندی نیروهای جهانی
تبع سوسیالیسم پدید آمدند منجر به
انحطاط شیوه امپریالیزم گردید و دیگر
امپریالیزم را مجال نخواهد داد تا
سرلشت ملل کوچک را به بازی
بگیرد و مجبور است با نیروی روزافزون

کشورهای سوسیالیستی سیاست خارجی
توانا و همبستگی اثرنا سوسیالیستی
شان برای صلح و ترقی کناره یابد.

با آنها قوای ارتجاعی امپریالیستی
نمیخواهد ما ریش عینی تاریخ را مدنظر
بگیرد و تلاش دارد مسیر تاریخ را به
عقب برگرداند امپریالیست های
ایالات متحده و کشورهای اروپای غربی
دست بردست هم داده بلاک نظامی تجاوزگر
را بوجود آورده اند که بیشتر متوجه
شوروی و کشورهای دیگر بلاک سوسیالیستی
است و اطراف این کشورها را با زنجیر
سد ها یا یگان نظامی و بحری حلقه
کرده اند که با این عمل شان تب و تالاش

تو بخانه، تسلیحات انجیری راد یویی والات
کنترول که کمیونری و الکترونی اکنون
به یما نه و وسیع در بحر به شوروی از آن
استفاده می شود.

اتحاد شوروی بحر به جدیدی را بوجود
آورده که البته به منظور تجاوز نبوده و مانند

کشورهای امپریالیستی در ابحار در حرکت
نیست بلکه به منظور حراست کشورهایها
و کشورهای دیگر مترقی
در حال آماده باش است ملاحان
شوروی می گویند که کشتی های جنگی
شان به مقصد جنگ طلبی و تجاوز در هیچ
بحر و بجزیره در حرکت نیست. بحر به
شوروی کماکان منحرف عامل حفظ صلح
در روی زمین و استحکام مناسبات اتحاد
شوروی با مردم اکثر ملل و قاره ها
فعالیت می کند.

قوای مسلح شوروی هما نظر یکه در
حفظ امنیت سرزمین خود بیدار اند در عین
زمان در حال آماده باش است تا هر
تجاوز و حمله را از هر جا بیکه با شد
عقب زده و با اعتماد کامل امنیت شوروی و
کلیه جامعه سوسیالیستی را تأمین
کند.

دارند ذخایر مرمی های ذروی را افزایش داده
نیروی ضربه بحری را در تمام ابحار
بکار انداخته و مرمی های باستیک و میدان
های هوایی بحری را به منظور انتقال
طیارهات مسلح ذروی اعمار نمایند.

در حالیکه معایر همه مردم شوروی
متوجه حل پروبلم ها بوده و آنها مصروف
ساختن جامعه نوین می باشند و
همواره برای حفظ صلح و کاهش مسابقه
تسلیحاتی در پلاش اند حزب کمونیست
اتحاد شوروی نوعیت تجاوز گرانه امپریالیزم
رانیز مدنظر دارد. تداوم نظامی آنها
را ناپدید نگرفته با تمام قوای خود می
کوشد ظرفیت دفاعی خود و نیروی مسلح
خود را افزایش بخشد.

بحر به شوروی قطعات جنگنده فوق العاده
جدید در اختیار دارد که مشتمل است از
تحت البحری ها کشتی های غایبی، قوای
هوایی بحری، مرمی های ساحلی، قوای

عشق به انسان

«هولکا» پسان سایر کودکان مسوالاتی در
مورد چگونگی ترکیب رنگهای آتش در
مورد اینکه آتش چنان هم روشنایی و هم
حرارت تولید میدهد ۰۰۰ در مخیله اش
چنان میگردید پس رک شاخه های
خشکیده را به آتش می انداخت ، از سوختن
آن خیلی ماحظ میبرد. انگار جهان او غیر از
جهان دیگران بود. پس رک با تعجب میگریست
که بعضی افتیدن علف های خشکیده روی
آتش موجب از آتش به بالا میروند و سپس
این موج دوباره فروکش مینماید.

«پیوتر» و «تلیانیکوف» دیگر مرزی میان
خویش نمیدیدند ، آندو مصروف خوردن
شوربای ماهی گردیدند، و سخنان شانرا دنبال
کردند ، از هر طرف سخن زدند ... از غلبه
برفایشزم و شکست ننگین هتلری ها .
«تلیانیکوف» از پیوتر پرسید : راستی تو
دردوران جنگ با فاشیزم در کجا بودی ؟

- در جبهه ... من مرسته اروپا کارگران
بودم ، من در جنگ نقش ارزنده داشتم .
- یقینا قلبه بر دشمن و پیروزی با فاشیزم
برای هر فردی مایک افتخار است، افتخاراتی
که همه بدان می بالند حتی آیندگان .
لختی هر دو دوست تازه آشنا مکسوت
کردند . خاطرات گذشته و لذت لحظات
پیروزی ها یکبار دیگر در وجود پیوتر زنده
گردید .

مقصر از دواج ...

تساین احساس را در آنها بوجود پیور
که شخصیت مطنی و ثابت داشته باشند
زیرا گاهی دید می شود که دختر و
پسر خورد سال با بزرگترها دوست
شوند و در جمع بازی و صحبت آنها
پیوندند مگر در میان همسالان خود
احساس بیگانگی و مایوسی به آنها
دست میدهد که پدر و مادر با دید این عقیده
رادر فرزند خود از بین ببرد و بسراش
بفهماند که با همسالان خود پیوند
به خاطر نشان بسازد که پدر و مادرش
او علاقه و دلچسپی دارند و حرفهایش را
شنوند و متوجه کردار و رفتارشان
و باید همیشه کارهای نیک و موفقیتشان
تحمین نمایند.

سگامی اتفاق می افتد که دختران و
پسران نوجوان مردم میبایند بیدار
را قبل رهنمایی نمود که در چنین مواقع
بازیها و سرگرمی های دست بزندان
مناسب به اقتضای سنشان باشد.

آندو مقابل فرزندان والدین بکوشند
ناز تقلید های ایجا ، لاف زدن و ساخته
کارها حتی المقدور بپرزند .

و در آخر با دید گفت که در انتخاب
های سینما و کتب قسه و زمان آنها را نیز
رهنمایی و مراقبت نماید . زیرا اکثر اهل
های تباری و کتب غیر علمی برای پول
بیا زار عرضه میگردند و هفتاد فشان
اندکانی با شد بلکه دیدن چنین فیلمها
و خواندن چنان کتابها جز اینک
جوانان را به بیوا هه بکشاند سر مشق
دیگری برایشان شده نمی تواند
و آنها زندگی خود را مانند هیرو یا هیرو
تین فلم و کتاب عبار میسازند که باعث
بدبختی خود، اندوه خا نواده و تبا ه
جامعه می گردند .

مکسوت ، مکسوت تر گردید ، از فرط این
خلوت و مکسوت ، جز آشوب ماهیان بحر و
صدای پرندگان دریایی بوضوح شنیده
و دیگر هیچ صدایی نبود که این مکسوت را
مراحم گردد .

آندو درین هنگام گویی به صلح و آرامش
جاودانه می اندیشیدند و می بالیدند، همه جا
صلح و آرامش برقرار بود، در زمین و در
آسمان ... باین مکسوت هولکای کوچک
هم مکسوت کرد چون او هم صلح را دوست
داشت، آری انسان های با عاطفه و حساس همه
صلح را دوست دارند ... و صلح و آرامش
آوردند خوشبختی ها برای بشریت است .
هوا تاریک و تاریکتر شده میرفت ، شب

از راه رسیده بود ... از دور ستارگان در دل
آسمان شفاق چشمک میزدند . پس رک حساس
که همه چیز را از الفاظ موثون و نگاه های
بر مفهوم کاکار تازه آشنایش را درک کرده
بود ، زیر لب زمزمه سر داد :

- صلح ، صلح ... چه کلمه خوشایند و
مقبولی ! بایستی انسان ها را دوست داشت .
بایست انسان های خوب، تاملین کننده صلح
و آورنده خوشبختی و در فرجام همه موجودات
نافع را دوست داشت .

و در نهایت برای هولکا یک چیز روشن
شده بود، آن اینکه پیوتر نمیخواست از
سنگدلی کار بگیرد، اگر او فقط بایر فروختن
بازوت اکتفاء میکرد، برای این بود که آرزو
نداشت بخاطر سرگرمی و مصروفیت یک پسر

خرمسال زندگی زنده جان را که چوچه هایش
منتظر بر گشتنش بودند از او بگیرد وی این
المهام را از بی عطوفتی و قسی قلبی فاشیست
های هتلری، عملا گرفته بود ... او میخواست
در هر کجایی از جهان بایستی صلح حکمفرما
باشد .

دو مرد مذکور و آنکس «هولکا» را بخاطر
احساس نوع دوستی اش بوسیدند و قایم
شانرا بصوب منزل خویش برگردانده، راندند .
... هولکا در همچو لحظات خیلی هایشان
و سر حال میشود .

توای دریا

توای آمو !
 توای جوئنده بهر خلق زحمتکش
 توای غرند و رستاخیز توفانی
 توای سوزنده غم ها
 تویی منزل گه شوریده فرنها
 تویی آرام گه روح نشاط ما
 ترا داند مرز خوشدلی های زمان ما
 ترا گویند رمز یکدلی اند میان ما
 که از هر قطره اشک
 خروشد مهر انسانی
 و ، روئید تخم همکاری
 میان خلق ما و مبدشورا ها
 صدای دوستی تو ،
 رود تا کپکشان ، نامشتری ، تاخانه الوار
 اگر در سطح آرامی
 ولی در عمق پراز موج ها
 بتو مینازم ای گنج گهرخیز زلال ما
 بتو میگویم ای آمو !
 بتو میبالم ای دریا .

چه کردند؟...

خفا شایکه خون خلق خوردند
 بجزاز نام زشت باخود چه بردند؟
 سیه روی و ذلیل و سر تگون باد
 جلا دانیکه مردم را فرود نند
 هزاران لعنت و نفرین برایشان
 که دست باندشمن میهن فشردهند
 جان بیرو جوان بیگناه را
 بغالک تیره باخرمان سپردند
 عدالت را یکی بامال کردند
 رزالت را فر و خدمت شمردهند
 «شفق» را خون دل کردند باخون
 شبیدا نیکه بر ناحق بگردند
 شعرا: میر حبیب الله «شفق»

برگزیده‌هایی از

میان نوشته‌های شما

از محمدا قاسم «نصیب»

سیر بهاران

از سازمان سبزه و گل جوش خرمی
 باله به کوهسار بومف دیار بزم
 وارسته غللهای طبیعت ز خشم تی
 سرشار و شاد خوار !
 در منصفی بهار !

• • •

رخشنده اختران فلکناز شامگاه
 در هر کنار پهنه‌ی آبی و نیمرنگ
 با جست و خیز صحنه‌ی زوین آفتاب
 خیزد فرا سحاب !
 با طرفه آب و تاب !

• • •

لفظ زمان صفای شگوفای سبگون
 در پیشگاه حسن دلای لایه زار

بر رسم از مغان بهاران کند نثار
 در پای آیشار !
 با ثوق و افتخار !

• • •

وین ابر های تندو گهرریزو فیض بخش
 از جلوه های عشق و نشاط حیات ساز
 ما را بزم کارو عمل سازد آشنا
 ارزنده سهم کار !
 به عمران این دیار !

• • •

مسرور باش زمره دهقان رنجبر
 هستی روان تو بزرگو شانان بسوی کار
 سامان بندو کار نشاید نهر زکف
 بسن کتون کمر !
 به محصول بیشتر !

از غفار «عریف»

رفج شب

شبی بود سرد و خاموش ...
 سرا پا خوف و وحشت !
 به هنگام نیمه شب
 از زرفنای خیره گس های دلگیر ،
 از اعماق ظلمت و سکوت ،
 قاتلان تنگ دار غدارانه روی صدا !
 بر فامیل بی گنا هر شب خون زند ...
 فریاد جانسوز تن غمگسارمادری پیچید
 لاله شب گیر قلب محزون خواهری سوخت ،
 توفان اشک چشم کودک یوسید ،
 و در میسان دهشت و خشونت !
 جوان نیرومندی را !
 از بستر گرم خواب

از آغوش پر مهر مادر مستعدیده ای
 از خر من محبت خواهر عزیزی
 از الفت معصومانه کودک
 قربانی درازی شب سیاه گردند !
 جو ان لب به اعتراض نگشود ...
 سرگم شرافتمندانه ، افتخار جاوید نصیب شد .

قلعه جدید - زندان دهمزلنگ

از آفرینندگی و خلاقیت تا دنبال

روی و بی هدفی

چرا نتوانستیم در سینمای ملی خود تیب آفرینی داشته باشیم.

سینمای ما فاقد حتی یک نفر سناریست و فیلمنامه نویس حرفه‌ای است.

چرا سینماگران ما دنبال روروش های ارائه تجاری سینمای هند و ایران هستند؟

وسایل فنی سینمایی افغانستان برای تهیه فیلمهای هنری بلند پرو- دیوسهای کوتاه مدت خبری میخورد.

اما در سینمای معاصر این دایر کتر است که میسازد بیشتر کارگردانان امروز چهره های مورد نظر خود را از کوچه و بازار انتخاب میکنند و با تشخیص خصوصیت های آنها تیب مورد نظر خود را به وسیله شان می پروراند باین طرز تفکر مساله کمبود بازیکن حرفه وی خود بخود رد میگردد؟

شبیوه که تواز آن یاد کردی مورد علاقه فراوان خودم هم هست ، اما دایر کتری که چهره مورد نیاز خود را با توجه به خصوصیت های تیب که می خواهد ارائه دهد از میان مردم بر میگزیند برای هر يك از لحظات فلم خود هم مدت کار میکند و برای ثبت آن «تک» های فراوان میگیرد تا یکی را از آن میان برگزیند و این کار هم پول فراوان می خواهد و هم امکانات فنی مساعد که ما آنرا نداریم - مثل که خیلی چیزهای دیگر را که نیاز داریم ، نداریم

مانا کنون فاقد يك سناریست خوب و فیلمنامه نویس خوب هستیم و سایل کافی ادیت پیونده نداریم - استودیو های مجهز نداریم و ساحه این این نداریم ها آنقدر وسیع است که مجال ارائه

بسته خود را در بین واقعیت های حاکم بر زندگی اجتماعی خود نگه دارد سازسوی دیگر این گونه برداشت عاجل و غیر خلاقیت عاو آفرینش های هنری میشود که شما بیشتر از آن یاد کردید، چرا چنین می کنید ، چه احتیاجی دارید که روگردان ابتدال های سینمای دیگران را به خورد مردم خود دهید ؟ در این زمینه من هم نظر شما نمیباشم - مادر پرداخت های سینمایی خود الهام گرفته ایم اما کاپی نکرده ایم - بهترین شاهد این ادعا در این زمینه نو شته «لایل بیرون» منتقد شناخته شده جهانی دویکی از نشریه های بر تیراز خارجی است که می نگارد ، سینمای نویسای افغانستان کمتر از کتابه کاپی گزایی میکند.

- با آن هم من تاکید میکنم که ممکن است آقای لایل بیرون فرصت نیافته باشد که به صورت مقایسوی مروری بر فلم های افغانی و هندی و ایرانی بکند و متوجه برداشت های شان از همدیگر گردد و گرنه حداقل بعد از دیدن چند فلم افغانی به سبوت متوجه میگردید که چگونه زمینه سازی ها، حادثه پروری ها، فرمان آفرینی ها و حتی تیب سازی ها در این فلم ها وجوه اشتراکی با فلم های هندی و ایرانی دارد ؟

ممکن است مقداری وجوه اشتراکی در این فلم ها موجود باشد - اما من بهر صورت کاپی گری را کاری درست نمیدانم .

- صرف نظر از دفاعیهی که شما به خاطر شرایط نا بسامان دو گمیر با سینمای تولیدی ما به بیان آوردید - فلم های هنری ما معایب دیگری هم دارد که به جای نارسای های فنی از بی توجهی و ستابزدگی در کار تکمیل فلم مایه میگیرد از این گونه بی مبالانی ها چگونه دفاع می کنید ؟

صاحب- نود رواقع مرابه محاکمه هنری

کشانه ای - خوب مشخص تر انتقادات را مطرح ساز که ببینم چه جوابی به آن دارم . به عنوان مثال در صحنه ی از فلم «غلام عشق» که گناه کار گردانی آن هم بگری خودت است هیرو و هیروین فلم رامی بینیم که در کنار جوی بزرگنویا رودی که در سوازل بری جریان دارد مشغول صحبت هستند آنها دیا لوک ها چنان در گوش هم فریاد میزنند انگار در کنار آبشار نیا کارا قرار دارند و حالیکه جریان آب آهسته است و صدای آن

هیچ مزا حتمی رادر گفت و گوی آنها ایجاد نمیتواند این یکی در مورد صدا برداری نمونه دیگر را از همین فلم در زمینه ادیت «پیوند» ذکر میکنم غلام که با صحنه کشته شدن مادرش مواجه گردید ، با عجله نزد پدرش در زمین های زراعتی می رود و او را از جریان می آگاهاند بعد از این شات هیچ شات دیگری وجود ندارد که خاطر با فلش بك برای پدر تداعی گردد و تماشاچی در جریان اندیشه او در شناسایی قاتل قرار داده شود - دیالوگ هم کمکی نمیکند در حالیکه بلا فاصله پدر غلام را زیر جوی

ارباب یعنی قاتل مادر غلام می بینیم که برای اثناء نشدن موضوع وی رانیز در زیر جوی به قتل میرساند - با این شات های گنگت بینند چطور بفهمد که پدر غلام با خاطره های که داشت است قاتل را شناخته ، نژدا و رفته و بالاخره نیز همین موضوع انگیزه قتل وی شده است.

- این معایب قابل دفاع نیست ، اما گناه آنرا باید باز هم به کمبود وسایل فنی حواله کنید - مانا کنون وسایل صدا برداری مجهز برای فلم های هنری نداریم و آنچه در افغان فلم داریم به شمول وسایل دیگر مانند وسایل ادیت و لابراتوار همه برای فلم های کوتاه مدت میباشد، این است که گاهی در صدا برداری فلم ها نواقص از نوعی که شما یاد کردید دیده میشود و در موضوع نارسایی های ادیت فکر بولی مارا در نظر بگیرید ما از وسایل افغان فلم به صورت گزایی استفاده می کنیم و هر لحظه کارما مجموع پرداخت مارا بلند میبرد و چون پول کافی نداریم با ستابزدگی کار می کنیم تا صورت مصرف خود را بلند نبرده بانسیم - این عجله موجب میگردد که نتوانیم

دقت کافی در پیوند فلم و سایل لابراتواری داشته باشیم هر چند چنین اشتبا ها تی کم اتفاق می افتد که شما هم مرض انتقاد دارید که فقط انگشت روی نارسای ها میگذارد و بس - ارائه تصاویر در حالت کلوزاپ «در دست نگاه» در تاکید سینما مروری خصوصیات عاطفی



از سوی دیگر مساله رقابت کشور های تولید کننده فرا آورده های سینمایی در سطح جهانی مطرح است ، کشوری که فلم تهیه میکند نامزیر است برای آن بازار یابی کند و وقتی بازاری را برای فروش بدست آورد آنرا آسان از دست ندهد . اکنون سال هاست که کشور ما بازاری فروش فلم های تجارتي هند و ایران و فلم های دیگر در همین ردیف

است و تولید کنندگان همین فلم ها هستند که با تمام قوا میکوشند از بیای استاده شدن سینمای افغانستان جلو گیری کنند آنها برای ناکام ساختن فعالیت های تولیدی در کشور ماشیوه های زیادی را به کار می بندند قیمت مواد خام را بلند میکنند ، در باره فلم های تولید شده در افغانستان تبلیغات سوء و جارو جنجال بیا می کنند که تماشاچی را از دیدن فلم منحرف سازند . ماشین کارهای سینما را می خردند و اذکار شان می سازند که خط سوند فلم را سوزن کاری کنند ، برای تکست فروشان پول میدهند تا به تماشاچی خریدار تکت بگویند که :

برادر چرا پولت را حرام میکنی ؟ و از دیدن فلم منحرفش سازند و خیلی کارهای دیگر از این قبیل .

به همین دلایل است فلم های تولید شده در کشور ما هیچ يك حتی فروشی که بتوانند جوابگوی مصرف خود باشند نداشته اند .

پس در این صورت چگونه توانستید به فعالیت های تولیدی خود دوام دهید ؟

تعدادی از دوستداران سینما با سر مسایه گذاری های بسیار کوچولو قبول دریسک میکوشند سینمای ما را بیا ایستاده دارند سحره فلم که تولید میگردد پیش از پانزده نر و گاه بیشتر از بیست هزار افغانی تا یکصد هزار افغانی سرمایه میکذارند . مقداری هم از قرصه های بانکی استفاده میگردد اما نتیجه صفر است همین اکنون تهیه کنندگان فلم های هنری مانا کلو در قرصه غرق هستند و بازم به کار خود دوام میدهند .

سازنظر شما این نارسایی ها و نابسامانی های اقتصادی چگونه حل میگردد ، دولت چه کمک های برای جلوگیری از رکود و توقف فعالیت های سینمای ما میتواند ؟

کار های زیادی هست که اگر به انجام آید میتواند پایه های تکمیل و توسعه سینمای تولیدی ما تلقی گردد .

به نظر من نخست باید مشکل کمبود وسایل کار برای جلب بیننده بد آموزشده ، باید سگس داشته باشیم . برهنگی داشته باشیم رقص و آواز فراوان داشته باشیم . زود خورد های هیجان انگیز داشته باشیم با شیم که جمع آوری چنین صحنه های دو فلم برای سینما گریارسالت غیر ممکن است .

نقش باید قوی و آزموده باشد سحر نقش خود و در تمام لحظات بازی اش حاکمیت داشته باشد تا بتواند تاثراتش را در ما به چهره خود انعکاس دهد . من غالباً در صورتی از دادن نماهای درشت تصویری چهره دوری گزیده ام که موفق نشدم حالت عارا در چهره باز یکنان نقش ها ایجاد کنم و اکنون هم از همین مشی پیروی میکنم خواه مرادوست کلو زاپ بخوانید و یا دشمن آن .

سبه اجازه شما کسی هم روی مسایل پولی و تجارتي تولیدات سینمایی صحبت کنیم ؟

بفرمایید !

حاضر یدر این زمینه بدون حاشیه دوی و با صداقت صحبت کنید ؟

سحر تاکنون صداقت کلام نداشته ام !!

منظورم این نیست مواردی هست که جزء اسرار به شمار میاید شما هم اگر از من پرسید تیراز ژوندون چقدر است ممکن است بگویم بیست هزار در حالیکه رقم واقعی تیراز احتمالاً ممکن است خیلی کمتر از عدد ذکر شده باشد .

سراسری تیراز ژوندون چقدر است ؟

معدودی را نمیگویم ، اما با صداقت میگویم که تیریراز ترین نجله کشور ماست . خوب سوالت را طرح کن میکوشم با شیوه خودت جوابت را بدهم !

فلم های که تاکنون پرودیس کرده ای از نظر عاید چطور بوده است ؟

بسیار ناچیز ، ناخدی که حتی موفق نشدم مصرف فلم وانیز عاید کنیم ؟

چرا ؟

فلم های تجارتي توریست شده از کشور های هند و ایران که پر مشتری ترین فلم ها در کشور ما میباشند . تماشاگر سینمای ما را بد آموزش ساخته اند به گونه ای که اگر فلمی فاقد خصوصیت های این گونه فلم ها باشد فروش کافی ندارد و بعد از چند نمایش سالون های سینما خالی میماند .

برای جلب بیننده بد آموزشده ، باید سگس داشته باشیم . برهنگی داشته باشیم رقص و آواز فراوان داشته باشیم . زود خورد های هیجان انگیز داشته باشیم با شیم که جمع آوری چنین صحنه های دو فلم برای سینما گریارسالت غیر ممکن است .

برای جلب بیننده بد آموزشده ، باید سگس داشته باشیم . برهنگی داشته باشیم رقص و آواز فراوان داشته باشیم . زود خورد های هیجان انگیز داشته باشیم با شیم که جمع آوری چنین صحنه های دو فلم برای سینما گریارسالت غیر ممکن است .

و تاثرات گر کتر ها و شناساندن آن به بیننده نقش بزرگ دارد . از این دو کارگردان هادر تمام مواردی که ایجاد میکند تاثرات ساده و ریانا شاد دقیق تر تصویر آنرا در حالت کلو زاپ قالب می کنند . اما شما دو فلم های ساخته خود بیشتر به لانگشات ، تصویر از دور و میدیم شات و تصویر های نه درشت نمائونه خیلی از دور ، تمایل دارید تا جای که بعضی شما را دشمن کلو زاپ میکوشند ، چرا چنین ، و دلیل عدم رغبت شما به نما های درشت تصویری چیست ؟

من انتقاد شما را کاملاً قبول دارم . تصاویر در حالت کلو زاپ خصوصیت این را دارند که بیشتر و دادر جریان تمام نکات ریزیک نسبی قرار دهند و از همین دو وقتی چهره ی در حالت کلو زاپ تصویر بندی میگردد ، بازدهی عواطف و نمایاندن عمق احساس گر کتر سینمای آسان میگردد و انتقال مفاهیم ساده صورت می گیرد اما این تصاویر باید همراه با تمام خصوصیات مورد نیاز ما به چهره باشند نگاه و حالت باید قدرت بازدهی تاثرات را داشته باشد و گر نه يك چهره فاقد حالت هیجان را نمیتواند باز گویند برای ارائه تصاویر درشت باز یگر



جواب به نامه ها کما

سلام به خوانندگان و همکاران عزیز !
به آرزوی سلامتی و سعادت شمامی برفازیم
به جواب نامه ها :

دوست عزیزم فخرالدین پایمرد محصل
فاکولته حقوق !

چند پارچه ربامی شما رسیده خرسندیم
که همکاری میکنید و دعا میکنیم که این
همکاری قلمی از گزند با دو یاران مصئون بماند.
اینک نمونه بی لژاشمار تان :

گل لرگی شگوفه باز کسره
پیشانی لقمه بلبل ساز کسره
چو با چشمان دلدارم شبیه است
مرا یا بلبلان همسراز کسره

تگسارم رفت و اشعارم بدستش
گل لرگی خسارم بدستش
دور از چشمان مست و دلخوشش
تو گسویی چشم دلدارم بدستش

خوب است که چشم دلدار تان شبیه لرگی
است و گرنه شما کجا و بلبل هزار داستان
کجا. چه کاری شد که دلدار شما اشعار را ببرد
و به دلدار دیگری سپرد .. حوصله داشته
باشید عجله کار شیطان است و دلدار فقط
دل سدار است و راز دار ... خدایا تان ...

دوست عزیز عبدالغنی یوسفی مأمور اداری
مدیریت تعلیم و تربیه ولایت فراه !

عرض ارادت میکنیم ولی راستش « قبلا
در هر جاییکه باشیم یکی بوده ایم» نبوده ایم.
شاید منظور تان قلبا بوده باشد که سکه
قلب است و راستش اش چیه است و درستش
قلب است . بهرحال از قلب و دل بگذریم
و بیاییم سر اصل مطلب . مضمون «انسان
یک موجود کنجکاو و ممتاز» شمارا به متصدی
صفحه دوستان سپردیم که از نظر بگذراند
و در چاپش بکوشد، موفق باشید .

دوست عزیز محمد نوروز سلطانی متعلم
مکتب سعادتالدین انصاری !

نوق و شوق تان را سپاس میکنیم و از
اینکه شعر «بیرق» سروده طبع شما از چاپ
بازماند معذرت میخواهیم . مشوره میدهیم
که شعر بسیار بخوانید تا بیشتر بفهمید به
راز و رموز شعر گوئیم . موفق باشید .
دوست عزیز انوری شاعر معروف !

نامه بی شمابه اداره رسید و از اینکه روح
شمارد آرامگاه ابدی هم آرام نیست مناسبیم
و جز نشر اعتراض و شکایت شما چه میتوانیم
کرد که شمارا خوش آید و بندگان خدا را نا
خوشی افتد .

«نامه ای از انوری شاعر خراسان :
شمر دزدی و شاعر دزدی :

روزی در خراسان از بازاری میگذاشتم ،
جمعیتی را دیدم که بدور مردکی گرد آمده ،
واو هم با کمال حرارت ، با صدای بلند شعر
میخواند . چون خودم شاعر بودم ، علاقمند
باشیدم شدم ، اما زود دریافتم شعر های
که این مرد میخواند ، از من است .
برسیدم ، برادر این شعری را که خواندی
از کی بود ؟
گفت از انوری .

گفتم اگر منظورت از انوری همان شاعر
معروف است آن که منم . مرد با کمال دیده
در آیی به پاسخم گفت : دیگرش را نمیدانم ،
این شعرا ز من است و قام من انوری است ،
از شنیدن این جواب گستاخانه ، کج شدم
و گفتم شعر دزدی شنیده بودم اما شاعر دزدی
هم دیدم و فی البدیهه فرد ذیل بر زبانم جاری
شد :

دزد قباله نزد بدیدمست هر کسی
یاران حدرکتید زد زد مقاله دزد
از همان وقت به بعد ، در برابر اشخاصی که
دست به سرقت ادب میبرد سخت حساسیت
دارم ، زیرا این بی مایگان بهتر است دست
به گدایی بزنند تا مضمون دزدی .
ولی با کمال تاسف باید بگویم که گاهی
در عالم ارواح خبر میشوم که دامن این عادت
تکوهیده هنوز بر چیده نشده ، و درین قرن که
بسیتمش مینامند ، نیز کسانی یافت میشوند
که دست به انواع دزدی ادبی (که عین بی ادبی
است) میزنند .

یک مثل سابقه است که میگویند : سرمه
را از چشم میزند . همینطور گاهی میشنوم
که حتی مضمون چنل نویسی دیگری را از
روی میز بر میدارند و آنرا در جای دیگر بنام
خود نشر میکنند و گاهی نیز دیده شده که
داستانی را از زبان دری و آیس به زبان دری
ترجمه کرده اند که این یک شاهکار است
بالاخر از انوری دزدی .

صرف نظر از این ، اخبار سرقتهای خرد و بزرگ
چون فقره دزدی ، جمله دزدی ، پاراگراف دزدی
فکر دزدی که از شمار بیرون است .
بهر صورت توصیه من به جوانانیکه واقعا
میخواهند هنرمند شوند اینست که هرگز
گرداینگونه اعمال نادرست نگردند ، زیرا
علاوه از اینکه در نهایت هیچ سودی از این
کار نخواهد برد در صورت گیر آمدن سرقت
شان سبب سزا میشوند نیز خواهد بود .
در اینجا باید بگویم که هنر را مستیسن
در خلاقیت است و ایجاد تازه ها .. و اما سارق
ادبی مانند کسی است که دیوار خوشنمای
را که قلا بدست معمار هنرمندی بنا شده ،

خراب کرده و از خشت و گل آن دو بساره
همان دیوار را با کمال بی هنری آباد میکند .
درین صورت علاوه از اینکه چیزی بر دیوار
نمیگذرد ، به بافت و نقشهای هنری آن لیسر
صدمه زده است .

جواب نویسی نامه ها چه عرض کند به نوای
انوری ، بگذار تا دیگران از دستبرد قلم حرف
بزنند و نشست رسوایی دزدان اد بی هر چه
محکمتر و بی صداتر از فراز بامها به زمین
کوبیده شود و نقاب از رخ بی رخ سارقان ادب
برافتد .

کاتب ظالم به منان قلم
دزدی بی لیسر و کمان میکند

دوست عزیز علی آقا همدرد از سرگ دوم
شاه شهید !

خوشحالم که به مجله ژوندون علاقمندید ،
از شرح حال منیاه موی جلالی که اندک بود
و مختصر گذشتیم و اینک چند دوبیتی ارسال
شما که در کاغذ قشنگی نگاشته بودید :

اگر از تو ذی از بام آیم
اگر هر صبح زنی هر شام آیم
دو یایم دایری گر تابه زانو
به سینه گر نیایم بیوفایم

چرا ای دوست عزیز ، از در بزیند و باز چرا
هر صبح مورد لک و کوب کردی و سر انجام
چرا دو یایم را آن یار نامهربان خدا ناخواسته
قطع کند که چون سوسمار به سینه پیش روی
و با ریختن اشک تمساح گونه بی اورا
خدا کند .

به قربان هسو چشمان مست
لکش سگرت میان هر دو شست
لکش سگرت که رسم عاشقی نیست
به قربان دل عاشق پر مست

مگر با انگشتان پای سگرت بکشند که
رسم عاشقی باشد و ترا پسند آید ...
دل غرق خون است باکی گویم
غم از حد فزون است باکی گویم
عزیزان این دل شوریده من
شور و ز غرق خون است باکی گویم
به دلدار محبوب و مضمون خود بگویند که چاره دل
را نماید ...

دوست عزیز ، دوبیتی های را که می گزینید ،
کوشش به خرج دهید که درست و کامل و
صحیح و تمام بگیریید و اضافه بر آن تنها دو
بیتی های بی قراری دل را در دل نسپارید
و بما نفرستید بلکه دوبیتی های کسه سوژه
اجتماعی و در دزدگی دارد به ما بفرستید که
به نشر بسپاریم در غیر ... خدا حافظ .

دوست عزیز شمس الدین آردین از نواخانه
صالحی - ولایت هرات !

سلام میفرستیم و ما هم آرزو داریم کسه
همیشه و بیوسته موفق و کامروا باشید . مطالب
ارسالی شمارا خواندیم و اینک قسمت از آن :
« دو قطعه فوت هزاری و چند چک اینجانب
که مفقود شده بود در بکس حسرم پیدا شد ،
ببخود دنبالش نگریدید .»

شما خود ، ببخود خانم عزیز تا آنرا جسور
تجدید و سبب آزارش نگریدید . از خیال پلو
بی گوشت نیز بگذرید که نه نوت هزاری
افغانی داشتید و نه چک چند ملیونی و نه کسی
به جستجوی آن بود .

هزمن مرغوب در بهترین نقاط هرات
باقیبت مناسب برای قدم زدن شما آماده است ،

ناگران نشده بیایید قدم بزیند یا خراب
متعال رفادر بی نیاز از آن روز بترسیم
قدم زدن بالای زمین نیز قیمت پیدا کند
دوست عزیز محمد عثمان متعلم لیسر
با سلام عرض شود که پارچه شعر
ای وطنه ای شما نواقص بسیاری دارد
یکی آن همان است که در بالا از لیسر
من خاک بازبان شکسته و بسته انوری فرمود
نزد قباله نزد بدیدمست هر کسی
یاران حدرکتید زد زد مقاله دزد
و فعلا یاران حدرکتید زد زد شعر دزد که
و شاهد آن صفحه گلهای سرخ است
شعر شما از آنجا بسیار آب خورده و بیرون
یافته است . خدا حافظ

دوست عزیز سعیده عالمی و زینب
عالمی از لیسره جهان ملکی ولایت غزنی !
مطالب ارسالی شما رسید و آنرا سپردیم
به متصدی صفحه مسابقات و سرگرمیها
ترتیب اثر میدهد و بالاخره شکایت تان که
نگاشته آید « دوست عزیز متصدی صفحه
سرگرمیها ، کله داریم ، که چرا جدول
ماراکه از مدت دو سال به اینطرف پیش از یاز
جدول ارسال کرده ایم فقط دو جدول
چاپ شده است و پس ، خواهش میکنیم
سرب المثل فرودنده که دیوارده هم به وارد
راند نظر گرفته و در چاپش اقدام نمایسید
اگر لیاقت چاپ را نداشت به ما بگویند
در طرح دیگر جدول سعی نماییم .»
ما هم همچون شما همین حرفها را با متصدی
صفحه مسابقات و سرگرمیها گفتیم و آن
داریم که پاسخ شمارا تهیه بدارد و چرا
نشرش نکوشیده است .

والسلام

یادونه
ژوندون مجلی دتیری گنهی په دریم
کمی د ا.خ.د.ک د مرکز کمیته د عمومی مش
د ا.د.ج د انقلابی شوروا رئیس او صدراعظ
بیرک کارمل دوینا ددوم ستون د دیارل
گرمی خغه وروسته دی دغه جمله زیاته
... فاشیزم دیر لوی قوت شورووی انده
دستر قدرت به واسطه و تگول شو اوله مبتلا
لار د خوشحالی ... هیلهده جی گران لوستون
بندی هکله زمون معذرت و منی .

مدیر مسوول : راحله راسخ خرمی
معاون : محمد زمان نیکرای
آمر چاپ : علی محمد عثمان زاده
آدرس : انصاری واپ - جوار
ریاست مطابع دولتی
تلفون مدیر مسوول : ۳۶۸۴۹
تلفون توزیع و شکایات : ۳۶۸۵۹

دولتی مطبعه
ژوندون

شعبه ۳ جزا ۱۳۵۹

۲۴ می ۱۲۸۰

شماره نهم

سال سی و دوم

قیمت یک شماره ۱۳ افغانی

**Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library**